ختایی نامه

فصلنامه علمی، فرهنگی و ادبی
سال اول | شماره یکم | پاییز ۹۷ | ۵۰۰۰ تومان

- جشنواره‌های چین
- ساختار قومیتی در چین
- بررسی هفت مذهب رایج در تاریخ چین
- نگاهی به جغرافیای اقتصادی کشور چین
- ترجمه‌ی داستان خانه‌ی قدیمی من
- بررسی کتاب ذرت سرخ اثر مو یِن
- شعر پاییز نوشته‌ی بی جوئی
- آموزش اصطلاحات چینی
- و خلاصه‌ای از فعالیت‌های انجمن علمی زبان چینی . . .

十年树木
百年树人

——管子 权修

{ بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمْ }

ختاینامه

فصلنامه علمی، فرهنگی و ادبی | سال اول | شماره یکم | پاییز ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: انجمن علمی گروه زبان چینی (فریماه محمودی)

مدیر مسئول: زهره عامری صفی آبادی

سردبیر: فاطمه علیزاده

استاد مشاور: خانم دکتر الهام سادات میرزانیا

هیئت تحریریه: نگین اسدی، نگین اسماعیلی نیا، طاهره اقبال، آناهیتا پورسفیر، غزاله جعفرزادگان، غزل حسینی، زهرا رضایی، ایمان رمضانی، کیارش زارع، طاهره شهریاری، زهره عامری صفی آبادی، فاطمه علیزاده، صدف فراهانی، فائزه فلاح، فرزانه قلی پور، فریماه محمودی، محسن مفیدی، فاطمه موسی پور، مهرداد نجفی، سپیده نظری.

دبیر سرویس ادبی و آموزشی: غزل حسینی

دبیر سرویس تاریخ، اقتصاد و سیاست: مهرداد نجفی

دبیر سرویس علم و فرهنگ: آناهیتا پورسفیر

هیئت ویراستاران: مهرداد نجفی، آناهیتا پور سفیر، غزل حسینی، فاطمه علیزاده، زهره عامری صفی آبادی

گرافیک و صفحه‌آرایی: استودیو اردیبهشت؛ نسترن پیرکفاش

پست الکترونیک: Khataynameh.atu@yahoo.com

کانال تلگرام: @ChineseATU

با سپاس فراوان از تمامی کسانی که ما را در تهیه و چاپ این شماره از نشریه‌ی ختای‌نامه همراهی کرده‌اند.

مطالب منتشر شده در فصلنامه لزوماً دیدگاه نشریه نیست.

دانشگاه علامه طباطبائی
معاونت فرهنگی و اجتماعی

فهرست مطالب

سرآغاز
سخن سردبیر ۴

فصل اول / ادبی و آموزشی ۵

نگارش چینی دری به سوی خیال
محسن مفیدی و کیارش زارع ۶

بررسی کتاب ذرت سرخ اثر مو یِن
مهرداد نجفی ۸

خانه‌ی قدیمی من (ترجمه‌ی داستان)
مهرداد نجفی ۱۲

شعر پاییز نوشته‌ی بی جوئی
ترجمه‌ای از فاطمه علیزاده و غزل حسنی ۱۸

کوه بوجو
فریماه محمودی ۲۰

خود را بازیگر گروه هنری جا زدن (داستان ضرب المثل)
طاهره شهریاری ۲۱

آموزش اصطلاحات چینی
طاهره شهریاری ۲۴

فصل دوم / علم و فرهنگ ۲۵

جشنواره‌های چین ۲۶
نگین اسدی و فرزانه قلی پور

جشنواره‌ی فانوس ۲۹
زهرا رضایی

هنر در چین ۳۱
نگین اسماعیلی نیا

کاغذ، گامی مهم به سوی پیشرفت ۳۳
فاطمه علیزاده

سفر به غرب: ضربه‌ی شیطان ۳۵
طاهره اقبال

ساختار قومیتی در چین ۳۷
سپیده نظری

ازدواج در چین ۳۹
غزاله جعفرزادگان

بررسی هفت مذهب رایج در تاریخ چین ۴۲
نگین اسماعیلی نیا

شی آن، شهر سربازان سفالی ۴۵
فائزه فلاح

مساجد چین ۴۸
فاطمه علیزاده

فصل سوم / تاریخ، اقتصاد و سیاست ۵۱

دکتر مظفر بختیار، چین‌شناس برجسته‌ی ایرانی ۵۲
آناهیتا پورسفیر

جِنگ هه، دریاسالار بزرگ عصر اکتشاف ۵۴
صدف فراهانی و ایمان رمضانی

تاریخ چین ۵۶
فاطمه موسی پور

نگاهی به جغرافیای اقتصادی کشور چین ۵۹
فاطمه موسی پور

بزرگترین شریک تجاری ۶۲
زهره عامری صفی آبادی

ضمیمه / تاریخ نگار ۶۵

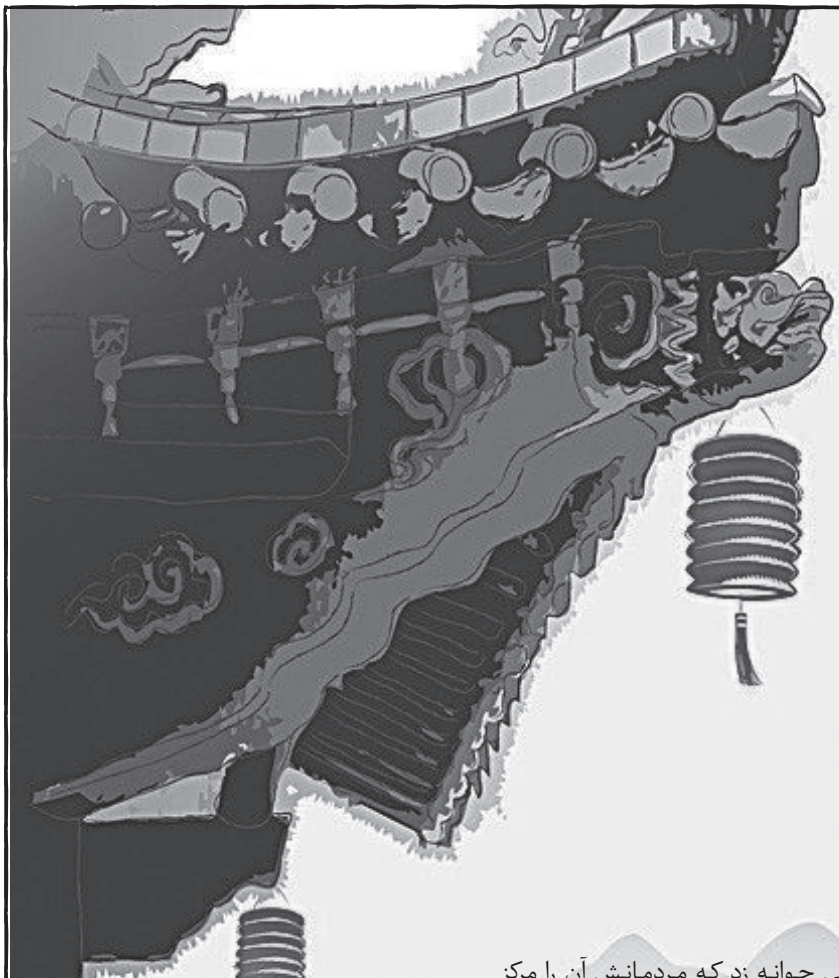

سرآغاز

درجایی در خاوردور، در بستر رود زرد، تمدنی جوانه زد که مردمانش آن را مرکز جهان می‌خواندند. پهنه‌ای زیبا و ژرف، که زبان قاصر است از توصیف شگفتی‌های آن. تمدنی با فرهنگ کهن و تاریخ غنی، که در کنار دگر تمدن‌های عظیمی چون میهن عزیزمان ایران، بالنده گردید؛ به درستی که در گذر زمان، این دو کشور، بی‌تأثیر از هم نبوده‌اند. در این سال‌ها، کشور چین، قدم در راه تبدیل شدن به یکی از غول‌های اقتصادی جهان، نهاده است و نیز با وجود روابط نیکو و دوستانه میان دو کشور، لزوم آشنایی هرچه بیشتر با عرصه‌های مختلف این مرزوبوم، بیش از پیش احساس می‌شود. گرچه به واقع، شناخت کافی و همگانی، در این رابطه وجود ندارد. پس همت نمودیم و با یاری خداوند منان، دفتری گشودیم تا زمینه‌ی این شناخت را فراهم آورده و به عنوان دانش‌آموختگان این عرصه، به نوبه‌ی خود سهم کوچکی در انجام این رسالت، ایفا کرده باشیم.

پاییز ۹۷
فاطمه علیزاده

ادبی و آموزشی

نگارش چینی دری به سوی خیال .....

بررسی کتاب ذرت سرخ اثر موِین .....

خانه‌ی قدیمی من (ترجمه‌ی داستان) .....

کوه بوجو .....

شعر پاییز نوشته‌ی بی جوئی .....

خود را بازیگر گروه هنری جا زدن (داستان ضرب‌المثل) .....

آموزش اصطلاحات چینی .....

نگارش چینی
دری به سوی خیال

نویسندگان:
محسن مفیدی، کیارش زارع

از گذشته تا کنون تعاریف بسیاری درخصوص زبان و دلایل یادگیری آن بیان شده است. اگرچه زبان با تمامی جنبه‌های زندگی بشر، رابطه‌ی تنگاتنگی دارد؛ امّا یادگیری یک زبان صرفاً ابزار دستیابی به یک راه ارتباطی جدید نیست. در طی فرآیند یادگیری زبان، ویژگی‌های فرهنگی، باورها و دیدگاه‌های ملتی که به آن زبان سخن می‌گویند، به زبان‌آموز انتقال داده می‌شود.
مثلی چینی می‌گوید: یک زبان جدید، یک زندگی نو است. به عبارت دیگر دریچه‌ای جدید رو به زبان‌آموز گشوده شده و او را به جهانی مملو از مفاهیم ناب رهنمون می‌سازد.
از آنجا که نوشتار در زبان چینی، بر خلاف دیگر زبان‌ها نه بوسیله‌ی حروف الفبا، بلکه بر پایه‌ی پندارنگار است؛ انتقال این مفاهیم از زبان چین باستان، ابعاد عمیق‌تری از این مسئله را در بر می‌گیرد.
نوشتار چینی، قدیمی‌ترین خط نوشتاری بشر است که همچنان به عنوان یکی از خط‌های نوشتاری زنده‌ی دنیا استفاده می‌شود. این نویسه‌ها اشکال تغییر شکل یافته از تصاویر بدوی هستند، که زمانی انسان برای انتقال معانی مورد نظر خود از آنها استفاده می‌نمود.
با اندکی دقت در این نویسه‌ها می‌توان نگاه مردم چین به مفاهیم عینی و انتزاعی مختلف را درک کرد. دولت چین برای سهولت خواندن و نوشتن نویسه‌ها در اواسط قرن بیستم چندین بار نسخه‌های ساده‌شده‌ای از نویسه‌ها را ارائه کرده و تا حد زیادی معانی پنهان نویسه‌ها را تغییر داده و یا از بین برده است. شاید این تغییرات نیز

دربردارنده‌ی تغییر دیدگاه نسل جدید مردم چین به مفاهیم مختلف باشد.
تشخیص شباهت ظاهری برخی از این نویسه‌ها کار دشواری نیست. همانند نویسه‌ی رودخانه (川-chuān) که شکل ظاهری رود را دارد، یا مفاهیم ساده‌ای مانند بالا (上 - shàng) و پایین (下 - xià).
آنچه یادگیری این نویسه‌ها را تبدیل به سفری جذاب در فلسفه و فرهنگ چین می‌کند، مفاهیم پیچیده‌تری مانند عشق (愛-ài)، کشور(國-guó) و انسان (人-rén) است. نویسه‌ی سنتی عشق در زبان چینی را می‌توان تقریبا به دو نویسه‌ی مستقل دیگر تفکیک کرد. اولی قلب (心-xīn) و دیگری پذیرفتن (受-shòu). می‌توان گفت نویسه‌ی عشق از قرار دادن نویسه‌ی قلب در میان پذیرفتن ساخته می‌شود. به عبارت دیگر وقتی قلب کسی را پذیرفتی، عشق پدید می‌آید.
داستان پندارنگار انسان، از جنس ترکیب نیست، بلکه از نکته‌ی ظریف ساختاری برای نشان دادن این مفهوم استفاده شده است. نویسه‌ی انسان ترکیبی است از دو خط که به یکدیگر تکیه کرده‌اند. یکی اندکی بزرگ‌تر از دیگری است. در عین حال که این نشان گرافیکی یک حجم متوازن را به ما نشان می‌دهد که تعادل و ثبات خود را حفظ کرده است؛ این پیام را دارد که علیرغم تفاوت در اندازه، این دو خط برای ایستادگی باید به یکدیگر تکیه کنند.
برای حفظ توازن، این خط کوچک به اندازه خط بزرگ مهم است. شاید می‌توان گفت که انسان در تکیه‌ی خود به دیگر انسان‌ها معنی پیدا می‌کند! شاید پیام این نویسه آن است که چه انسان توانمند باشد، چه ضعیف هر دو برای حفظ تعادل بشر به یک میزان اهمیت دارند.
پندارنگار قدیمی کشور نیز به دو نویسه‌ی (囗-wéi) به معنی فضای بسته و (或-huò) به معنی شاید تفکیک می‌گردد. شاید منظور نویسه این است که در کشور احتمالات محدود و قطعیت و ثبات حاکم است.
شاید تداعی‌کننده‌ی مفهوم کشور به عنوان مکانی است، که فرصت‌ها در آن زنده هستند و این نویسه نوید امید و فرصت برای ساکنان کشور است. نویسه‌ی ساده شده‌ی کشور (国) یشمی در دل دارد. گویی داستان این نویسه نشان از ارزش والای وطن و مردم هر کشور است.
گاهی نویسه‌ها ما را با خود تا افسانه‌های چینی می‌برند و برایمان داستان‌هایی خواندنی را روایت می‌کنند. هیچ فکر کرده‌اید شاید نویسه ماه (月-yuè) اشاره به قصر ماه دارد، که چانگ‌ئه و خرگوشش در آن زندگی می‌کنند.
شاید هیچ کدام از اینها معنی واقعی این نویسه‌ها نباشند، اما فهمیدن اینکه پندارنگار نشستن (坐-zuò) از ترکیب نویسه‌های دو آدم (人) که بر روی زمین (土-tǔ) نشسته‌اند لذت‌بخش است. نویسه‌ی خوب (好-hǎo) که از پندارنگار زن در کنار فرزند قالب گرفته است، دنیایی از محبت مادری را در دل خود دارد. مگر مادر دور از فرزندش می‌تواند خوب باشد؟ چینیان از رادیکال‌های مختلف برای بیان مفاهیم خاص در نویسه‌هایشان بسیار بهره گرفته‌اند. نگاه به نویسه‌ها در قالب رادیکال‌ها انسان را به حیرت وا می‌دارد. چه بسیارند نویسه‌هایی که همچون رازی سربه مهر باقی مانده‌اند؛ شاید درک این پندارنگارهای خاص نیازمند روح و خیالی وسیع‌تر است.
قطعا تفکر در مورد چرایی انتخاب این نویسه‌ها و کشف معانی پنهان این تصاویر، همانند حل معمایی شیرین می‌تواند زبان‌آموز مشتاق را ساعت‌ها به خود مشغول کند، فرآیندی که بی شک دروازه‌ای است برای درک بیشتر فلسفه و حکمت ارزشمند چین. ●

اگر با فردی به یک زبان سخن بگویید، او درک خواهد کرد و آن وارد ذهنش خواهد شد؛ اگر با او به زبان خودش سخن بگویید، وارد قلبش خواهد شد.

(نلسون ماندلا)

ذرت سرخ

اثری از مو یِن

بررسی کتاب

نویسنده: مهرداد نجفی

ادبیات چین با وجود آثار فراوان و بزرگش تقریباً در بسیاری ازنقاط دنیا به ویژه در کشور ما مهجور است. از جمله دلایل این وضعیت می‌توان به پیچیدگی زبان چینی و ناشناخته بودن فرهنگ چین اشاره کرد. با گسترش ارتباطات فرهنگی بین کشورها ترجمه‌ی آثار چینی به زبان انگلیسی گسترش زیادی پیدا کرد. با این حال متاسفانه هنوز هیچ اثری مستقیماً از زبان چینی به فارسی ترجمه نشده است. این در حالی است که آثار انگشت شمار موجود از نویسندگان چینی که به زبان فارسی منتشر شده است هم، یا از زبان انگلیسی و یا از زبان فرانسه ترجمه شده اند. مو یِن[1] یکی از نویسندگانی است که آثارش کم‌کم در حال چاپ و شناخته شدن در بازار کتاب ایران است. او به خاطر دریافت جایزه‌ی نوبل ادبیات که مهم‌ترین جایزه‌ی ادبی به شمار می‌رود؛ توجه همه را در جهان به آثار خودش و ادبیات چین معطوف کرد. در این بخش قصد داریم به معرفی او و مهم‌ترین کتابش یعنی ذرت سرخ[2] بپردازیم.

مو ین در سال ۱۹۵۵ میلادی در شهرستان «گائومی[۳]»، در استان «شَن‌دونگ» به دنیا آمد. نام واقعی او «گوئَن مو یه» و «مو ین»، نام مستعار وی و به معنای «سکوت کن» است. دوره‌ی کودکی او با برنامه‌ی «جهش بزرگ به جلو» ی مائو زدونگ مصادف بود. برنامه‌ای که فقر و قحطی گسترده‌ای را برای مردم چین به ویژه دهقانان آن کشور به همراه آورد. خانواده‌ی مو ین هم مانند بسیاری از روستاییان چینی آن دوره، فقر و شرایط اقتصادی سختی را تجربه کردند؛ به طوری که وی در مصاحبه‌ای عنوان کرده است که از زمان وعده‌ی بعدی غذایی‌مان اطلاعی نداشتیم.

وقتی به نوجوانی رسید، ویژگی یک نوجوان سربه‌راه و نرمال در فرهنگشان کم حرفی به حساب می‌آمد و پرحرفی به شدت نکوهش می‌شد. اما مو ین به نوجوانی پرحرف و کنجکاو، که عاشق شنیدن داستان و نقل آن برای هر کسی که گوشی برای شنیدن داشت تبدیل شده بود. نقال‌های دوره گردی که به روستای‌شان می‌آمدند، انواع داستان‌ها و افسانه‌های محلی را روایت می‌کردند و او با علاقه وهیجان آنها را از بر و برای خانواده اش، خصوصا برای مادرش بازگو می‌کرد. در این دوره از زندگی وی، با اینکه خانواده اش در شرایط سختی به سر می‌بردند و نیاز به کار کردن همه‌ی اعضای خانواده حس می‌شد، مادرش نه تنها او را به کار کردن مجبور نمی‌کرد، بلکه وسایل تحصیل او را هم فراهم کرد. مادرش با اینکه نگران آینده‌ی او بود ولی همیشه با علاقه به داستان‌هایی که پسرش نقل می‌کرد، گوش می‌سپرد و او را از این کار که به نظرش بیهوده بود، منع نمی‌کرد. نقش مادرش چنان در زندگی او تاثیر گذار بود که بیشتر زمان سخنرانی خود، هنگام دریافت جایزه‌ی نوبل ادبیات را به تعریف کردن از فداکاری‌هایش و خاطراتی که از آن زن در ذهن داشت، اختصاص داد.

وی بعد از انقلاب فرهنگی برای فرار از فقر ناشی از زندگی روستایی، به ارتش پیوست. در سال ۱۹۸۱ وقتی هنوز یک سرباز بود اولین داستانش را چاپ کرد. بعدها از دانشگاه پکن در رشته‌ی ادبیات وهنر فارغ التحصیل شد و در بخش فرهنگی ارتش شروع به کار کرد. او در سال ۱۹۹۱ از ارتش استعفا داد و در سال ۲۰۱۲ توانست به بزرگترین دستاورد زندگی اش یعنی دریافت جایزه‌ی نوبل ادبیات برسد.

از جمله مشهورترین آثار او می‌توان به ذرت سرخ، ترانه‌های گیاه سیر، جمهوری شراب و... اشاره کرد. عمده محل رویدادهای داستان‌هایش شهرستان گائومی است. شهری که در آن متولد شده و در آن نیز زندگی می‌کند. داستان‌هایش حماسی- تاریخی اند که با رئالیسم خیالی توصیف شده و شامل عناصری از طنز سیاه هم می‌باشند.

در مورد تاثیر پذیری اش از آثار گابریل گارسیا مارکز کلمبیایی و ویلیام فاکنر آمریکایی این گونه بیان می‌کند: «باید بگویم در خلق قلمروی ادبی ام، شدیداً از فاکنر و مارکز الهام گرفته ام. آثار هیچ کدام را به طور گسترده نخوانده‌ام؛ اما روش جسورانه و بی‌قید و شرط آنها در خلق قلمروهای جدید مشّوق من شدند و از آنها آموختم که یک نویسنده باید مکانی داشته باشد که تنها به او تعلق دارد. تواضع و سازش ویژگی‌های ایده آل زندگی روزمره هستند؛ اما در خلق ادبی، نهایت اعتماد به نفس و پیگیری غرایز شخصی از واجبات است. به مدت دو سال، پیش از آنکه متوجه شوم که باید از تاثیر آنها بر قلمم فرار کنم، پا جای پای آنها می‌گذاشتم. اگرچه تعداد کمی از آثار این دو نویسنده را خوانده بودم، اما همان چند صفحه کافی بود بدانم آنها چه می‌کنند. در نتیجه فهمیدم که باید چه کنم و چگونه راهم را ادامه دهم.»

بررسی کتاب ذرت سرخ

کتاب ذرت سرخ اولین اثر بلند مو ین در سال ۱۹۸۶ در چین به چاپ رسید. این کتاب در سال ۱۹۹۳ توسط هاوارد گلدبلت به انگلیسی برگردانده شد و در خارج از مرزهای چین، مشهورترین اثر مو ین شناخته می‌شود. این کتاب در پنج فصل نگاشته شده است.

رمان روایتگر زندگی سه نسل یک خانواده، واقع در استان شندونگ، میان سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۶ می‌باشد. راوی داستان، نسل سوم این خانواده است که در مورد گذشته‌ی پرافتخار خانواده اش در گائومی و روستای شمال شرقی تحقیق می‌کند. گذشته‌ی خانواده سرشار از راز و رمز، تلخی‌ها، سختی‌های جنگ و خشونت‌های حاصل از آن است که فضایی تیره و غمگین را برای خواننده ترسیم می‌کند.

عمده حوادث داستان در دهه‌ی چهل میلادی رخ می‌دهد، زمانی که ژاپنی‌ها در راستای سیاست‌های امپریالیستی به چین حمله می‌کنند. این جنگ مشهور به «جنگ دوم ژاپن و چین» بوده و خشونت‌ها و ویرانی‌های فراوانی را به مردم چین تحمیل می‌کند و در پایان، حدود بیست میلیون نفر در این جنگ خانمان سوز جان خود را از دست می‌دهند.

شخصیت اصلی داستان «یوژانائو» است. که راوی داستان او را پدربزرگ می‌خواند. او دارای شخصیتی متضاد و نسبت به دیگر شخصیت‌ها بسیار متمایز است. بسیار مغرور و عملگراست و از صحبت کردن تا حد ممکن می‌پرهیزد. سختی‌ها و تیرگی‌های گذشته‌اش، شخصیت او را به گونه ای ساخته که به ندرت به کسی اعتماد می‌کند. زندگی‌اش با قتل و جنایت در هم آمیخته و توانایی و اقبال زیادی در زنده ماندن دارد. بدون توجه به قید و بندهای اخلاقی، هر کاری که دلش می‌خواهد را عملی می‌کند. این شخصیت متناقض، گاهی او را تبدیل

به یک راهزن کرده و گاهی از او یک فرمانده‌ی نظامی می‌سازد. گاهی یک کارگر کاری و سربه‌راه است و گاهی به یک عیاش تنبل تبدیل می‌شود.
عمده قتل‌ها و جنگ‌هایش از روی تعصب به زن‌های زندگی‌اش است، در جوانی راهبی که با مادرش رابطه داشت را بدون هیچ ترحمی می‌کشد. شوهر و پدر شوهرِ معشوقه‌اش و راهزنی که به او بی حرمتی کرده بود را به قتل می‌رساند. هر چند به خاطر این قتل‌ها دچار زحمت‌ها و مصائبی هم می‌شود ولی هیچ گاه اثری از پشیمانی در او وجود ندارد. آشنایی و زندگی او با «دای فنگلیان» قهرمان زن داستان از مهمترین بخش‌های رمان است. یوژانائو وقتی در جوانی به عنوان یک کارگر در یک شرکت خدماتی کار می‌کرد، دای فنگلیان را برای اولین بار دید. دای فنگلیان در واقع توسط پدر شوهرش، از پدرش خریداری شده بود و به خانه‌ی شوهری روان بود که شایعه‌ی جذامی بودنش همه جا پخش شده بود. یو ژانائو شوهر و پدر شوهر دای فنگلیان را می‌کشد و بعد از مرگشان تمام ثروتشان و کارگاه شراب سازی‌شان به دای فنگلیان به ارث می‌رسد. یوژانائو هم به همان خانه رفته و با دای فنگلیان زندگی جدیدی را آغاز می‌کند و کارگاه شراب سازی را به همراه او به نحو احسن اداره می‌کند و وفاداری توام با احترام را از اهالی خانه کسب می‌کند. دای فنگلیان از او صاحب پسری می‌شود. پس از چند سال، او با ندیمه‌ی دای فنگلیان که دختر جوانی به نام «چینگ» بود، وارد رابطه‌ی پنهانی می‌شود و بعد از اینکه این رابطه برای همسرش آشکار می‌شود، به همراه چینگ به خانه‌ی جدیدی نقل مکان می‌کند.
شخصیت مبارز و ضد ژاپنی یوژانائو از وقتی شکل می‌گیرد که ژاپنی‌ها به گائومی حمله کرده و به همسر دومش یعنی چینگ، تجاوز کرده و دخترش را می‌کشند. از آن به بعد یوژانائو را در قامت فرماندهی جسور می‌بینیم که با بی‌تجربه‌ترین افراد و ضعیف‌ترین سلاح‌ها به مقاومت در برابر ارتش ژاپن می‌پردازد.
دای فنگلیان شخصیت اصلی زن داستان است. راوی او را مادربزرگ می‌خواند. او شخصیتی کلیدی و بسیار اثر گذار در داستان است. در همان آغاز نوجوانی‌اش به اجبار پدرش مجبور به ازدواج با فردی جذامی می‌شود. او هم مانند یو ژانائو جسور است. در مقابل جبر فرهنگی ایستادگی می‌کند و سرنوشتی که برای او در نظر گرفته اند را نمی‌پذیرد و از همبستر شدن با همسر اول و جذامی‌اش می‌پرهیزد. بعد از اینکه از خانه‌ی شوهر برای دیدن پدرش خارج می‌شود، با یوژانائو رابطه برقرار کرده و مخالفتی با نقشه‌ی قتل همسرش توسط یوژانائو از خود نشان نمی‌دهد. با درایت و هوشیاری که برای دختری در سن او کم نظیر است، اموال خانواده‌ی «شَن» (خانواده‌ی همسر اولش) را از آن خود کرده و با سخاوتی که از خود نشان می‌دهد همه‌ی کارگرها و مستخدمین خانه را به خود وفادار می‌کند.
در بررسی رمان، در وهله‌ی اول باید به توصیف بی نظیر خشونت توسط مو ین بپردازیم. خشونت بخش جدا نشدنی این رمان است. خشونت‌های حاصل از بی‌قانونی و خشونت‌های حاصل از جنگ، در این رمان به خوبی به تصویر کشیده شده‌اند. رمان دارای صحنه‌هایی است که خواندن آن می‌تواند برای بسیاری از خوانندگان دردناک و مشمئزکننده باشد. به عنوان مثال لحظه‌ی زنده پوست کندن آرهات لیو توسط ژاپنی‌ها، لحظه‌ی کشتن سواره نظام ژاپنی توسط یوژانائو و لحظه‌های نبردهای گروه‌های چینی با ژاپنی‌ها، مملو از تصاویر خشنی هستند که خواننده می‌تواند بوی خون و بوی تعفن جنازه‌ها را از لابه لای صفحات کتاب استشمام کند.
اگر نگاهی جامع‌تر به رمان داشته باشیم، این رمان در واقع مجموعه‌ای است از داستان‌های کوتاه در مورد شخصیت‌های مختلف که در یک روند غیر خطی به زیبایی هر چه تمام‌تر با یکدیگر هماهنگ شده و داستانی واحد را تشکیل داده‌اند.

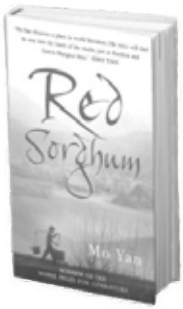

شاید در ابتدای خواندن رمان، این پرش‌های زمانی در پاراگرف‌های مختلف مقداری آزاردهنده باشند ولی بعد از گذشت یک فصل، این وضعیت رمان تبدیل به نقطه قوتی برای آن می‌شود.

گائومی به عنوان محل رویداد حوادث، دارای شخصیت و روحی جداگانه است که در واقع نمادی از کشور و فرهنگ چین می‌باشد. نویسنده در گائومی متولد شده و هم اکنون نیز در گائومی زندگی می‌کند. در رمان علاقه‌ی او به گائومی و گذشته‌اش مشهود است. گذشته با وجود آن جنگ‌ها و نفاق‌ها و زشتی‌های متنوعش دارای ویژگی‌هایی است که نویسنده در زمان نگارش کتاب با دیده‌ی حسرت به آن می‌نگریسته است و آن هم صداقت و شجاعتی است که در شخصیتی مانند یو ژانائو می‌توانیم شاهدش باشیم. در فصل پایانی کتاب که رنگی سورئال به خود می‌گیرد، اوج هنر نویسنده به نمایش گذاشته می‌شود. فصل پایانی مملو است از تک‌گویی‌های بسیار تاثیر گذار راوی که از آنها می‌توانیم چنین برداشت کنیم که «کمونیسم و زمان» دو عنصری بودند که روح و جوهره‌ی اصیل چینی را از بین برده‌اند.

در پایان باید اقرار کنیم که این رمان، درباره‌ی یکی ازسخت‌ترین دوره‌های تاریخی آن کشور است. که نویسنده رسالتش را برای بیان آن با قلمی زیبا و به نحو احسن به پایان می‌رساند. این کتاب بدون این‌که نویسنده پیش‌بینی‌اش را کرده باشد، به سرعت از مرزهای چین گذشته و به اثری جهانی تبدیل می‌شود. به گفته‌ی راوی داستان، ذرت سرخ نماد بی‌تفاوتی و سرزندگی است که در طی دهه‌های کشتار و مرگ برای تأمین غذا، مسکن، شراب وزندگی پاینده می‌ماند. ●

۱- moyan / 莫言
۲- Red sorghum / 红高粱
۳- Gaomi / 高密

خانه‌ی قدیمی من

نویسنده: لو شون

مترجم: مهرداد نجفی

بعد از بیست سال دوری و طی‌کردن مسافتی هزار کیلومتری در سرمایی گزنده، به خانه‌ی پدری‌ام بازگشتم. زمستان بود. وقتی که به خانه نزدیک می‌شدم هوا گرفته بود و باد سردی به درون کابین قایق می‌وزید. از شکاف سایه‌بان قایق، گستره ای متروک و دلگیر از روستاهای خالی از سکنه ای دیده می‌شد که از هر گونه رنگ حیات، بی بهره می‌نمودند. با دیدن این صحنه، غم و اندوه فراوانی به درون قلبم هجوم برد.

آیا این همان خانه‌ای بود که در طول این بیست سال به خاطر داشتم؟

آنطور که به یاد می‌آوردم، خانه‌ام هیچ شباهتی به اینجا نداشت و خیلی بهتر بود. اما همین که خواستم زیبایی‌هایش را به یاد بیاورم هیچ تصویری از آن در ذهن نداشتم و هیچ کلامی برای توصیفش نیافتم. با خودم گفتم که شاید اینجا از ابتدا به همین شکل بوده است. با اینکه خانه و اطرافش بسیار قدیمی بودند و از آن بوی کهنگی برمی خواست، اما در حقیقت هنوز به اندازه ای که من حس می کردم غم انگیز نشده بود؛ بلکه در واقع این حس و حال من بود که به دلیل آماده شدن برای خداحافظی همیشگی با خانه، تغییر کرده بود و غمگینم ساخته بود.

این آخرین باری بود که به خانه‌ی پدری ام می‌آمدم. خانه ای که خاندان‌مان سال‌های درازی در آن اقامت داشتند، اینک فروخته شده بود و باید تا آخر سال به صاحبان جدیدش تحویل داده می‌شد. مجبور بودم تا قبل از تمام شدن سال، برای اثاث‌کشی و منتقل کردن خانواده ام به شهری که در آن کار می‌کردم عجله کنم.

در آغاز صبح روز دوم، به درب ورودی خانه‌مان رسیدم. چمن‌های پژمرده ای که در میان کاشی‌های سفالی سقف، با آواز باد می‌رقصیدند نشان از ناتوانی صاحب خانه در پاسداری از میراث خانوادگی داشتند. حالا خیلی از فامیل‌هایمان از اینجا رفته بودند و مجتمع‌مان بسیار خلوت بود. وقتی به بخشی که خانواده ام در آن زندگی می‌کردند نزدیک شدم مادرم برای خوش آمد گویی به طرف من آمد و برادرزاده‌ی هشت ساله ام «هونگ آر» از پشت مادرم به طرفم دوید.

با اینکه مادرم از دیدنم خیلی خرسند بود، اما با این حال غم پنهانی را در وجودش حس می‌کردم. مرا بر روی صندلی نشاند و گفت: «کمی استراحت کن و چای بنوش؛ و نیازی نیست فعلاً در مورد اسباب کشی صحبت کنی.» هونگ آر که تا به حال مرا ندیده بود از آن سمت مرا نگاه می‌کرد.

طولی نکشید که صحبت‌هایمان به اثاث‌کشی قریب الوقوع‌مان کشیده شد. به مادرم گفتم که خانه ای اجاره کردم و مبلمان و وسایلی برای آن تهیه کردم؛

ولی لازم است که برای اضافه کردن مقدار دیگری از وسایل، تمام وسایل چوبی و غیرقابل حمل‌مان را در اینجا بفروشیم. مادرم حرف‌هایم را تأیید کرد و گفت که تقریباً تمام چمدان‌ها را بسته و نصف بیشتر وسایلی که نمی‌توانیم با خودمان ببریم را هم فروخته است؛ اما تنها مشکل گرفتن پول از کسانیست که وسایل را خریده اند.
مادرم گفت: «تازه از سفر برگشتی؛ یکی دو روزی رو خوب استراحت کن. لازمه اقوامی که به دیدنت میان رو هم ببینی. بعد آماده‌ی رفتن میشیم»
گفتم: «باشه»
مادر ادامه داد: «راستی! «رونتو» رو یادم رفت بهت بگم. هر وقت اینجا میاد سراغتو می‌گیره، بهش گفتم که قراره به زودی برگردی خونه. به احتمال زیاد برای دیدنت بیاد.»
با شنیدن حرف مادرم، تصویر ماهی نقره فام در ذهنم نقش بست که بر فراز ساحل وسیعی می‌تابید. ساحلی که در سرتاسر آن هندوانه کاشته بودند. درهمان ساحل، پسربچه‌ی یازده ساله‌ای که حلقه‌ای به گردنش داشت، با چنگکی در دست، در تلاش بود حیوانی به نام «چَ» را بگیرد ولی آن حیوان جاخالی داده و از میان پاهای پسربچه گریخت.
آن پسربچه که تصویرش مانند یک نقاشی واضح در ذهنم شکل گرفت، رونتو بود. حدوداً سی سال پیش بود که برای اولین بار او را دیدم. در آن زمان نه سال بیشتر نداشتم. پدرم آن زمان هنوز زنده بود وضع مالی خوبی داشتیم و من به عنوان ارباب جوان نازپرورده‌ای در آن خانه رشد می‌کردم. آن سال نوبت خانواده‌ی ما بود تا مراسم قربانی کردن برای اجدادمان را به جای بیاوریم. این تشریفات مذهبی برای ما بسیار مهم بود زیرا هر سی سال نوبت به خانواده‌ی ما برای برگزاری این مراسم می‌رسید. در این مراسم، در اولین ماه سال قمری، تصاویر اجدادمان به نمایش در می‌آمدند و پیشکش‌هایی به مناسبت این عید هدیه داده می‌شدند. به دلیل اینکه ظروف مخصوص مراسم قربانی عتیقه بودند و جمعیت زیادی برای انجام مراسم به خانمان می‌آمدند، مجبور بودیم خدمتکار پاره وقتمان را که در زمان‌هایی که سرمان شلوغ بود به کمک‌مان می‌آمد، برای حفاظت از ظروف و کمک کردن در کارها فرابخوانیم. (در ناحیه‌ی ما خدمتکاران به سه دسته تقسیم می‌شدند: آنهایی که تمام سال را برای یک ارباب کار می‌کردند را تمام وقت، آنهایی را که فقط روزهایی را استخدام می‌شدند را روزمزد و عده‌ای از خدمتکاران را که برای خود زمین داشتند و در روزهای خاصی از سال برای کمک می‌آمدند را پاره وقت می‌نامیدند.) به این دلیل که کارهای زیادی برای انجام دادن وجود داشت خدمتکارمان به پدرم گفت که پسرش رونتو را برای کمک کردن به مراسم خواهد آورد.
پدرم پیشنهاد پدر رونتو را پذیرفت و من از این بابت بسیار خوشحال شدم. خیلی پیش از این نام رونتو را شنیده بودم و می‌دانستم که هم سن و سال من است. دلیل اینکه نامش رونتو بود این بود که او در ماه اضافه شده در سال کبیسه (هر سال در تقویم قمری چینی ۳۶۰ روز است و تقریباً هر شش سال یک ماه به تقویمشان اضافه می‌شود که به آن رون 闰 می‌گویند.) به دنیا آمده بود و طالع بینان به پدرش گفته بودند که در طالع او یکی از پنج عنصر یعنی خاک وجود ندارد و پدرش برای جبران این کمبود «تو» （土） را که به معنی زمین است به اسمش اضافه کرد. همچنین درباره‌ی او شنیده بودم که تله‌های خوبی برای گرفتن پرنده‌ها می‌سازد.
هر روز تا رسیدن آغاز سال نو روزشماری می‌کردم؛ زیرا که سال نو رونتو را با خودش به همراه می‌آورد. بالاخره پایان سال رسید و روزی مادرم به من گفت که رونتو آمده است. به سرعت برای دیدنش رفتم. در آشپزخانه بود. صورتی گرد و سرخ‌گون داشت و کلاهی نمدی بر روی سرش گذاشته بود. حلقه‌ای نقره‌ای رنگ به گردن داشت که نشان از عشق پدر به او و برای حفظ کردنش از گزند مرگ و به عنوان نشانی از ارادت بی حد و حصرش به بودا، به پسرش داده بود. با اینکه او پسری بسیار خجالتی بود اما از همراهی کردن با من امتناع نمی‌ورزید. انقدر خجالتی بود که در حضور دیگران صحبت نمی کرد و وقتی کسی حضور نداشت با من حرف می‌زد. طولی نکشید که با هم صمیمی شدیم.

با اینکه او پسری بسیار خجالتی بود اما از همراهی کردن با من امتناع نمی‌ورزید. انقدر خجالتی بود که در حضور دیگران صحبت نمی کرد و وقتی کسی حضور نداشت با من حرف می‌زد. طولی نکشید که با هم صمیمی شدیم.

دقیقاً به یاد نمی‌آورم که آن زمان در مورد چه چیزهایی صحبت می‌کردیم. فقط به یاد دارم که رونتو با خوشحالی از سفرکردن به اینجا و دیدن چیزهایی که پیش از این ندیده بود، با هیجان برای من سخن می‌گفت.

روز بعد از او خواستم که برایم با استفاده از تله، پرنده بگیرد. او گفت:

«اینطوری که نمیشه، اول یه عالمه برف باید بباره. وقتی که برف بارید باید یه تیکه از زمین رو خوب جارو کنی تا برف روش نمونه. بعد چند تا دونه می‌ذاری روی زمین. با یه چوب و یه سبد و یه طناب می‌شه یه تله‌ی خوب ساخت. بعدش طنابی رو که به چوب بستی رو می‌گیری دستت و منتظر می‌شی تا پرنده بیاد و دونه‌ها رو بخوره. بعدش طناب رو می‌کشی. من تا حالا کلی پرنده گرفتم.»

او ادامه داد: «فعلاً که هوا سرده، تابستون که شد باید بیای خونمون. می‌تونیم روزا بریم ساحل تا صدف پیدا کنیم. صدفای زیادی اونجا می‌تونیم پیدا کنیم؛ قرمز، سبز، «ترساننده‌ی ارواح» و «دست بودا». شب‌ها هم وقتی من و بابام باهم می‌ریم تا به هندونه‌ها سر بزنیم تو هم باید باهامون بیای.

گفتم: «می‌رید تا دزد بگیرید؟»

گفت: «نه! اگه یه نفر خیلی تشنه باشه، عیبی نداره که یکی از هندونه‌ها رو برداره. چیزی که باید حواسمون بهش باشه گورکن‌ها و خارپشت‌ها و «چَ» ها هستند. وقتی زیر نور ماه، صدای قرچ قرچ هندونه خوردن چَ ها رو شنیدی، چنگک رو ور می‌داری و یواش یواش بهش نزدیک می‌شی...»

نه آن موقع و نه حتی الان، دقیقاً ملتفت نشدم که این چَ ها چه نوع حیواناتی هستند. فقط یک جوری متوجه شدم که یه چیزی شبیه توله سگ هستند و خیلی هم باید تند و تیز باشند.

پرسیدم: «آدما رو گاز نمی‌گیرن!؟»

گفت: «چنگک به همین درد می‌خوره، وقتی دیدیشون با چنگک سریع بهشون حمله کن. ولی مشکل اینجاست که اونا خیلی باهوش و سریعند. اول سریع به سمتت میان بعد از لای پاهات، مثل روغن لیز می‌خورن و فرار می‌کنن.»

من اصلاً نمی‌دونستم که همچین چیزایی وجود دارند. صدف‌های چند رنگ، قصه‌های شبانه‌ی اطراف هندوانه‌ها، راستش تنها چیزی که در مورد هندوانه‌ها می‌دانستم این بود که می‌شود آنها را از میوه‌فروشی‌ها خرید.

رونتو ادامه داد: «توی ساحلمون هم کلی ماهی جهنده داریم! وقتی جزر و مد می‌شه، با دو تا پاهاشون که عین پاهای قورباغست میان بیرون.»

ذهن رونتو مانند صندوقی از جواهرات گرانبها بود. هیچ حد و مرزی نمی شناخت. هیچ کدام از دوستان شهری‌ام مانند او نبودند. وقتی ما زندانی چهاردیواری حیاط خانمان بودیم و فقط آسمان را می‌نگریستیم، او در ساحل به افق‌ها خیره می‌شد.

شوربختانه، پایان ماه و وقت رفتن رونتو به خانه اش فرارسید. من در اشک خود

غرق شده بودم و او به آشپزخانه پناه برده بود و گریه می‌کرد و از رفتن امتناع می‌ورزید تا اینکه پدرش او را بزور و کشان کشان از آنجا برد. بعدها برای من کیسه ای صدف و تعدادی پرِ پرنده‌ی بسیار زیبا فرستاد. من هم برای او دو بار هدیه‌هایی فرستادم؛ ولی بعد از آن هرگز همدیگر را ندیدیم.

با یادآوری نام رونتو توسط مادرم، تمام این خاطرات گذشته مثل نوری قوی در ذهنم تابید. مانند این بود که درحال تماشای خانه مان در زمان بچگی‌ام هستم.

به مادرم جواب دادم: «چه خوب! اون... حالش چطوره؟»

«زیاد اوضاعش خوب نیست.» به بیرون خانه نگاه کرد و گفت: «باز یه سری آدم اومدن. به بهونه‌ی خرید وسایل، میان ببینن چی می‌تونن بلند کنن. برم مراقبشون باشم.»

بلند شد و رفت. صدای چند تا زن از پشت در می‌آمد. هونگ آر را صدا کردم و با او شروع به صحبت کردن کردم. پرسیدم که چه کلماتی را می‌تواند بنویسد و اینکه آیا دوست دارد که از این خانه برود؟

پرسید: «با قطار می‌ریم؟»

گفتم: «بله»

دوباره پرسید: «قایق چی؟»

جواب دادم: «اتفاقاً اول باید سوار قایق بشیم»

صدای جیغ پیرزنی بلند شد و فریاد زد: «پس اینه! عجب سبیل بلندی!»

با تعجب سرم را بلند کردم. در مقابلم زنی پنجاه ساله با گونه هایی بسیار بلند و لبانی باریک که دستانش را به پهلویش زده بود ایستاده بود.

با چشمان عاری از هرگونه احساس به صورتش خیره شدم.

پیرزن گفت: «منو نشناختی!؟ وقتی خیلی کوچیک بودی رو زانوهای من می‌نشستی»

دوباره مثل قبل به زن خیره شده بودم که مادرم آمد و مرا نجات داد و گفت:

«پسرم خیلی وقته که اینجا نبوده، خیلی چیزا رو فراموش کرده»

بعد به طرف من برگشت و گفت: «یادت اومد؟ ایشون خانم یانگ هستن. یه خیابون بالاتر زندگی می‌کنن و مغازه‌ی دوفو (نوعی غذا) فروشی دارن»

در آن لحظه خاطراتی از خانم یانگ را به یاد آوردم. در جاده‌ی بالای خانه‌ی ما مغازه‌ی دوفو فروشی‌ای وجود داشت و زنی که مشهور به «دوفوپز زیبا» بود، تمام روز را در آنجا بسر می‌برد. اما آن زن پودر آرایشی زیادی به صورتش می‌زد و گونه اش به این بلندی و لبش به این باریکی نبود. در آن موقع مردم می‌گفتند که فروش خوب این مغازه صرفاً به خاطر حضور این زن است. احتمالاً چون خیلی بچه بودم تحت تاثیر این زن قرار نگرفته بودم و برایم جاذبه ای نداشته است؛ به همین خاطر او را به کل فراموش کرده بودم. به دلیل اینکه نتوانسته بودم او را به سرعت به خاطر بیاورم، او طوری تحقیرآمیز نگاهم کرد که انگار یک فرانسوی، ناپلئون و یا یک آمریکایی، واشینگتون را نشناخته است.

خانم یانگ به من نگاه کرد و با پوزخندی گفت: «منو یادت رفته!؟ منو!؟ خوب معلومه دیگه! شما شأنتون خیلی بالاتر ازماست»

با اضطراب به زمین نگاه کردم و گفتم: «نه. اصلاً اینطور نیست.»

خانم یانگ گفت: «آقای شون، شما که پولداری، این مبل‌ها هم خیلی سنگین و غیر قابل حملن و دیگه به درد شما نمی‌خوره پس بهتره اینا رو به آدمای فقیری مثل ما بدید که بهش نیاز داریم.»

گفتم: «من پولدار نیستم و باید این وسایل رو بفروشم تا بتونم...»

«وا! تو که پست مهم دولتی داری، سه تا معشوقه داری! یه ماشین سواری با ۸ تا همراه داری! باز میگی که پولدار نیستی؟ منو نمی‌تونی گول بزنی»

می‌دانستم که حریف این زن نمی‌شوم و سکوت کردم.

«مردم هر چی بیشتر پولدار می‌شن، خسیس‌تر می‌شن و هر چی خسیس‌تر می‌شن بیشتر برای پول حرص می‌زنن» همینطور که زیر لب غرغر می‌کرد به طرف بیرون می‌رفت و در این حین دستکش‌های مادرم را برداشت و در جیبش گذاشت.

بعد از رفتن آن زن با تعدادی از اقوامم دیدار کردم و کمی از وسایل را بسته بندی کردم. سه

ذهن رونتو مانند صندوقی از جواهرات گرانبها بود. هیچ حد و مرزی نمی شناخت. هیچ کدام از دوستان شهری‌ام مانند او نبودند. وقتی ما زندانی چهاردیواری حیاط خانمان بودیم و فقط آسمان را می‌نگریستیم، او در ساحل به افق‌ها خیره می‌شد.

روز پس از آن در بعد ازظهری سرد در حال چای خوردن بودم که کسی به خانه آمد. رفتم تا مهمان را ببینم که در نگاه اول او را شناختم. رونتو بود. با اینکه در نگاه اول او را شناختم باز این همان رونتویی نبود که به یاد می‌آوردم. دو برابر بزرگتر از بچگی اش شده بود. صورت گرد و سرخش به صورتی زرد، با چین و چروک‌های زیادی تبدیل شده بود. مانند پدرش چشمانی پف کرده و قرمز داشت که از ویژگی‌های کشاورزانی است که در سواحل کار می‌کنند و همیشه در معرض باد هستند. کلاه مندرس نمدی بر سر و ژاکتی نازک بر تن داشت و سر تا پایش از سرما می لرزید. یک بسته‌ی کاغذی و یک چپق را در دستانش که اینک مانند تنه‌ی درخت هلو زبر شده بود، حمل می‌کرد.

از دیدنش بسیار خرسند بودم ولی هیچ واژه ای جز گفتن «رونتو» برای ابرازش نیافتم.

روبرویم با چهره ای که ترکیبی از غم و شادی بود ایستاده و زیر لبش کلمات نامفهومی را نجوا می‌کرد. بعد واضح و بلند مرا صدا کرد: «ارباب»

با این کلمه ای که از دهان رونتو خارج شد لرزه ای بر اندامم افتاد. دیوار ضخیمی را حس کردم که بین ما در طی این سال‌ها کشیده شده است. بازهم سکوت کردم.

گفت: «بیا شوئی شنگ، بیا و به ارباب تعظیم کن.» پسربچه‌ای را که پشتش قایم شده بود را کشید و به سمت من هدایت کرد. پسربچه عیناً مانند بچگی‌های رونتو بود فقط لاغرتر و زردتر و بدون داشتن آن حلقه‌ی نقره ای بر گردنش. رونتو گفت: «این پنجمین بچمه. چون هنوز بچس به همین خاطر خیلی خجالتیه.»

مادرم و هونگ‌آر صدای حرف زدن ما را از طبقه‌ی بالا شنیده و به پایین آمدند.

رونتو به مادرم گفت: «خانم، نامه‌ی شما زود به دستم رسید. خیلی از شنیدن این که ارباب برگشته خوشحال شدم.»

مادرم با گرمی به رونتو گفت: «چرا انقدر رسمی برخورد می‌کنی؟ شماها قبلاً مثل برادر بودین. حالا هم مثل قبل برادر «شون» صداش کن»

«شما خیلی به بنده لطف دارید. نمی‌تونم همچین جسارتی کنم. اون موقع بچه بودم و نمی‌فهمیدم.» بعد از گفتن این حرف‌ها دوباره شوئی شنگ را از پشتش به جلو کشید.

مادرم گفت: «این پنجمین بچت نیست؟ خوب اون تا حالا ما رو ندیده، طبیعیه که خجالتی باشه. بهتره تا با هونگ‌آر برن بیرون تا بازی کنن»

وقتی هونگ‌آر به شوئی‌شنگ نزدیک شد، اواحساس راحتی کرد و با خوشحالی با برادرزاده‌ام به بیرون از خانه رفتند تا بازی کنند.

مادرم از رونتو خواست که روی صندلی بنشیند. پس ازتعللی کوتاه، روی صندلی نشست و پاکت کاغذی ای که در دست داشت را به من داد و گفت: «بفرمایید ارباب. ناقابله. تو زمستون هیچ چیز به دردبخوری اونجا پیدا نمیشه که بشه به عنوان سوغاتی آورد. این لوبیاها رو خودمون خشک می‌کنیم.»

وقتی از او پرسیدم که اوضاع به چه منوال می‌گذرد، سرش را تکان داد و گفت:

«زندگی سختی داریم، با اینکه بچه‌ی ششمم هم تو کارا کمک می‌کنه، باز غذای کافی برای خوردن نداریم. امنیتی وجود نداره. هر جا می‌ری از آدم پول می‌گیرن؛ هیچ قانون مشخصی وجود نداره. وقتی یکم محصول برداشت می‌کنیم و می‌فروشیمش، مجبوریم که پولشو به صد تا عنوان مختلف مالیات بدیم. اگه هم بخوایم محصولاتمون رو نفروشیم و نگه‌داریم، می‌مونن و فاسد می‌شن. همینطور باتکان دادن سرش ناراحتی‌اش را ابراز می‌کرد.

وقتی که سرش را تکان می‌داد، چین و چروک‌های صورتش ثابت مانده بودند و باعث شده می‌شدند که چهره‌اش مانند مجسمه‌ای سنگی به نظر برسد. چپقش را روشن و شروع به کشیدن کرد.

وقتی مادرم فهمید که اومی خواهد فردا به خانه‌اش برگردد و هنوز هم نهار نخورده است، به او گفت که به آشپزخانه برود و غذا بخورد. بعد از رفتنش به آشپزخانه، من و مادرم از روی تأسف برای زندگی سختی که رونتو دارد سرهایمان را تکان دادیم. بچه‌های زیاد، گرسنگی، مالیات‌ها، ماموران، مقامات فاسد، راهزنان و ... چنان شیره‌ی جانش را مکیده بودند که مانند یک مومیایی خشک شده بود. مادرم گفت که تمام وسایلی که مانده را باید به او بدهیم تا اگر خواست با خود به خانه اش ببرد.

بعد از ظهر آن روز، چند تا از اثاث خانه را انتخاب کرد: دو تا میز بلند، چهار تا صندلی، یک مجمره و یک جا شمعی و یک مقدار خرت و پرت دیگر. او خاکسترهای اجاق غذا پزی را هم خواست تا از آن به عنوان کود کشاورزی استفاده کند. گفت

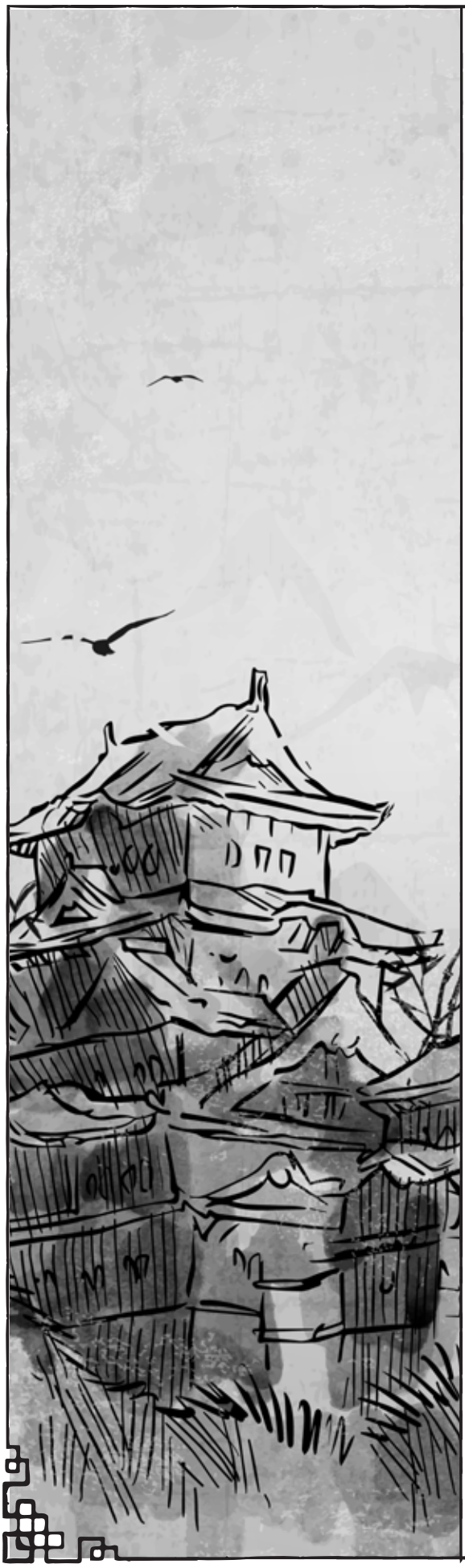

بعد از اینکه ما اثاث‌کشی کردیم، می‌آید و وسایل را با خود می‌برد.
همان شب با رونتو در مورد مسائل پیش پا افتاده و معمولی با هم صحبت کردیم. فردا صبح، رونتو به همراه فرزندش به خانه اش برگشت. پس از گذشت نه روز، نوبت ما بود که آماده‌ی رفتن شویم. رونتو صبح به خانه‌ی ما رسید واین بار شوئی‌شنگ همراهش نبود. فقط دختر بچه‌ی پنج ساله‌اش را با خود آورده بود تا قایق‌ها را تماشا کند. تمام روز سرمان شلوغ بود و وقت نکردیم با هم صحبت کنیم. همچنین افراد زیادی برای بردن وسایل‌شان و خداحافظی کردن با ما آمده بودند. تقریباً بعد از ظهر بود که سوار قایق و آماده‌ی رفتن شدیم.
وقتی که قایق حرکت کرد، آسمان در حال تیره شدن بود و کوه‌های یشمی آن سوی رودخانه در حال محو شدن بودند. ناگهان برادرزاده ام پرسید:
«عمو، کی برمیگردیم؟»
«کی برمی‌گردیم!؟ هنوز نرفته داری می‌پرسی که کی برمی‌گردیم؟»
«آخه شوئی شنگ منو دعوت کرد خونشون.» چشمانش را به طور کامل باز کرد و با اضطراب شروع به فکر کردن کرد.
با پیش کشیده شدن نام رونتو، من و مادرم دوباره احساس ناراحتی کردیم. مادرم گفت از وقتی که در حال بسته‌بندی وسایل خانه بودیم، خانم یانگ هر روز به خانه‌ی ما می‌آمده است. دیروز از درون خاکسترهای اجاق، چند تا کاسه و بشقاب پیدا کرده است و با من وارد بحث شده که این‌ها را رونتو درون خاکسترها مخفی کرده تا بعد از اینکه شماها رفتید بیاید و با خود به خانه اش ببرد. خانم یانگ بعد از این کشف بزرگ در پوست خود نمی‌گنجید و به مناسبت این کشف بزرگ برای خود یک محفظه‌ی نگه داری سگ برداشت.
هر لحظه از خانه‌ی پدری دورتر و دورتر می‌شدم و مناظر اطراف خانه به تدریج در حال محو شدن بودند و از این موضوع به هیچ وجه ناراحت و پشیمان نبودم. تنها چیزی که مرا ناراحت می‌ساخت، دیوار نامرئی بلندی بود که اطرافم را گرفته بود و مرا تنها ساخته بود. تصور آن قهرمان کوچک میان هندوانه‌ها با آن حلقه‌ی نقره ای بر گردنش که قبلاً به روشنی روز بود و حالا در حال تار شدن، مرا به شدا غمگین می‌ساخت.
مادرم و هونگ آر خوابیده بودند. من دراز کشیده بودم و به صدای آبی که قایق آن را می‌شکافت گوش می‌دادم. با خود فکر کردم که اگرچه دیوار بزرگی بین من و رونتو کشیده شده، اما هنوز بچه‌ها با همدیگر گرم و صمیمی هستند؛ مگر این نیست که هونگ آر داشت به شوئی شنگ فکر می‌کرد؟ آرزو کردم که بچه‌ها مانند ما رفتار نکنند و رابطه‌ی طولانی‌تری داشته باشند. امیدوار بودم به اینکه نه مانند من سخت کار کنند و نه مانند رونتو زندگی سختی داشته باشند و نه راهی را بروند که بقیه‌ی آدم‌ها برای به دست آوردن پول و رفاه رفته اند. آنها باید زندگی جدیدی را تجربه کنند؛ زندگی ای را که ما هیچ وقت نداشتیم و نشناختیم. یک زندگی واقعی.
امیدوار شدن ناگهان ترسی را بر من مستولی ساخت. وقتی که رونتو از من مجمره و شعمدانی‌ها را خواست، در دلم به خرافاتی بودن و بت‌پرستی ای که در طول این همه سال نتوانسته بود رهایش کند، خندیدم. در حالی که امیدی که اکنون در قلب خودم شکل گرفته، چیزی نیست جز بتی که من برای خود ساخته ام؛ با این تفاوت که چیزی که او آرزو می‌کند همیشه در دسترسش است و چیزی که من آرزو می‌کنم شاید هیچ وقت برآورده نشود.●

ژانویه ی ۱۹۲۱

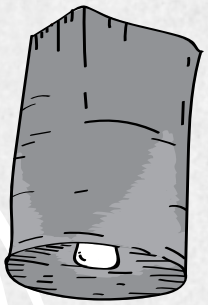

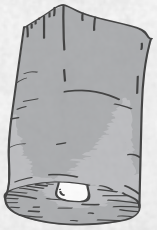

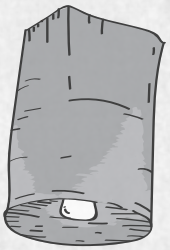

خفتن در شبی بارانی در میانه‌ی خزان

در سرمای شبی استخوان‌سوز از سومین ماه خزان، پیرمردی فراغبال دیرگاه به سوی بستر خویش روانه می‌شود و به نیکویی در طنینِ دل‌انگیز باران می‌آرامد. خاکسترِ آتش، گرمای خود را در جدال با سرمای دیوسیرت نمی‌بازد و آنرا به سوی بالین پیرمرد روانه می‌دارد.

سپیده‌دم با زلالی و سرمای جان‌سوزش، رخ می‌نماید. اما پیرمرد دیریست که آرمیده و عزم برخاستن ندارد. و برگ‌های سرخ شبنم‌پوش برای رُفتن اثر قدم‌های پیرمرد از زمینِ سرد، عازم سفری دور خواهند شد.

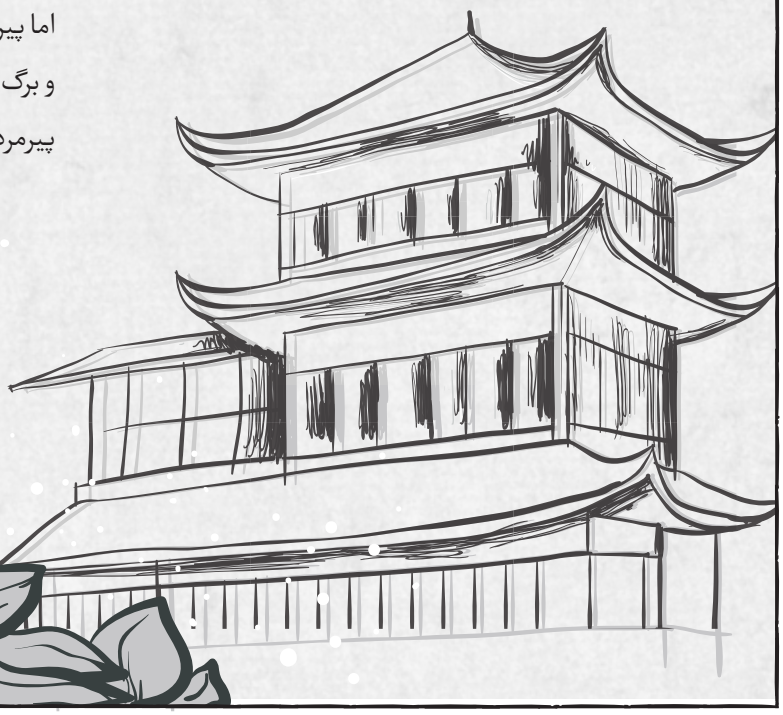

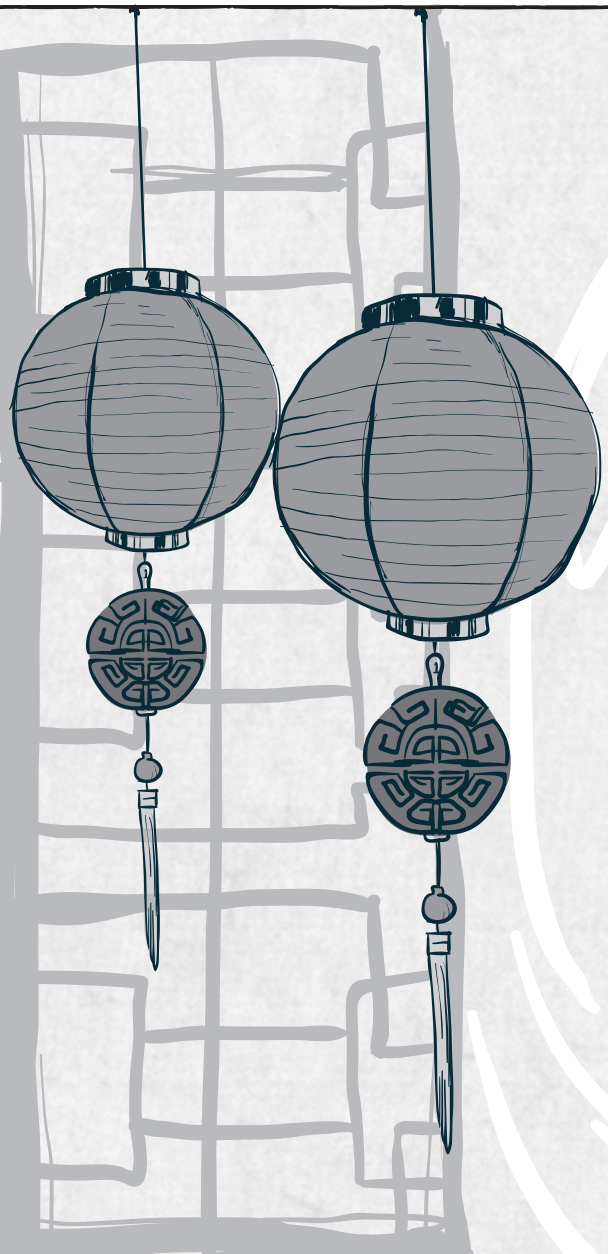

خفتن در شب بارانی پاییز

یخبندان شبیست خاموش
سومین ماه خزان است
یک مرد سال دیده
دل آسوده
پس از خاموشی اخگر
به تاخیر آرمیده ست
بسی زیبا غنوده ست
میان صوت باران
خاکستر آتش هنوز گرم است ز هرم آن
به گرمای لحیف، عطرش می افزاید
سحر سر می زند...
زلال و سرد...
و او را نیست برخواستن
برگ های سرخ شبنم پوش
پوششی آیند قدم هایش...

شعر: 秋雨夜眠
شاعر: بی جویی (白居易)
برگردان نثر: غزل حسینی
برگردان نظم: فاطمه علیزاده

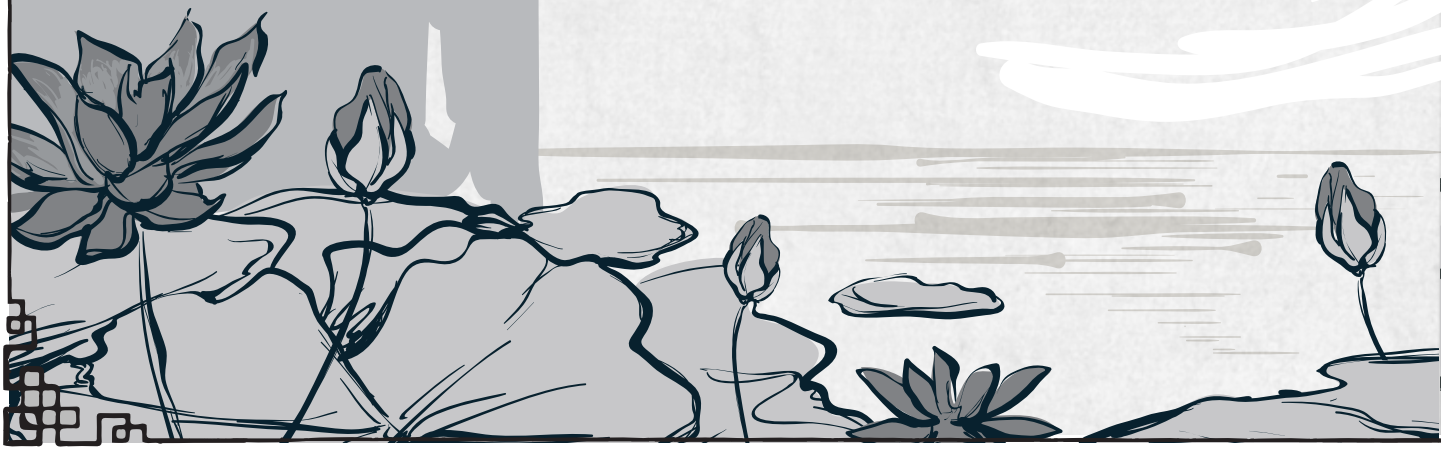

کوه بوجو[1]

مترجم: فریماه محمودی

تصور اینکه آسمان به وسیله‌ی ستون‌هایی از زمین جدا شده‌اند در بسیاری از فرهنگ‌ها وجود دارد. این باور در چین نیز، میان بسیاری از اقلیت‌ها شنیده شده است. جدا کنندگان زمین و آسمان اغلب کوه‌ها، درختان غول پیکر، پای لاک پشت ها یا بدن و جسد خدایان و قهرمانان بوده است. از میان این ستون‌های بین زمین و آسمان، «کوه بوجو» شهرت فراوانی دارد. این کوه که فراتر از دریاهای شمال غربی واقع شده، از شمال به «کوه جوبی» و «کوه یونه چونگ» و از شرق به «باتلاق یوزه» اشراف داشته است. گفته شده دو دیو زرد رنگ نگهبان این کوه بوده و از آن محافظت می‌کرده‌اند. میوه‌ای افسانه‌ای، شبیه به هلو با برگ‌های عناب و کاسبرگ که شکوفه‌های زرد می‌دهد، در کوه بوجو می‌روییده و اگر کسی از این میوه می‌خورده هرگز احساس خستگی یا گرسنگی نمی‌کرده است.

کوه بوجو بدان دلیل مهم است که آسمان را از زمین جدا نگه می‌داشته و فرآیند اولیه‌ی آفرینش را ممکن می‌ساخته است. یک فاجعه‌ی اساطیری در مورد کوه بوجو نقل شده است که آن فاجعه توسط گنگ گنگ (خدای آب) رخ داده است. گنگ گنگ، برای کسب برتری علیه خدای آسمان طغیان می‌کند و با او می‌جنگد و ستون نگه‌دارنده‌ی آسمان در شمال یعنی کوه بوجو را لگد می‌کند که منجر به تخریب کوه می‌شود. از آن پس آسمان به سمت شمال شرقی (شمال شرقی چین) خم می‌شود و به همین علت است که خورشید، ماه و ستارگان تا به امروز در این جهت حرکت می‌کنند. در این رخداد قسمتی از زمین از بین می‌رود که دلیل ریزش رودهای چین به سمت اقیانوس شرق است. ●

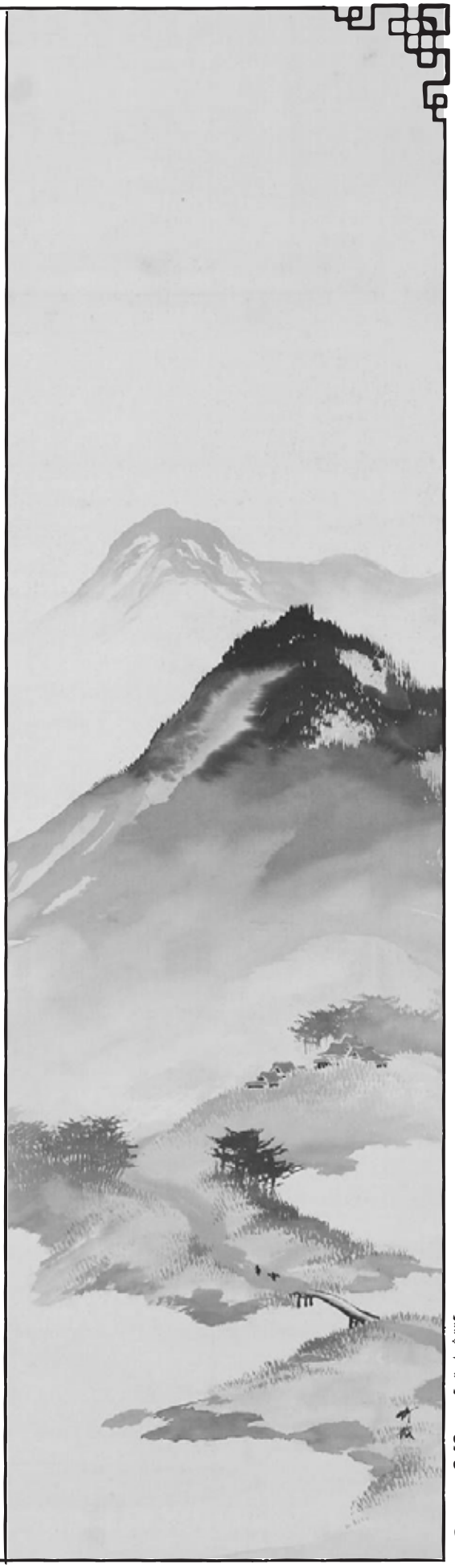

منابع:

- Birrell, Anne. Chinese Mythology: an introdoction. Baltimore and London: Johns Hopkins University Press, 1993, 97-98.
- Bodde, Derk. "Myths of Ancient China." In Mythology of the Ancient World. ed. Samuel Noah Kramer. Chicago: Quadrangle Books, 1961, 386-389.
- Christie, Anthony. Chinese Mythology. Rev. ed. New York: Peter Bedrick Books, 1985, 56-58, 69-91.
- Handbook of Chinese Mythology. Lihui Yang and Deming An, with Jessica Anderson Turner

۱. بوجو در لغت به معنای "ناقص" است

مترجم: طاهره شهریاری

داستان ضرب المثل

خود را بازیگر گروه هنری جا زدن

در زمـان هـای گذشـتـه، «چـی شـوان» پادشاه کشور «چی» به موسیقی، به ویژه موسیقی‌ای که با ساز بادی«یـو» نواخته می‌شد، علاقه‌مند بـود. او دوست داشت تعداد زیـادی نـوازنـده به صـورت گروهی و دسته جمعی برایش این ساز را بنوازند. به همین خاطرپادشاه چی شوان افرادی را به مناطق مختلف فرستاد تـا نـوازنـده هـایـی را کـه در نـواختـن ایـن سـاز مـاهر بودند، انتخاب کنند و یک گروه موسیقی سیصد نفره را تشکیل دهـنـد. هم چنین نـوازنـده‌هـایـی کـه انـتـخـاب مـی‌شـدنـد و بـه قـصر راه پـیـدا مـی‌کـردنـد، از پـاداش چشمگیری بهره‌مندمی‌شدند.

فردی به نام «نَن گوُو» هنگامی که علاقه پادشاه و توجه ویـژه او به نوازندگان ساز یـو را شـنـیـد بـا خـودش فـکـر کـرد کـه ایـن مـوضـوع فـرصـت بـسـیـارمـنـاسـبـی بـرای کسب ثـروت اسـت و بـه هـمـیـن خـاطـر با وجـود ایـن کـه هـیـچ دانـش و مـهـارتـی در نواختن ایـن سـاز نـداشـت، بـه سـرعـت نزد پادشاه رفت و ادعا کرد که در نواختن ساز یـو بسیار مـاهـر اسـت. پادشـاه چـی شـوان هنگامی کـه ایـن سخن را شنید با تصور ایـن که سخن او راست است به راحتی او راپذیرفت.

از آن پس آقـای نَـن گـوو بـه هـمـراه سیصد نفر دیگر باهم بـرای پـادشـاه چـی شـوان ساز یـو می‌نواختند. هربار زمـان نواختن، نَـن گـوو در مـیـان گـروه یـو نـوازان با تقلید از حـرکـات آنـان و بـا حـالـتـی مـجـذوب موسیقی وانـمـود می‌کرد که با تمام وجود درحـال نـواختـن اسـت؛ طـوری کـه حتی یـک نـفـر هـم مـتـوجـه نـواختـن دروغـیـن او نمی‌شد.

روزهـای خـوب زیـاد طـول نکشید و بعد از چـنـد سـال پـادشـاه چـی شـوان از دنیا رفـت و پسرش جانشین او شـد. پادشاه جـوان هـمـانـنـد پـدرش بـه شـنـیـدن نـوای ساز یو علاقه مند بـود؛ اما برخلاف پدرش طـرفـدار تـکـنـوازی بـود و نـواخـتـن گـروهـی را بـسـیـار پـرسـروصـدا مـی‌دانـسـت. به همین خاطر پادشاه جدید از نـوازنـدگـان خـواسـت کـه بـه صـورت انـفـرادی بـرایش ساز یـو بـنـوازنـد. پس از شنیدن ایـن خبر عـرق سـردی بـر صـورت نَـن گـوو نشست و بعد از تفکر بسیار بـه ایـن نتیجه رسید کـه ایـن بـار مانند گذشته نمی‌تواند خود را نـوازنـده‌ی ساز یـو جا بزند و مجبور شد شبانه وسایلش را جمع کند و شتابان از آنجافرار کند.

از آن زمـان به بعد ایـن ضرب المثل برای توصیف افـرادی بـه کـار مـی‌رود کـه بـدون داشـتـن تـوانـایـی، وانـمـود می‌کنند کـه از مـهـارت لازم بـرخـوردارنـد و یـا کـسـانـی کـه کالاهای نامرغوب را به عنوان کالاهای با کیفیت جا می‌زنند. ●

滥竽充数

(Lànyúchōngshù)

古时候，齐国的国君齐宣王爱好音乐，尤其喜欢听吹竽。他喜欢许多人一起合奏给他听，所以齐宣王派人到处搜罗能吹善奏的乐工，组成了一支三百人的吹竽乐队。而那些被挑选入宫的乐师，受到了特别优厚的。

有个南郭先生听说了齐宣王的这个爱好，心里痒痒的，他虽然对竽一无所知，但觉得这是个赚钱的好机会。于是南郭跑到齐宣王那里去，吹嘘自己的竽吹得有多好，齐宣王听后便信以为真了，很爽快地收下了他。这以后，南郭先生就随那三百人一块儿合奏给齐宣王听，每逢演奏的时候，南郭先生就捧着竽混在队伍中，人家摇晃身体他也摇晃身体，人家摆头他也摆头，脸上装出一副动情忘我的样子，居然没有被任何人看出破绽来。

但是好景不长，过了几年，齐宣王死了，他的儿子继承了王位。年轻的王子也爱听吹竽，可是他和齐宣王不一样，他认为独奏更加动听，一群人一块儿吹实在太吵。于是新国王要求乐师们一个一个地在他面前演奏。南郭先生得到这个消息之后吓出了一身冷汗。他想来想去，觉得这次再也混不过去了，只好连夜收拾行李逃走了。

从此以后，“滥竽充数”就用来形容那些没有本事的人冒充有本事；或以次货冒充好货。●

生词 واژگان جدید

(guó jūn) 国君 : سلطان،پادشاه
(yóuqí) 尤其 : به خصوص ، به ویژه،مخصوصا
(yōuhòu) 优厚 :مساعد،مطلوب،سرشار
(yī wú suǒ zhī) 一无所知 :ازمطلبی کم ترین اطلاع نداشتن،اصلاً خبردار نبودن، مطلقاً نادان بودن
(zhuàn) 赚 : سود بردن،فایده بردن
赚钱 : پول درآوردن
(chuī xū) 吹嘘 : خود یا دیگران را بیش از حد ستایش کردن، بالیدن
(pòzhàn) 破绽 : نقطه ی ضعف،عیب،نقص
(jì chéng) 继承 :به ارث بردن، وارث شدن
(màochōng) 冒充 : جلوه دادن،جا زدن ، وانمود کردن،خود را به حالتی زدن
(běnshi) 本事 : توانایی

آموزش چندی از اصطلاحات پرکاربرد چینی

نویسنده: طاهره شهریاری

接二连三 Jiē'èrliánsān: مسلسل وار، یکی پس از دیگری

例句：他接二连三地提问题。
Lìjù: Tā jiē'èrliánsān de tí wèntí.

مثال: او پی درپی سوال می پرسد.

习以为常 Xíyǐ wéicháng: به چیزی عادت کردن، به چیزی خوگرفتن

例句：我现在对这儿的寒冷气候已习以为常了。
Lìjù: Wǒ xiànzài duì zhè'er de hánlěng qìhòu yǐ xíyǐ wéichángle.

مثال: من درحال حاضر به آب وهوای سرد اینجا عادت کرده ام.

大手大脚 Dàshǒudàjiǎo: ولخرج، افراط کار

例句：他钱不多，但花起来时却大手大脚。
Lìjù: Tā qián bù duō, dàn huā qǐ lái shí què dàshǒudàjiǎo.

مثال: او پول زیادی ندارد اما بازهم ولخرجی می کند.

علم و فرهنگ

جشنواره‌های چین .....

جشنواره‌ی فانوس .....

هنر در چین .....

کاغذ، گامی مهم به سوی پیشرفت .....

سفر به غرب: ضربه‌ی شیطان .....

ساختار قومیتی در چین .....

ازدواج در چین .....

بررسی هفت مذهب رایج در تاریخ چین .....

شی‌آن، شهر سربازان سفالی .....

مساجد چین .....

جشنواره‌های چین

نگین اسدی

فرزانه قلی پور

چین یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا است.
فرهنگ و تمدن این کشور گنجینه‌ای با ارزش برای همه بشریت است.
فرهنگ، هنر، خوراک و پوشاک مردم چین همواره مورد تحسین سایر ملت‌ها قرار گرفته است و پس از گشوده شدن درهای این کشور به روی خارجیان به یکی از مقاصد اصلی گردشگران از سراسر دنیا تبدیل شده است.
در چین علاوه بر تعطیلات و مناسبت‌های عمومی، هر قوم یا منطقه نیز بر اساس دین و فرهنگ خود مراسم و تعطیلاتی خاص دارد ولی تعطیلات رسمی چین که برای تمام اقوام آن مشترک است عبارتند از:

جشنواره‌ی فانوس ۱

جشنواره‌ی قایق اژدها ۲

جشنواره‌ی میانه پاییز ۳

جشنواره‌ی بهاره ۴

از دیگر مناسبت‌ها می‌توان به جشن چینگ مینگ ۵ و روز ملی ۶ اشاره کرد.
در این شماره سعی در جمع آوری مطالب مفید و مهم درباره چهار جشن مهم چینی‌ها کرده ایم تا شما همراهان عزیز را هر چه بیشتر با خوراک چینی‌ها و رسومات آنها در رویدادهای شان آشنا کنیم.

تانگ‌یوئن

جشنواره‌ی فانوس

جشنواره‌ی فانوس روز پانزدهم ماه اول قمری است. که در تقویم گریگوری معمولاً فوریه یا مارس می باشد. مردم در این روز تانگ‌یوئن[۷] یا کوفته برنجی می‌خورند. تانگ یوئن کوفته‌های گرد کوچکی هستند که از آرد برنج آفتابگردان با گلبرگ گل رز، کنجد، خمیر لوبیا، رب جوجوبا، گوشت، گردو، میوه خشک شده، به همراه شکر و روغن خوراکی تشکیل می‌شوند. تانگ‌یوئن را که شیرین است می‌توان به صورت آب‌پز شده، سرخ شده و یا بخارپز میل کرد. تانگ‌یوئن در چینی تلفظی مشابه با توئن‌یوئن[۸] به معنای تجدید دیدار دارد. بنابراین مردم آن را برای اتحاد و هماهنگی و شادی خانواده می‌خورند.

جشنواره‌ی قایق اژدها

جشنواره‌ی قایق اژدها که در روز پنجم ماه پنجم قمری است، تاریخی بیش از ۲۰۰۰ سال دارد. این جشنواره در تقویم گریگوری معمولاً ژوئن می باشد. غذای مشهور این جشن زُنگ‌زی[۹] است. این غذای خوش‌طعم شامل کوفته‌برنجی با گوشت، بادام زمینی، زرده‌ی تخم مرغ یا سایر مواد پرکننده‌ی پیچیده شده در برگ‌های بامبو می‌باشد. این رسم به منظور یاد بود شاعر مشهور باستانی و دولتمرد چین به نام چویوئن[۱۰] است.

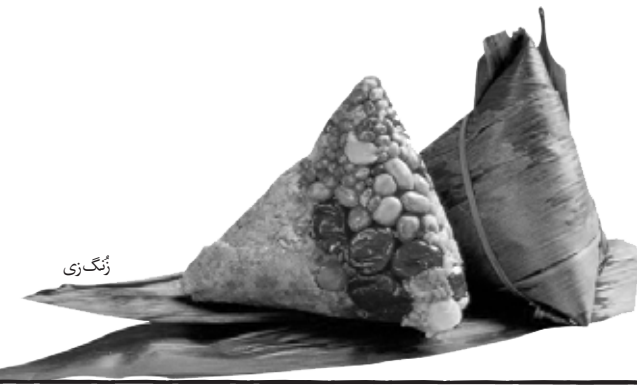
زُنگ‌زی

جشنواره‌ی میانه‌ی پاییز

جشنواره‌ی اواسط پاییز روز پانزدهم ماه هشتم قمری است که در تقویم گریگوری معمولاً اکتبر می باشد. مردم مناطق مختلف از رسوم‌های مختلفی پیروی می کنند اما همه‌ی آنها علاقه و اشتیاق خود را برای یک زندگی بهتر نشان می دهند. مردم در آن روز از نگاه کردن به ماه کامل، لذت می‌برند و کیک ماه[۱۱] می‌خورند.

کیک ماه

جشنواره‌ی بهاره

سال نو چینی در فاصله‌ی بین ۲۱ ژانویه تا ۲۱ فوریه است. در این بازه‌ی زمانی حلول ماه جدید (روز نخست ماه اول قمری) روز اول سال نو چینی است. چینی‌های بودایی در این روز از خوردن گوشت پرهیز می‌کنند. بودائیان بر این باورند که روشن کردن آتش و استفاده از کارد در روز اول سال نو خوش‌یمن نیست، بنابراین غذای این روزمعمولاً از قبل پخته می‌شود.

جیائوزه

در روز اول سال نو غذاهای متنوعی خورده می‌شود؛ یکی از مشهورترین آن‌ها که معمولاً در شمال چین خورده می‌شود و طرفداران زیادی هم دارد جیائوزه[۱۲] است که دستور پخت آن به شرح زیر می باشد:

مواد مورد نیاز برای خمیر:

.سه پیاله آرد

. حدودا دو و نیم پیاله آب تا حدودی که آرد و آب تبدیل به خمیر شوند مثل خمیرنان

.یک پیاله گوشت

.ده عدد میگو (متوسط)

.یک عدد متوسط کاهو چینی

.ده تا پانزده عدد پیازچه

. زنجبیل و نمک و سس سویا به میزان لازم

* می‌توان بجای کاهو چینی از اسفناج هم استفاده کرد.

تهیه خمیر: کم کم به آرد آب را اضافه می‌کنیم و هم می‌زنیم تا خمیر شود بعد خمیر را مقداری ورز می‌دهیم.

روش تهیه‌ی مواد داخل جیائوزی:

همه‌ی مواد را با هم قاطی می‌کنیم و می‌گذاریم مواد به خورد هم بروند. خمیر آرد را نازک کرده و به شکل دایره دایره درست میکنیم مقداری مواد داخل هر کدام می‌گذاریم و خمیر را می‌پیچیم. درحالیکه جیائوزه‌ها را می‌پیچیم، قابلمه را پر از آب می‌کنیم و دو الی سه قاشق غذاخوری نمک داخل آن می‌ریزیم و می‌گذاریم به جوش بیاید. هنگامی که آب به جوش آمد جیائوزه‌ها را به آرامی به داخل قابلمه می‌اندازیم و با قاشق از کف قابلمه هم می‌زنیم تا از چسبیدن و یا پاره شدن خمیرها جلوگیری کنیم و می‌گذاریم آب دوباره به جوش بیاید. وقتی آب به جوش آمد یک لیوان آب به قابلمه اضافه می‌کنیم و می‌گذاریم دوباره به جوش بیاید، این حرکت را سه مرتبه تکرار می‌کنیم تا مطمئن شویم گوشت و خمیر پخته شده است. هم زدن فراموش نشود تا خمیرها نچسبند.●

۱- Lantern Festival/元宵节
۲- Dragon boat festival/端午节
۳- Mid-Autumn Festival/中节
۴- Spring festival/春节
۵- Qingming festival/清明节
۶- National day/国庆节
۷- Tangyuan/汤圆
۸- Tuanyuan/团圆
۹- Zongzi/粽子
۱۰- Qu yuan/屈原
۱۱- Mooncake/月饼
۱۲- Jiaozi/饺

جشنواره‌ی فانوس

نویسنده: زهرا رضایی

元宵节

جشنواره فانوس چین بیش از دو هزارسال است که در روز پانزدهم نخستین ماه سال قمری جشن گرفته می‌شود. آماده سازی برای آن از روز دهم سال نو آغاز می‌شود. در این روز در بین چینی‌ها مرسوم است که ردیف‌هایی از شمع را در جلوی خانه‌هایشان روشن می‌کنند و هنگام شب، فانوس در دست، مسیر می‌پیمایند. این جشنواره پس از جشنواره فصل بهار، مهم‌ترین جشن به حساب می‌آید تمام خانواده‌ها در این روزیوئن شیائو می‌خورند، به همین دلیل این جشن را جشنواره یوئن شیائو[1] می‌نامند. این جشنواره به دلیل فعالیت‌های پربار و متنوعش، به عنوان مفرح‌ترین جشن در میان جشنواره‌های چینی و روز قدردانی برای قرص کامل و درخشان ماه، روز تجدید دیدار و همبستگی خانواده‌ها معروف است.

فانوس آسمانی (Sky Lantern)، فانوس کُنگ مینگ (Kongming Lantern) و فانوس چینی (Chinese Lantern): این فانوس‌ها در واقع یک "بالون هوای داغ" کوچک از جنس کاغذ با انتهایی باز هستند. آتشی کوچک نیز شرایط پرواز این فانوس‌ها را فراهم می آورد.

تاریخچه

این جشنواره از سال ۱۹۹۰ از طرف دفتر گردشگری یکپارچه منابع دولتی غیر نظامی و محلی برای جشن گرفتن جشن فانوس‌ها و البته اتمام سال چینی‌ها برگزار شد. هدف از برگزاری این جشنواره احیای سنت‌ها و جشن‌های باستانی است.

فانوس اصلی

فانوس اصلی اصولا چیزی مربوط به برج فلکی از طالع چینی است و چیزی در حدود ده متر ارتفاع دارد. از سال ۱۹۹۹ به بعد هر کدام از فانوس‌های اصلی زمینه و موسیقی مخصوص به خود را دارند و در رابطه با آن نمایش اجرامی‌شود.

فانوس کوچک

فانوس‌های کوچکی که معمولا برای کودکان ساخته می‌شوند و بر روی معبدها نصب می‌گردند. طرح های آنها چیزهایی مثل تصاویر تاریخی، پرنده یا تصاویری مربوط به زمینه‌ی همان سال است. در گذشته، فانوس‌ها ساده بودند و تنها امپراطوران و اشراف، فانوس‌های آراسته و بزرگ داشتند؛ در سال‌های اخیر، فانوس‌ها با طرح‌های جدید و متنوع تزئین می‌شوند؛ به طور مثال فانوس‌هایی به شکل جانوران مرسوم است. ریشه این جشن به امپراطوری هان و بیش از دو هزار سال پیش بازمی‌گردد.

مراسم و فعالیت‌ها

تماشای فانوس‌ها، حدس جواب معماهای فانوس‌ها، رقص‌های فولکلور (رقص شیر و راه رفتن با چوب های بلند)، خوردن یوئن شیائو که به بخش مهم و اصلی این جشنواره تبدیل شده است، از مراسم و فعالیت‌های این جشن به شمار می‌روند. در این جشنواره، تعداد زیادی دلقک، افرادی که با چوب‌های بلند راه می‌روند، بندباز، سکوهای سیار برای اجرای نمایش و برنامه‌های راهپیمایی، موسیقی و طبل‌کوبی وجود دارد. رقص‌های معروف چینی از جمله رقص شیر و اژدها و همچنین ترقه و آتش بازی نیز بسیار به چشم می‌خورند. در این روز کودکان فانوس‌های خود را در اطراف روستا می‌گردانند و خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند و به امید شانس و اقبال خوب و همبستگی خانواده، تانگ یوئن[۲] می‌خورند.

خاستگاه فستیوال فانوس چین کجاست؟

در اوایل حکومت سلسله‌ی امپراطوری خَن شرقی، امپراطور مین پیرو بودا بود. وی پس از اینکه متوجه شد تعدادی از راهبان، روز پانزدهم نخستین ماه سال قمری در معابد به نشانه ادای احترام به بودا فانوس روشن می‌کنند؛ دستور داد تمام معابد و خانه‌ها در آن شب فانوس روشن کنند. این مراسم به تدریج در میان مردم به یک جشنواره تبدیل شد.

اسطوره‌ها و افسانه‌ها

هر چند داستان های مربوط به ریشه های جشنواره فانوس متفاوت است، اما همگی عمیقاً در تاریخ و پیشینه‌ی این جشن ریشه دارند. به نظر برخی افراد، سالروز میلاد تانگ یوئن، خدای بخت و اقبال خوب در آیین دائو، با این جشنواره متقارن است و بنابراین این جشن‌ها به امید شانس و اقبال خوب برگزار می‌شوند. این جشن‌ها به مرور زمان، شکل جشنواره فانوس امروزی را به خود گرفت. داستان دیگری درباره خاستگاه این جشنواره به امپراطور جِید، یکی از نمایندگان نخستین خدا در فرهنگ، مذاهب سنتی و اسطوره شناسی چین، باز می‌گردد. این افسانه تعریف می‌کند که چگونه پرنده‌ی مورد علاقه‌ی امپراطور جید زمانی که به سمت زمین پرواز می‌کرد، صید و کشته شد. امپراطور که از این موضوع خشمگین شده بود به نشانه‌ی تلافی، طوفان آتشی راه انداخت. در حالی که از پیش، دختر امپراطور نسبت به آن به مردم هشدار داده بود، مردی خردمند از یکی از روستاها پیشنهاد داد تا مردم فانوس‌های قرمزی را در بیرون از خانه‌ها آویزان کنند و به مدت سه روز آتش به پا کنند، تا امپراطور جِید را فریب دهند؛ بدین ترتیب او فکر می‌کرد روستا در آتش شعله وراست. ●

۱- 元宵, yuán xiāo
این غذا که به تانگ یوئن هم معروف است، کوفته درشت برنجی است که از آرد برنج چسبناک درست می شود و داخل آن با مواد مختلف پر می‌گردد.

۲- 汤圆,tāng yuán

هنر در چین

نویسنده: نگین اسماعیلی نیا

هنر چینی هنری تجسمی است که چه در شکل کهن و چه در شکل نوین آن، سرچشمه در چین دارد و به دست هنرمندان این سرزمین آفریده شده است. هنر چینی در تایوان و چینیان مقیم خارج نیز می‌تواند، بخشی از هنر این کشور تلقی شود که بن‌مایه‌های تاریخ و فرهنگ چینی را در خود دارد.

هنرهای سنتی

در دوران قدیم هنر عمده‌ی چین کارهای سرامیک بوده و وسایلی از سنگ و استخوان نیز می‌ساختند. بعد از آن به کار برنز پرداخته و همزمان روی چوب و پشم نیز کار می‌کردند. در قرن نهم قبل از میلاد طرح حیوانات وارد کارهای دستی شده و صنایع دستی تحت نفوذ آن قرار گرفت. در فاصله‌ی قرن‌های پنجم تا سوم قبل از میلاد در کنار کارهای سنگی، کار بر روی

سفال مربوط به عصر نئولیتیک

طلا، نقره، برنز و لاک هم توسعه قابل توجهی یافت. در زمان سلسله خن از قرن سوم قبل از میلاد تا سوم بعد از میلاد سبک واقع‌گرایی وارد کارها شد. در دوران این سلسله مرزهای چین از سمت غرب توسعه یافت و به دنبال هنر چین تحت هنر این خطه قرار گرفت و هنر کنده‌کاری و نقاشی روی آجر به منظور استفاده در معابر، توسعه و بهبود یافت و بخشی از هنرهای دستی چین شد.

در این دوران نقش‌های اژدها، ببر، پرندگان و مار وارد کارهای هنری شد و اژدها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشت. چرا که باور بر این بود اژدها قدرتی نامحدود در کنترل نیروهای طبیعی از جمله باران دارد. به همین علت نشان دهنده‌ی قدرت امپراطور در روی زمین گردید و اژدها نشانه‌ی رسمی امپراطور و پسرانش شد. در این زمان هنر خطاطی نیز توسعه یافت.

هنرهای تجسمی

اولین آثار هنری پیدا شده در چین آثار ساده سفالین متعلق به دوران نئولیتیک هستند و پس از این دوران، همزمان با آغاز دوران امپراطوری در چین، سبک‌های مختلف هنری در این کشور دیده می‌شود. ساخت آثاری از جنس یشم در پایان دوران نئولیتیک در دلتای رود زرد در این سرزمین آغاز گردید و اشیای برنزی، از سلسله‌های شیا و شانگ به بعد، حدود دو هزار سال قبل از میلاد، به این آثار اضافه شدند. ارتش سفالین که در سال ۱۹۷۴ از مقبره‌ی اولین امپراطور سلسله کین از زیر خاک بیرون آمد، شاهدی بر اوج دوران مجسمه سازی در چین در قرن سوم پیش از میلاد است. این مجسمه‌ها همگی با کوچکترین جزئیات صورت و لباس در اندازه‌های واقعی سربازان ارتش ساخته شده‌اند تا پس از مرگ امپراطور وی را در سفر به جهان دیگر همراهی کنند. رنگ مجسمه‌ها نیز نشانه تفاوت مقام و یا پوشش آنها بود که پس از بیرون آمدن از مقبره، در اثر نور و جریان هوا به تدریج از بین رفت و اکنون این مجسمه‌ها بدون رنگ دیده می‌شوند. در آغاز دوران امپراطوری خن در چین ظروف سرامیکی ظریفی با استفاده از خاک کائولن ساخته شدند که بعدها در غرب به ظروف چینی معروف شدند. این ظروف قرن‌ها پیش از ساخت کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در غرب، در کارگاه‌ها و کوره‌های بزرگ ساخته می‌شدند تا برای استفاده به دربار برده شوند. آثار خطاطی و نقاشی قبل از اختراع کاغذ بر روی پارچه‌های ابریشمی و چوب بامبو می‌شدند و در میان افراد دربار، اشراف و افراد دارای درجات عالی طرفداران زیادی داشتند.

هنرهای دستی

صنایع دستی چین در میان سایر کشورها طرفداران بسیاری دارد. این صنایع که در ابتدا برای ساخت وسایل مورد نیاز مردم عادی رواج یافتند به تدریج با فرهنگ و هنر این کشور آمیخته شده و ظرافت بیشتری یافتند. اکنون صنایع دستی در چین از منابع مهم ارزی این کشور است و هم زمان با افزایش تعداد گردشگران خارجی، میزان فروش و صادرات این گونه صنایع رشد زیادی را در این کشور داشته است.

گل دوزی و نقاشی، ابریشم بافی و گل دوزی با ابریشم، حصیر بافی، مینا کاری و معرق کاری، کارهای دستی کاغذی، قالی بافی، ساخت فانوس، بادبادک و اسباب بازی، هنرهای تزیینی دریایی، شیشه گری و نقاشی روی شیشه، ساخت اشیایی از یشم از معروف‌ترین صنایع و هنرهای دستی این کشور است. ●

ظرف از جنس یشم - سلسله ی چینگ

*** برگرفته از کتاب چین نوشته زهرا طاهری امین و کتاب چین محمود رضا برازش**

کاغذ، گامی مهم به سوی پیشرفت

فاطمه علیزاده

کاغذ، بدون شک یکی از مهمترین اختراعات بشری است. ما امروزه از کاغذ در همه جا استفاده می‌کنیم، نه تنها در نوشتار و صنعت چاپ، بلکه برای تزئین دیوارهایمان، برای تمیزکاری، بسته بندی و حتی در ظروف یکبارمصرفی که روزانه استفاده می‌کنیم. داستان ساخت این وسیله‌ی پرکاربرد، خالی از لطف نیست. اما قبل از اینکه به داستان ساخت کاغذ بپردازیم باید پرسید که: **به راستی، کاغذ چیست؟**

در واقع کاغذ برگه‌های رسوبی است که حاصل ته‌نهشت لایه‌ای فیبر تجزیه شده، از محلول رقیقی، بر روی یک قالب است. طی این فرایند آب اضافی بخار شده و لایه نشسته جدا، خشک و مصرف می‌گردد. تکنولوژی ساخت کاغذ در دنیای مدرن شاید پیچیده‌تر و تخصصی‌تر شده باشد اما هنوز هم از همان شیوه‌های زمان باستان پیروی می‌کند.

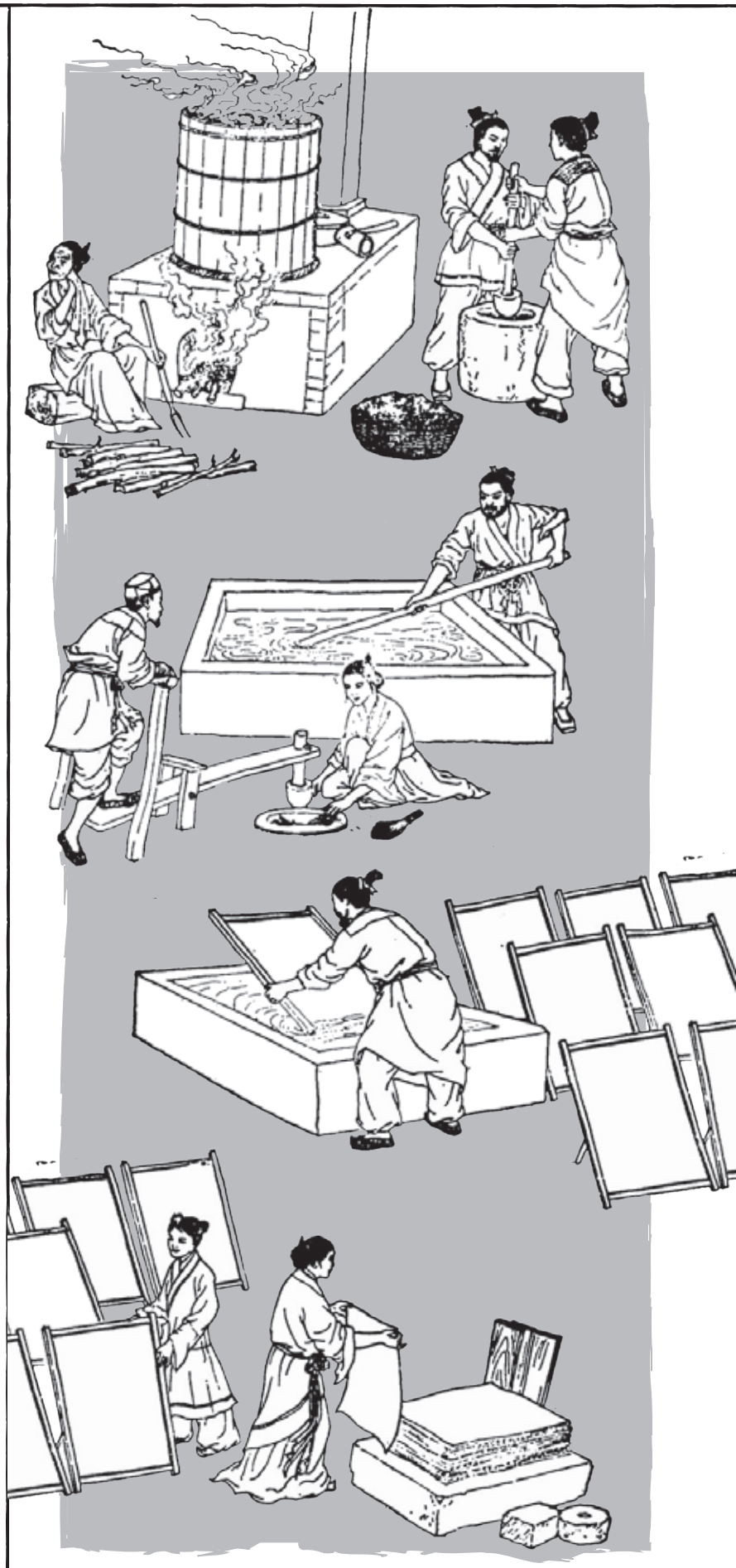

کلمه‌ی کاغذ (به انگلیسی: paper)، بر گرفته از واژه‌ی پاپیروس (به انگلیسی: papyrus) است، اما بر خلاف آنچه تصور می‌شود با آن تفاوت بسیاری دارد. پاپیروس، ساخته شده از الیاف داخلی گیاه پاپیروس، در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در مصر وجود داشت. به جز این حقیقت که کاغذ و پاپیروس هر دو برای نوشتار کاربرد دارند، از ویژگی مشترک دیگری برخوردار نیستند.

در ابتدای تاریخ، پیش از وجود کاغذ، آثار استخوانی، لاک لاکپشت، سفال و بعدها پوست حیوانات برای نوشتارمورد استفاده قرار گرفته است. مشخص است که هیچ کدام از این‌ها، وسیله‌ای مناسبی برای نوشتار محسوب نمی‌شد. حتی کاغذ پوستی که مناسب‌ترین آن‌ها بود بسیار گران و کمیاب بود به طوری که یک انجیل از جنس کاغذ پوستی نیاز به پوست کندن ۲۵۰ گوسفند، داشت ولی با توجه به اینکه عده‌ی کمی قادر به خواندن و نوشتن بودند مسئله‌ی مهمی تلقی نمی‌شد. استفاده از کاغذگیاهی بسیار دیر در اروپا رواج یافت. حتی نخستین کاغذهای ساخت اروپا نه از الیاف گیاهی بلکه از کتان کهنه و تجزیه شده، ساخته شده بود.

در صنعت کاغذسازی مدرن، برای تولید کاغذ از خمیرکاغذ استفاده می‌شود ولی در زمان باستان شیوه‌ای متفاوت به کار برده می‌شد و خبری از خمیر کاغذ نبود. گرچه کاغذ می‌تواند از هرگونه فیبری بدست آید ولی الیاف درختی تنها در کاغذسازی مدرن کاربرد دارد. شایان ذکر است که با وجود اینکه کاغذ بسیار پیشتر اختراع گردیده بود، اما مدت قابل توجهی طول کشید تا میان مردم رایج شود!

اولین نشانه‌های اختراع کاغذ به قرن دوم پیش از میلاد و کشور چین، باز می‌گردد. نخستین تکه‌های کشف شده‌ی کاغذ قدمتی به تاریخ ۱۴۰ و ۸۷ پیش از میلاد مسیح دارند. این تکه‌های به ابعاد ده سانتی متر مربع، نخستین بار، در سال ۱۹۵۷ میلادی توسط باستان شناسان در آرامگاهی نزدیک شی‌اَن[1] در استان شَن‌شی[2]، یافت گردید. ولی این تکه‌ها ضخیم و زمخت و نامتوازن بودند و جنسی از الیاف تجزیه و کوبیده شده داشتند و به نظر نمی‌رسید که مناسب و دلخواه نگارش باشند. از روی نشانه‌های خشک شدن روی این کاغذها مشهود است که الیاف نه در قالب بلکه بر روی حصیر خشک شده اند یعنی آب تدریجاً از بافت زیرین خارج شده، لایه‌ی باقی جدا و بعد به طور کامل خشک می‌شد. با این همه این نوع کاغذ نیز نمی‌توانست مناسب نوشتن باشد. حتی آثار بسیاری هستند که نشان می‌دهند کاغذهای ضخیم بدوی در چین به عنوان لباس، و گاه برای گرم کردن بسترخواب در زمستان به کار می‌رفتند. آمده است که حتی یکی از مریدان کنفسیوس به نام یوئن شیپِن عادت داشت کلاهی از جنس کاغذ الیاف توت بر سر نهد!

اما اعتبار آنچه ما به عنوان کاغذ می‌شناسیم، به فردی به نام سَی لون[3] (۴۸-۱۲۱ م) می‌رسد. سَی لون ملقب به جینگ جونگ خواجه‌ای بود که در سال ۷۵ میلادی، در زمان سلسله‌ی خَن شرقی به خدمت دربار امپراطوری در آمد. وی سال‌های زیادی در دربار مشغول بود و نه فقط یک خواجه بلکه یک سیاست مدار هم محسوب می‌شد و بارها در طول خدمت خود ترفیع گرفت. وی در سال ۸۹ میلادی در زمان حکومت امپراطور خه از سلسله‌ی خن[4]، به سمت سرخواجه ارتقا یافت. در حدود سال ۱۰۵ میلادی، به فرمان امپراطور، سی لون موظف شد تا کاغذ بدوی را به وسیله‌ای مناسب نوشتار بدل کند. او برای این کار به ایده‌ی خیساندن الیاف رسید و راهکارهای بسیاری چون استفاده از الیاف گیاهان مختلف، پارچه‌های مندرس، کهنه کتان و تورهای ماهی‌گیری را آزمود. کاغذ بدست آمده، بسیار مناسب و مقرون به صرفه‌تر از پارچه‌های ابریشم خالصی که در آن زمان متداول بود، محسوب می‌گردید. سی لون، کشف بزرگ خود را به امپراطور گزارش داد و بعدها شاگردش کیفیت آن را بهبود بخشید. پس از آن، به تدریج کاغذ، ابتدا در شهرهای چین و بعد در سایر نقاط جهان گسترش یافت. چینی‌ها نه تنها مخترع کاغذ بلکه مبتکر کاغذ دیواری هم هستند، اینگونه به نظر می‌رسد که کاغذ دیواری در نتیجه آویزان کردن تکه‌های عظیم چاپ شده کاغذ بود که برای چسباندن با چسب بر دیوار بسیار مناسب می‌نمود. کاغذ دیواری برای نخستین بار در قرن ۱۵ میلادی توسط فرستادگان فرانسوی از چین به اروپا برده شد.

این اختراع، شاید بسیار ساده به نظر رسد اما تاثیر شگرف آن بر پیشرفت دانش بشری قابل چشم‌پوشی نیست. به درستی که اختراع کاغذ، سهم به سزایی در ثبت و انتقال دانش داشت و دروازه‌ی جدیدی رو به اختراعات مهم و حیاتی دیگر از جمله صنعت چاپ گشود. ●

منابع:

برگرفته از کتاب «نوابغ چین» نوشته‌ی رابرت تمپل، بخش چهارم صفحات ۹۲ الی ۹۵

کتاب «صدتا از تاثیرگذارترین مخترعین تمام زمان» تنظیم شده توسط رابرت کرلی، صفحه‌ی ۲۲

سایت m.digitaljournal.com

سایت www.biographyonline.net

۱- xi-an/西安

۲- shanxi/陕西

۳- cai lun/蔡伦

۴- eastern han/东汉朝

سفر به غرب: ضربه‌ی شیطان

نویسنده: طاهره اقبال

در دنیایی که تلفن‌های همراه، کامپیوتر و اینترنت جزئی از زندگی روزمره افراد شده و اخبار و مستندها آن را فرا گرفته‌اند؛ کمتر کسی است که فیلم ندیده باشد. امروزه تماشای فیلم به عنوان تفریح و کسب هیجان جزء مشترک زندگی مردم است. تنوع سلیقه، نیاز و علاقه‌ی مردم جوامع مختلف به تماشای فیلم، باعث گشته کارگردانان و هنرمندان تمام تلاش خود را برای عرضه‌ی انواع فیلم به کار برند. فیلم در زمانی محدود، حجم وسیعی از اطلاعات را منتقل کرده و ذهن تماشاگر را با خود همراه می‌کند. اگرچه سالانه تعداد بسیار زیادی فیلم تولید و تماشاگران را در سفرهای خود همراه می‌کنند، ولی تعداد فیلم‌های ارزشمند و دارای استانداردهای جهانی بسیار کم است. فیلم سفر به غرب: ضربه‌ی شیطان، بدون شک یکی از فیلم‌های ارزشمندی است که مانندی برایش وجود ندارد. این نسخه فیلم از کتاب زیبا و کهن سفر به غرب نوشته‌ی وو چنگ اِن در قرن شانزدهم میلادی، الهام گرفته است. کتاب سفر به غرب یکی از چهار کتاب معروف چین باستان است، که از صد فصل و چهار بخش نابرابر قالب گرفته است. این کتاب به توصیف موجودات مختلف آسمانی، زمینی و شیاطین می‌پردازد. شخصیت‌های اصلی کتاب راهب تانگ سنگ و سه شاگرد وی به نام‌های سون ووکونگ -میمون سنگی- ، جو باجیه و شا ووجینگ -راهب شاسنگ- هستند. فصل اول تا هفتم کتاب شرحی بر زندگی میمون شاه است. او قادر به تشخیص دروغ از حقیقت بوده و می‌تواند به موجودات مختلف تبدیل گردد. وی

شیاطین را به روش های مختلف شکست می‌دهد. او علیرغم میلش با راهب بودایی هم‌سفر می‌گردد و کمک خود را در نجات راهب بودایی دریغ نمی‌کند. از فصل هشتم تا دوازده‌ام اندیشه‌ی کتاب بر بیوگرافی راهب بودایی تانگ است. قسمت سوم کتاب دربرگیرنده‌ی فصل‌های سیزده تا نود و نه‌ام می‌باشد. این فصل طولانی به شرح داستان سفرها و ماجراجویی‌های راهب برای بازگرداندن طومارهای بودایی از معبد لین در هندوستان می‌پردازد. در فصل صدم که بخش پایانی کتاب است شاهد بازگشت راهب و سه همراهش از این سفر و همچنین دریافت پاداش در برابر خدمتشان توسط پادشاهی تانگ هستیم.

فیلم ها، سریال‌ها و داستان‌های بسیاری با اقتباس از این داستان ساخته شده اند. فیلم سفر به غرب: ضربه شیطان، یکی از فیلم‌های بازسازی و ساخته شده به دست تسوی هارک کارگردان باتجربه و خوشنام چینی است. کارگردانی که در کارنامه‌ی خود فیلم‌های ارزشمند دیگری چون: روزی روزگاری در چین و کوهستان ببر را داشته و جوایز بسیاری را دریافت کرده است. این فیلم تماشاگران را نزدیک به دو ساعت در سفری خوش همراه کرده و اطلاعات بسیار مفیدی پیرامون افسانه‌ی سفر به غرب به آنها می‌دهد. فیلم پرفروش سفر به غرب که توسط استفان چو نوشته شده است، بدون شک فیلمی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

کارگردان: Tsui Hark

بازیگران: Kris Wu
Lin Gengxin
Yao Chen
Lin Yun

در این فیلم شخصیت راهب تانگ با هنرمندی کریس وو و شخصیت پادشاه میمون با بازی لین گنگ شین به تصویر کشیده شده است. یانگ یی وِی نقش جوباجیه، و مِنگ که بَتیِر شخصیت شا ووجینگ را بر روی صحنه برده‌اند.

سفر شخصیت‌های داستان و رویارویی آنها با جادوگر سفید استخوان سفریست پر هیاهو و پرماجرا! این ساحره به دنبال تناول گوشت راهب و رسیدن به جاودانگی است. محافظان راهب اگرچه در ظاهر با وی هم عقیده می‌نمایند و در پی شکست شیاطین هستند، ولی شکاف فکری عمیقی بین آنها به چشم می‌خورد و تنها با از خودگذشتگی و صبر برطرف می‌شود. در این داستان که زیر چتر کمدی رقم می‌خورد، قهرمانان داستان، در عبور از کشورهای مختلفی چون هند، گاهی شیاطین را به عنوان دوست و مورد اعتماد قلمداد می‌کنند.. داستان سفر به غرب اگرچه بارها و بارها به صورت‌های مختلف به تصویر کشیده شده است؛ ولی هیچ وقت جذابیت خود را از دست نداده و هربار طرفداران جدیدی از تمامی نسل‌ها را به خود جذب کرده است. تولید این فیلم از سال ۲۰۱۵ آغاز گشته و در سال ۲۰۱۷ پایان یافت و در سال نو چینی بر روی پرده‌ی سینما رفت. هزینه ساخت این فیلم ۶۳٫۹ میلیون دلار بود و فروشی برابر با ۲۴۸٫۸ میلیون دلار داشت. این فیلم یکی از موفق‌ترین فیلم‌های سینمای چین به شمار می‌رود. ●

ساختار قومیتی در چین

نویسنده: سپیده نظری

چین کشوری با تمدن باستانی، پیشینه‌ای کهن و آداب و سنن فرهنگی متنوع است. این کشور ۹٫۶ میلیون کیلومتر مربع وسعت داشته و جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و سیصد میلیون نفر متشکل از ۵۶ قوم و نژاد متنوع و رنگارنگ دارد. کشور چین از هفت هزار سال پیشینه‌ی تاریخی برخوردار است که پنج هزار سال آن مدون و مستند موجود می‌باشد. نژادهای مختلف این کشور با تغییر و تحولات وآداب و عادت‌های گذشته خود، به توسعه‌ی تبادل فرهنگی چین کمک کرده و زمینه را برای فراگیری نقاط قوت یکدیگر و پیشرفت تمدن همه‌ی اقوام ساکن در این سرزمین فراهم‌ساخته‌اند.

دولت چین برای تعیین هویت قومی و به رسمیت شناختن اقلیت‌های نژادی موجود در این کشور، از سیاستی که تلفیقی از سه سیاست زیر است استفاده کرد: ۱- ویژگی‌های چهارگانه‌ی قومی تعیین شده ازسوی استالین جهت رسمیت بخشیدن به اقوام یعنی: زبان، نحوه‌ی زندگی، سرزمین و روحیات مشترکی که در ویژگی‌های مشترک خاص فرهنگ ملی آنان ظهور می‌یابد. ۲- تجربیات امپراطوران این کشور در برخورد با اقلیت‌های قومی. ۳- رقابت حزب کمونیست با حزب ملی کومین‌تانگ در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ برای جذب حمایت اقلیت‌های قومی. در سال ۱۹۵۰ به هنگام تصمیم‌گیری دولت چین در تعیین اقوام مختلف این کشور، بیش از ۴۰۰ نژاد مختلف درخواست به رسمیت شناخته شدن قوم خود را داشتند. دولت پس از تحقیقات بسیار در مناطق مختلف این کشور، در نخستین سرشماری عمومی خود پس از روی کار آمدن جمهوری خلق چین در سال ۱۹۵۳، ۴۱ اقلیت

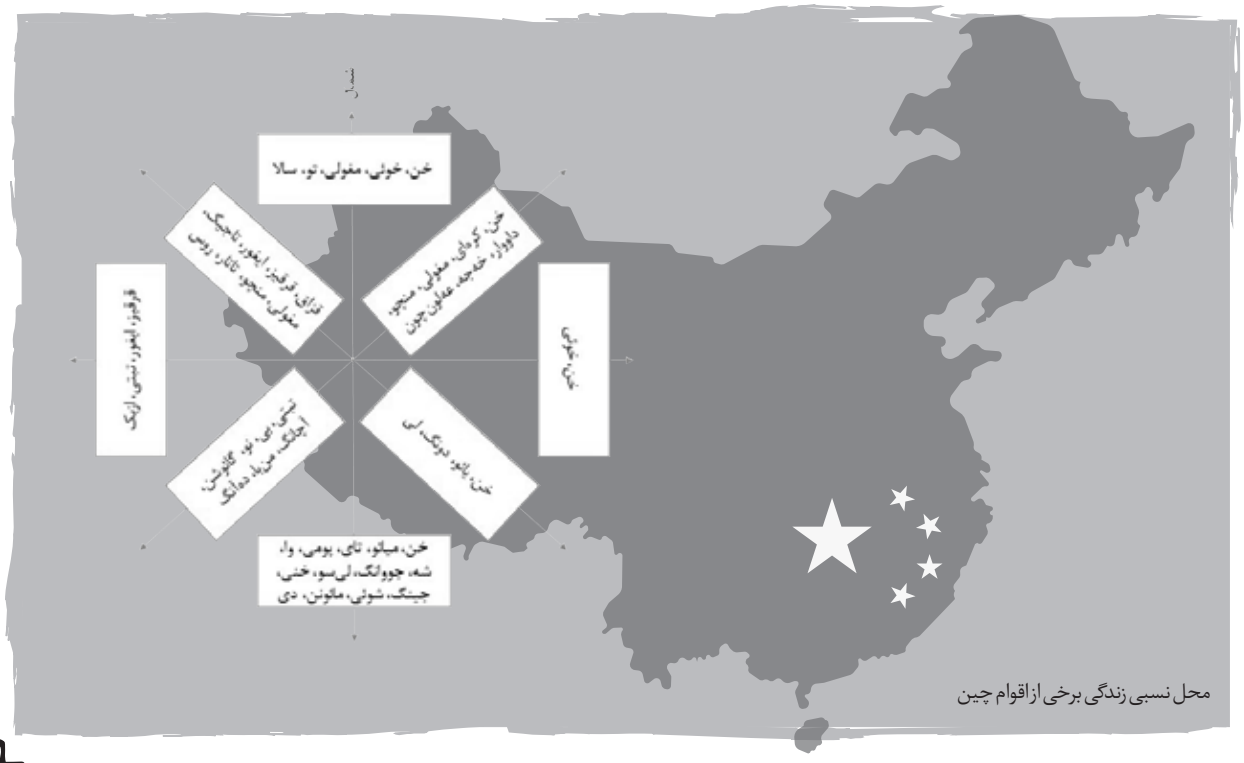

محل نسبی زندگی برخی از اقوام چین

قومی را به رسمیت شناخت. در سرشماری عمومی سال ۱۹۶۴ تعداد اقلیت‌های قومی به ۵۳ مورد رسیده و در سرشماری سال ۱۹۸۲ این تعداد به ۵۶ مورد افزایش یافت.

از پنجاه و شش نژاد به رسمیت شناخته شده‌ی موجود در کشور چین، جمعیت نژاد خن تقریبا ۹۲ درصد کل جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده است. جمعیت ۵۵ نژاد دیگر، تنها کمی بیش از ۸ درصد از جمعیت کل را تشکیل داده و بدین دلیل آنها را اقلیت‌های ملی می‌خوانند. این گروه‌های قومی عمدتا درشمال و جنوب غربی و شمال شرقی چین پراکنده هستند. از میان اقلیت‌های قومی، به جز اقوام منچو و خویی که از نظر زبانی با قوم خن زبان مشترکی دارند، ۵۳ اقلیت ملی دیگر زبان خاص خود را دارند. از ۵۵ اقلیت ملی،۱۰ اقلیت: خویی، تاجیک، قرقیز، قزاق، تاتار، اویغور، ازبک، دونگ شیانگ و بائوآن مسلمان هستند.

هرچند شمار جمعیت اقلیت‌های قومی چین نسبت به جمعیت نژاد خن اندک است، اما پراکندگی جغرافیایی محل سکونت آنان بسیار گسترده است. اقلیت‌ها، تقریبا در تمامی استان‌ها، مناطق مرزی و خود مختار، چهار شهر تحت نظر دولت مرکزی چین: پکن، شانگهای، تین‌جین و چونگ‌چینگ پراکنده هستند. البته این اقوام عمدتا در استان‌ها و مناطق مرزی و خودمختار همچون: مغولستان داخلی، سین‌کیانگ، نینگ‌شیا، گوانگ‌شی، تبت، یون‌نن، گویی‌جو، چینگ‌خی، سی‌چوان، گنسو، لیائونینگ، جی‌لین، خونن، خوبی، جزایر خی‌نن و تایوان سکونت دارند. در واقع اغلب اقلیت‌های قومی این کشور عمدتا در ۱۲ استان غربی به ویژه در پنج استان خودمختار و در مرزهای جغرافیایی این کشور با همسایگان غربی مستقر هستند. مناطق محل سکونت این اقلیت‌ها از نظر مساحت بسیار وسیع و از لحاظ منابع معدنی و ذخایر زیرزمینی بسیارغنی و متنوع است. تا پایان سال ۱۹۹۷، ۶۴٫۲ درصد کل مساحت کشور، ۷۵ درصد دشت‌ها و علفزارها، ۴۳٫۹ درصد جنگل‌ها، ۵۵٫۹ درصد ذخایر چوبی و ۶۵٫۹ درصد انرژی تولیدی کشور چین برای مناطق خودگردان اقلیت‌ها درج شده است. ●

منابع:

Persian.cri.cn

مقاله ی آشنایی با فرهنگ واقوام چین دوره‌ی تخصصی تربیت راهنمایان تور ایران گردی (ویژه ی توریست چینی)، استادعلی‌محمدسابقی

اسامی اقلیت های قومی			
شویی(shuǐ)	لی سو(lìsù)	عه‌ونکه(èwēnkè)	آچانگ(āchāng)
تاجیک(tǎjíkè)	لوابا(luòbā)	گائوشن(gāoshān)	بَی(bái)
تاتار(tǎtǎěr)	منچو(mǎn)	گه‌لاو(gělǎo)	بائوآن(bǎoān)
توجیا(tǔjiā)	ماونن(máonán)	خنی(hānǐ)	بولانگ(bùlǎng)
تو(tǔ)	من‌با(ménbā)	قزاق(hāsàkè)	بوئی(bùyǐ)
وا(wǎ)	مغولی(měnggǔ)	خن (hàn)	کره‌ای(cháoxiǎn)
ایغوری(wéiwúěr)	میائو(miáo)	خه‌جه(hèzhé)	داووار(dáwòěr)
ازبک(wūzībiékè)	مولائو(mùlǎo)	خویی(huǐ)	ذی(dǎi)
شی بو(xībó)	ناشی(nàxī)	جی‌نوا(jīnuò)	ده‌آنگ(déáng)
یائو(yáo)	نو(nù)	جینگ(jīng)	دونگ شیانگ(dōngxiāng)
ئی(yí)	پومی(pǔmǐ)	جین‌پو(jīngpō)	دونگ(dòng)
یوگو(yùgù)	چیانگ(qiāng)	قرقیز(kēěrkèzī)	دولونگ(dúlóng)
تبتی(zàng)	سالا(sālā)	لاخو(lāhù)	روس(éluósī)
جووانگ(zhuàng)	شه(shē)	لی(lǐ)	عه‌لون‌چون(èlúnchūn)

ازدواج در چین

نویسنده: غزاله جعفرزادگان

از خواستگاری تا ازدواج، از گذشته تا کنون

از زیباترین رویدادهای مهم زندگی هر فرد، روز ازدواج اوست که با حضور بستگان و آشنایان بر زیبایی آن افزوده می‌شود. در فرهنگ‌های مختلف، این روز خجسته را به شیوه‌های متفاوت و به سنت‌های گوناگون جشن می‌گیرند. آشنایی با این رسوم عاری از شگفتی نیست. این جشن فرخنده در کشور چین، با جمعیت بسیار و اقوام مختلف آن، به رنگ سنت‌ها ملون گشته، گاه با خرافه می‌آمیزد و گاه سختی روزگار دست تحول بر سرش می‌کشد. در میان قوم بولانگ، همراهان داماد عروس را و در مقابل همراهان عروس داماد را می‌ربایند. در قوم کوچک میائو، نوعروسان در روز عروسی موی عاریه نیاکان را بر سر می‌نهند و در استان شاندونگ، بستر ازدواج را به نشانه‌ی فرزندآوری، با عناب، بلوط و بادام می‌آرایند. در ادامه به مراحل وآداب مراسم ازدواج و نیز تغییرات آن در گذر زمان می‌پردازیم.

آداب و رسوم ازدواج

در چین پیروی از اصول خاصی شامل آداب شش‌گانه بسیار مورد توجه بوده است. در زمان‌های قدیم ازدواج نه براساس علاقه دو جوان بلکه با انتخاب و خواست والدین شکل می‌گرفت. هنگامی که والدین پسر، همسر مناسبی برای فرزند خود می‌یافتند؛ درجلسه‌ی اول یک واسطه‌ی ازدواج را برای خواستگاری

به همراه خود می‌بردند. رسم بر آن بود که در اولین دیدار، به دلیل آنکه هنوز موافقت طرفین اعلام نشده بود، خواستگاران با چای پذیرایی نمی‌شدند.
چنانچه خواستگاری به جواب مثبت می‌انجامید، هدایا وخوراکی‌هایی جهت نشان دادن امتنان دو طرف به واسط ازدواج تقدیم می‌گردید. سپس خانواده‌ی داماد نزد طالع‌بین رفته و او با استفاده از نام کامل و روز تولد دختر طالع ازدواج دختر و پسر را پیشگویی می‌کرد. با اعلام خوش یمن بودن وصلت، واسطه‌ی ازدواج هدایایی را به والدین دختر تقدیم می‌نمود که به معنای قبول و ادامه‌ی مراحل ازدواج بود. تقدیم هدایای عروسی، فرخنده‌ترین مرحله‌ی آداب یک ازدواج سنتی در چین است. هدایای متعددی برای ابراز احترام به خانواده‌ی عروس تقدیم می‌گردید که نشان‌دهنده‌ی توانایی داماد در فراهم آوردن یک زندگی راحت و مرفه برای عروس نیز به شمار می‌رفت. در ادامه، خانواده‌ی داماد از یک طالع‌بین دعوت می‌نمودند تا براساس علم نجوم تاریخ خجسته‌ای را برای برگزاری مراسم عروسی تعیین کند.
پیش از انجام عروسی، خانواده‌ی دختر، جهیزیه‌ی عروس را به منزل خانواده‌ی داماد ارسال می‌کردند. جهیزیه نمایانگر توانایی مالی خانواده‌ی عروس بوده و اقلام خاصی را نیز شامل می‌شد. به عنوان مثال یک قیچی پروانه‌ای شکل که نشانه‌ی جدایی‌ناپذیر بودن عروس وداماد است و نیز گلدان‌هایی به معنای صلح و ثروت در میان جهیزیه دیده می‌شد. خانواده‌ی داماد نیز با استفاده از میوه‌های قرمزرنگ و نیز لوبیای سبز و قرمز و انواع شکلات و شیرینی‌جات، شمع‌هایی با نقش ققنوس و اژدهای چینی، محل جدید اقامت عروس و داماد را تزئین می‌نمودند و هیچ کس اجازه نداشت تا روز عروسی و پیش از عروس و داماد به اقامتگاه آنان وارد شود. در روز جشن عروسی داماد در منزل عروس با او ملاقات می‌کرد. پیش از ورود داماد به منزل عروس، یکی از زنان محترم و میان‌سال فامیل موی عروس را با نوار های رنگی می‌آراست. عروس لباس قرمز بر تن می‌کرد و با روبند سرخی به نشانه‌ی حیا، چهره‌ی خود را می‌پوشاند. داماد وظیفه داشت پس از مراسم ازدواج، نقاب از چهره‌ی عروس بردارد. رنگ سرخ لباس عروس به این علت است که چینیان عقیده دارند این رنگی شادی می‌پراکند. در ادامه، عروس با مشایعت برادر بزرگتر خود به درون کالسکه همراهی شده و با ورود کالسکه‌ی عروس به محل عروسی، همراه موسیقی سنتی وآتش‌بازی از آنان استقبال می‌شد. عروس و داماد بر روی فرش قرمز به محل تعبیه شده برای آنان قدم می‌گذاشتند و سه

مرتبه برای احترام به آسمان، والدین و خداوندگار آشپزخانه تعظیم می‌کردند. سپس با فنجان‌های چای به همراه دانه‌های لوتوس و یا عناب، از والدین داماد پذیرایی می‌شد و با تعظیم و ادای احترام زوجین به یکدیگر، پیوند زناشویی بسته می‌شد. درآخر پس از جای‌گیری عروس و داماد در محل مخصوص، از مهمانان پذیرایی می‌کردند.

تحولات در گذر زمان

آداب و رسوم ازدواج سنتی بعد از تصویب قانون مجلس جمهوری خلق چین در ماه می سال ۱۹۵۰ به تدریج تغییر یافت. به عنوان مثال، وسایل حمل عروس در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. در گذشته چینیان از کالسکه یا کجاوه استفاده می‌کردند و در بعضی مناطق نیز از قایق، اسب و خر استفاده می‌شد. به دنبال تغییر جامعه، مراسم عروسی ملت خن نیز تغییر کرده است. برای نمونه، درسال ۱۹۴۹ میلادی، پس از تأسیس جمهوری خلق چین، جوانان عادات و رسوم مراسم قدیمی را کنار گذاشتند. درآن زمان سطح زندگی مردم بالا نبود. بدین سبب، مراسم عروسی ساده برگزار می‌گشت. معمولا داماد و عروس فقط سند ازدواج را می‌گرفتند و دیگر مراسمی برگزار نمی‌کردند.

دهه ۱۹۶۰ دوران سختی برای ازدواج محسوب می‌شد. زوج های جوان باید تخت، چند کمد، میز و صندلی چوبی میساختند. این مورد در جمله‌ی ((شمارش هفتاد و دو یا سی و شش پایه‌ی مبلمان)) کاملا مشهود است. در ده‌ی هفتاد قرن گذشته، مراسم عروسی چینیان، با سال‌های دهه‌ی پنجاه متفاوت بود. درآن سال‌ها وضع معیشتی مردم بهتر شده و مراسم عروسی تنوع یافت. داماد با دوچرخه و یا تراکتور عروس را به خانه میآورد. برخی حتی از خودرو ساخت چین استفاده می‌کردند.

هدایای مهمانان به عروس و داماد حوله، تشک و روبالشی بود. البته، شیرینی و شراب نیز بسیار مصرف می‌شد. در مراسم عروسی، داماد و عروس شیرینی به مهمانان می‌دادند و به سلامتی مهمانان می‌نوشیدند. در شانگهای نیز در دهه‌ی هفتاد، عروس با جهیزیه کلاسیک به خانه‌ی بخت می‌رفت که شامل ساعت، دوچرخه، یک چرخ خیاطی و یک رادیو بود. در سال‌های هشتاد، سه قطعه قدیمی جهیزیه، جای خود را به اثاث جدید زندگی یعنی ماشین لباسشویی، تلویزیون و لوازم برقی دیگر سپرد. گرفتن عکس عروسی رواج یافت و هر سال مراسم ازدواج رنگ و بوی به‌روزتری به خود گرفت. امروزه، اکثر مراسم عروسی درهتل برگزار می‌شود و داماد معمولا با استفاده از خودروی وارداتی چون "بنز"، که با گل و پارچه‌های ابریشمی قرمز تزئین شده است، عروس را به خانه‌ی خود می‌آورد. در سال‌های اخیر، بعضی از جوانان چینی، مراسم عروسی را با شکوه برگزار نکرده و فقط با شیرینی از خانواده و دوستان پذیرایی می‌کنند. آنان طی مراسم ساده خود عکس یادگاری گرفته و پس از شروع زندگی جدید خود به داخل و یا خارج از کشور سفر می‌کنند. ●

منابع:

سایت chineseculture
سایت chinadaily
سایت chinadailyasia
سایت abcchina

بررسی هفت مذهب رایج در تاریخ چین

نویسنده: نگین اسماعیلی نیا

* فرد سمت راست پیرو آیین تائو و فرد سمت چپ راهب بودایی است.

بسیاری معتقدند که در گذشته در چین سه مذهب مشخص وجود داشت که شامل آیین‌های کنفسیوس‌گرایی، دائوئیسم و بودایی می‌شد اما چنین عقیده‌ای اشتباه بود. کشور چین با وسعت و گستردگی فراوان، ملل مختلفی را در خود جای داده است که از آیین‌ها و ادیان گوناگونی پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر اکثریت مردم معتقد به دین واحدی، که در کشور رسمیت داشته باشد، نیستند. از سال ۱۹۷۸ میلادی، آزادی بیشتری برای انجام اعتقادات مذهبی به مردم داده شد و از سال ۱۹۹۰ به بعد نیز تسهیلات بیشتری در رابطه با آزادی اجرای مراسم‌های مذهبی در نظر گرفته شد و مذاهب مختلف اجازه یافتند مراسم مذهبی خود را اجرا نمایند.

به طور کلی ادیان در چین را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- نیا پرستی

باستانی ترین نظام اعتقادی در چین، ارجمند داشتن نیاکان است. بر اساس این ایده فرزندان موظف به ارج نهادن به پدران و اجداد خویش بعد از مرگشان هستند. زیرا از دیدگاه چینی‌ها مردگان نیز به اندازه زندگان نیازمندی‌هایی دارند. اسلاف مرده از معنویت ویژه‌ای برخوردار هستند و معمولاً در اول و نیمه هر ماه و سایر اعیاد، مراسم خاصی در ارتباط با مردگان اجرا می‌شود.

۲- آیین بودایی

آیین بودایی که در چین «فوجیائو[1]» نامیده می‌شود، در اوایل سلسله‌ی خَن شرقی در سال ۶۷ به چین آورده شد و در عصر سلسله‌های سویی و تانگ رشد قابل توجهی یافت. در اواخر قرن چهارم راهبی به نام فَشیان[2] از سلسله چین شرقی از طریق شهر شی‌اَن به غرب رفت تا دستورالعمل‌های بودا را با خود به همراه بیاورد. وی در طول چهارده سال به سی کشور از جمله هند و سریلانکا رفت و به همراه خود مقدار زیادی از ادبیات بودایی به زبان سانسکریت را به چین آورد. عده‌ای علت گسترش آیین بودایی را در چین به نا آرامی‌های قرن دوم تا اواخر قرن ششم میلادی نسبت می‌دهند که بسیاری از مردم به این دین پناه بردند. چرا که در صومعه‌های بودایی کسی نگران مشکلات نبود و تنها به تفکر، انجام شعائر دینی و تشریفات مذهبی و خواندن کتاب مقدس می‌پرداختند. انجمن بوداییان چین در سال ۱۹۵۳ در پکن تاسیس شد. وظیفه‌ی آن ایجاد اتحاد بین بوداییان و تماس با آنها در سراسر کشور، جمع آوری و تحقیق درباره‌ی مفاهیم، ادبیات بودایی و توسعه روابط دوستانه بین بوداییان در جمهوری خلق چین و دیگر کشورها می‌باشد.

۳- مذهب دائو[3]

دائوئیسم در ابتدا یک نظام فلسفی منبعث از تعلیمات لائوزه[4] و جوانگ‌زه[5] بود که به ترتیب در قرون شش و چهار قبل از میلاد زندگی می‌کردند. دائوئیسم بر هماهنگی بشر و طبیعت تکیه دارد و به مرور زمان و پس از گذشت قرنها این نظام تبدیل به یک مذهب شد. این مذهب در میان افراد نژاد خن پیروانی دارد و مذهب بومی برای چین محسوب می‌شود. این مذهب معتقد است که از طریق روش‌های مخصوص، انسان می‌تواند به فناناپذیری برسد و از مشکلات جهان برای همیشه نجات پیدا کند.

۴- کنفسیوس‌گرایی[6]

کنفسیوس[7] فیلسوفی سیاسی بود و اصلاح جهان را منوط به بازگشت به فضیلت عصر طلایی یعنی عصر یائو و شون می‌دانست که از فرمانروایان خردمند دوران باستان به شمار می‌آمدند. پیروان وی معتقد بودند که گذشته باید سرمشق باشد و حال و آینده بر آن استوار گردد. تعلیمات وی چنان در عمق زندگی چینی‌ها رسوخ کرد که هر گونه سیاست اجتماعی و سیاست حکومتی را در تمام دوران‌ها تحت تاثیر عمیق خود قرار داد و به مدت بیست قرن پایه و اساس تمدن چین را تشکیل داد. کنفسیوس در تعلیماتش بر شرافت انسان در روابط اخلاقی تکیه داشت و بر این باور بود که برای ایجاد رفاه در جامعه باید به تربیت و تذهیب نفس انسانی از طریق آموزش و پرورش فرد پرداخت.

۵- اسلام

اسلام در سال ۶۵۱ میلادی، هنگامی که نماینده‌ی عثمان، خلیفه‌ی سوم مسلمانان، به دربار امپراطور تانگ وارد شد به چین معرفی گردید. از آن زمان به بعد هزاران ایرانی و عرب از راه دریا و خشکی وارد چین شدند. اغلب کسانی که از راه دریا به چین رسیدند بازرگانان بودند و از طریق آنها دستورات و احکام اسلام وارد چین شد. تعدادی از آن‌ها نیز در شهرهای ساحلی ساکن شدند. افرادی نیز از طریق خشکی به چین آمدند که سرباز، دیپلمات، محقق، هنرمند، تاجر

۱- Fojiao/佛教
۲- Faxian/法显
۳- Dao jiao/道教
۴- Laozi/老子
۵- Zhuangzi/庄子
۶- Confucianism/ 儒家
۷- kongzi/孔子

و رهبر مذهبی بودند. اکثریت این افراد در زمان جنگ و صلح به طور دائم در چین ساکن شدند و با زنان چینی ازدواج کردند، مالک زمین شدند و به استخدام مسئولان درآمدند و یا به عنوان رهبران مذهبی در مساجدی که ساختند خدمت کردند.

۶- دین زردشتی

این مذهب در دوره‌ی امپراطوری تانگ وارد چین شد و از طریق آسیای مرکزی در اوایل قرن ششم وارد چین شد و در دهه‌ی سوم این قرن مورد حمایت امپراطور وقت قرار گرفت و در حدود سال ۵۵۰ تحت کنترل دولت درآمد و چندین نفر از حکام سلسله‌های چی شمالی و چو شمالی به این مذهب گرویدند. ممنوعیت فعالیت مذهبی در سال ۸۴۵ تقریبا به این مذهب خاتمه داد.

۷- دین مانوی

دین دیگری که وارد چین شده است دین مانی بود این مذهب که از مسیحیت و زردشتی اقتباس شده بود به وسیله مانی ایرانی بنیاد نهاده شد و پس از مرگش در شرق و غرب اشاعه یافت. در غرب تا فرانسه نفوذ کرد و در شرق تا چین پیش رفت. در سال ۷۶۳، آیغور خان ادعا کرد که دین مانی باید مذهب رسمی باشد. با حمایت وی دامنه‌ی این مذهب از پایتخت فراتر رفته تا شهرهای دره یانگ تسه و دیگر شهرها گسترش یافت. در سال ۸۴۰ اویغورها به دست قرقیزها از میان رفتند. قرقیزها هفتاد راهبه‌ی مانوی را در چانگ آن به قتل رساندند، پرستشگاه‌های آنان را ویران نمودند و دولت زمین‌هایشان را مصادره کرد و روحانیون را مجبور به ترک لباس مشخص و پوشیدن لباس‌های چینی عادی، کردند. سرانجام آیین مانوی به کلی از خاور دور رخت بربست. ●

*برگرفته از کتاب چین نوشته زهرا طاهری امین

شی‌آن، شهر سربازان سفالی

فـــائـــزه فـــلاح

شی‌اَن[1] یکی از شهرهای کشور جمهوری خلق چین است که از قدمت تاریخی و فرهنگی بالایی برخوردار است. شی‌ان همچنین یکی از چهار پایتخت چین باستان می‌باشد که تاریخی بیش از ۳۰۰۰ سال دارد و در ۱۳ سلسله امپراطوری، پایتخت این کشور محسوب می‌شد.

این شهر مرکز استان شَن‌شی[2] است که در شمال مرکزی چین واقع شده و حدود دو ساعت از راه هوایی با پکن فاصله دارد. جمعیت این شهر با حومه، بیش از هشت میلیون و دویست و پنجاه‌هزار نفر است. شی‌ان اغلب به عنوان زادگاه تمدن چینی نامیده می‌شود که پایان شرقی از جاده ابریشم بوده و نقش مهمی در تاریخ چینی داشته است. این شهر دارای مکان‌های تاریخی متعدد و آثار فرهنگی است، از جمله ۷۲ امپراطوری و بیش از ۷۰۰ اثر تاریخی باستانی که شش تا از آنها در لیست میراث جهانی ثبت شده‌اند. همانطور که میراث فرهنگی این شهر بسیار مشهور است، انواع تنقلات محلی یکی دیگر از ویژگی‌های شی‌ان است. گفته شده که بیش از ۱۰۰۰ نوع تنقلات و خوراک در شی‌ان وجود دارد. بهترین زمان برای بازدید از شی‌ان در بهار و پاییز است.

از مشهورترین آثار دیدنی شهر شی‌ان می‌توان موارد زیر را نام برد:

- برج ناقوس
- لشکر سفالین
- بتکده غاز وحشی بزرگ
- بتکده غاز وحشی کوچک
- موزه استحکامات شی‌ان
- برج درام
- مسجد جامع شی‌ان
- موزه‌ی یادبود
- معبد فامن
- موزه‌ی تاریخ شناسی
- کوه مونت لی
- قصر ویانگ
- معبد شینگ جیائو
- معبد وولُنگ
- معبد شی مینگ

در این مقاله نمونه‌هایی از این جاذبه‌های گردشگری باشکوه را برای شما گردآوری کرده‌ایم:

برج ناقوس۳

برج ناقوس یکی از نمادهای شهر شی‌ان است. هدف از ساخت این برج اطلاع‌رسانی اتفاقات مهم، مانند خبر حمله به شهر بود. در میان تمام ساختمان‌های ناقوسی در چین، برج ناقوس شی‌ان نه‌تنها بلندترین است، بلکه بهتر از باقی بناها از آن نگهداری شده است. گفته می‌شود از بالای برج ناقوس می‌توان منظره ای پانورما از چهارخیابان اصلی شهر را مشاهده کرد. این برج که یادگار سلسله مینگ است در میدان اصلی شهر قرار دارد. از بالای این برج می‌توانید نمایی زیبا از محله‌ی مسلمانان شهر مشاهده نمایید.

لشکرسفالین۴

لشکر سفالین شامل اثاث قبر و مجسمه‌ی سفالی هزاران سرباز مجهز مربوط به پادشاهی «چین شی‌هوانگ[۵]»، اولین پادشاه امپراطوری چین متحد، می‌باشد. او در سال ۲۲۱ پیش از میلاد، برای اولین بار در تاریخ، چین را متحد ساخت و سلسله‌ی چین را تأسیس کرد. مجسمه‌های ارتش سفالین در حوالی شهر شی‌ان پایتخت نخستین امپراتوری چین پراکنده هستند. جنگجویان سفالین چین را به عنوان هشتمین عجایب جهان نیز می‌نامند. هدف از ساخت این ارتش توسط چین شی‌هوانگ، محافظت از خود در زمان بعد از مرگش بود. چین شی‌هوانگ در سال ۲۴۶ قبل از میلاد مسیح دستور ساخت این مجسمه‌ها را صادر کرد. نکته‌ی جالب این مجسمه‌ها این است که هیچ کدام از آن‌ها شبیه هم نیستند. مجسمه‌های لشکر سفالین، با اندام و اندازه‌ی واقعی، به‌عنوان «پاسداران معبد سلطنتی در چین باستان» مستقر شده‌بودند. مجسمه‌ی سربازان بیش از دوهزار سال پیش به‌همراه امپراتور به خاک سپرده شدند تا برپایه‌ی باوری قدیمی، در جهان پس از مرگ، نگهبان معبد سلطنتی امپراتور باشند و او را از گزند دشمنانش حفظ کنند. در سال

۱- xian/西安
۲- shanxi/陕西
۳- Bell Tower of Xi'an/西安钟楼
۴- Terracotta Army/秦始皇兵马俑
۵- Qin shi huang/秦始皇

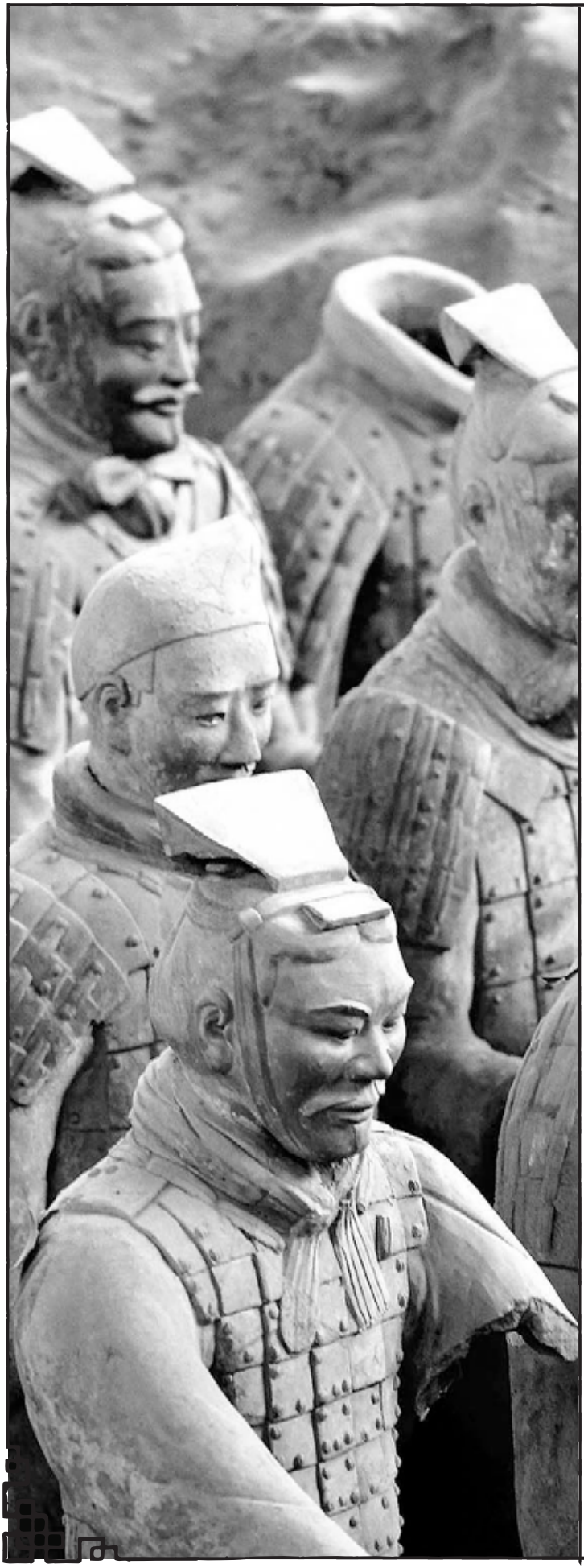

۱۹۷۴ میلادی، کشاورزان چینی در شهر شی‌ان، به‌صورت کاملاً اتفاقی، مقبره‌ی چین شی‌هوانگ و پاسداران معبد سلطنتی را کشف کردند. براساس برآوردها، مجسمه‌های لشکر سفالین شامل بیش از ۷۰۰۰ سرباز، ۱۳۰ کالسکه‌ی نظامی و ۵۲۰ اسب می‌شود. در رشته‌ای از حفاری‌های دقیق و پیوسته از سال ۱۹۷۴ تاکنون، بیش از ۲۰۰۰ پیکره از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند.

بتکده‌ی غاز وحشی بزرگ

بتکده‌ی غاز بزرگ وحشی یکی از بتکده‌های پیروان مذهب بودایی است که در جنوب شهر شی‌ان واقع شده است. ساختمان این بتکده، یکی از شاهکارهای معماری کشور چین است که سالانه پذیرای هزاران گردشگر داخلی و خارجی می‌باشد. در اصل، این بتکده دارای پنج طبقه بوده است اما بعدها در پی بازسازی و در دوران سلسله تانگ، دو طبقه‌ی دیگر به آن اضافه شده است و از همان زمان تا به امروز یکی از پربازدیدترین و مشهورترین نقاط توریستی شهر محسوب می‌شود.

مسجد جامع شی‌ان

مسجد جامع شی‌ان مرکز جامعه‌ی مسلمان در شهر شی‌ان است. این بخش در شمال غرب خیابان واقع در مرکز شهر واقع شده است و این بلوک‌ها بلوک‌های چندگانه را شامل می‌شود که بیش از بیست‌هزار مسلمان در آن ساکن هستند. حدود ده مسجد در منطقه‌ی مسلمان‌نشین وجود دارد. مسجد جامع شی‌ان یکی از قدیمی‌ترین، بزرگترین و زیباترین مساجد اسلامی در چین است و بر طبق گزارش‌های تاریخی در سال ۷۴۲ در سلسله‌ی تانگ ساخته شده است. ●

منابع:

https://www.chinahighlights.com/xian/
https://www.travelchinaguide.com/attraction/shaanxi/xian/bell.htm

مساجد چین

تلفیقی از هنر و معماری اسلامی چینی

نویسنده: فاطمه علیزاده

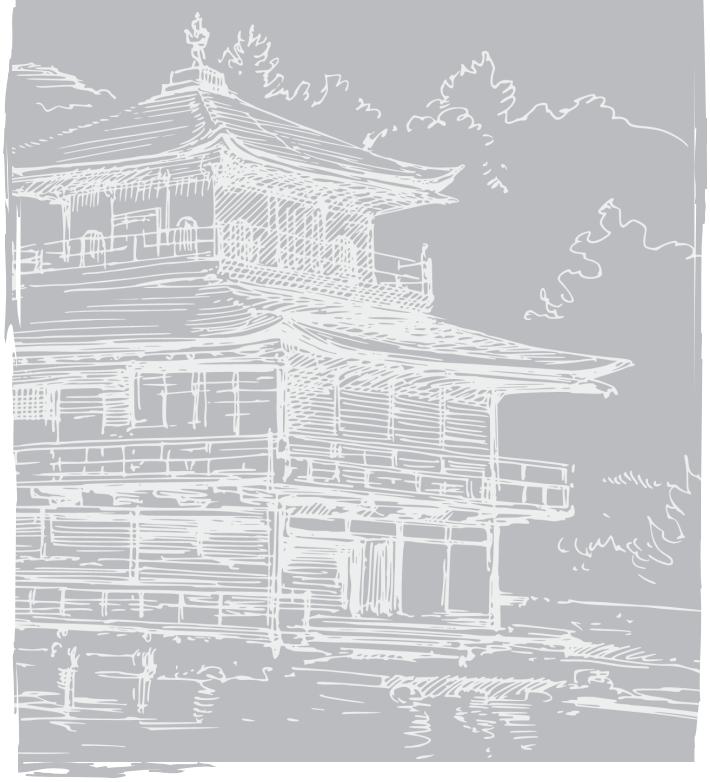

مسجد، عبادتگاه مسلمانان، همواره به عنوان مکانی برای مطالعه، تحصیلات دینی و فعالیت‌های مذهبی شناخته می‌شود. امروزه، با توجه به جمعیت رو به رشد مسلمانان در کشور چین، مساجد به اشکال مختلف در اقصی نقاط این سرزمین به چشم می‌خورند.

گفته می‌شود که اسلام برای نخستین بار در زمان سلسله‌های تانگ و سونگ (۶۱۸ الی ۱۲۷۹ میلادی)، از طریق راه ابریشم به چین آورده شد و بازرگانان عرب و پارسی اولین مساجد چین را پایه نهادند.

مساجد ابتدا توسط چینیان تالارخویی، به معنای محل نیایش، خوانده می‌شدند. بعدها، مساجد دیگر نیز ساخته شد، که در ادامه به نحوه ی ساختار این مساجد می‌پردازیم.

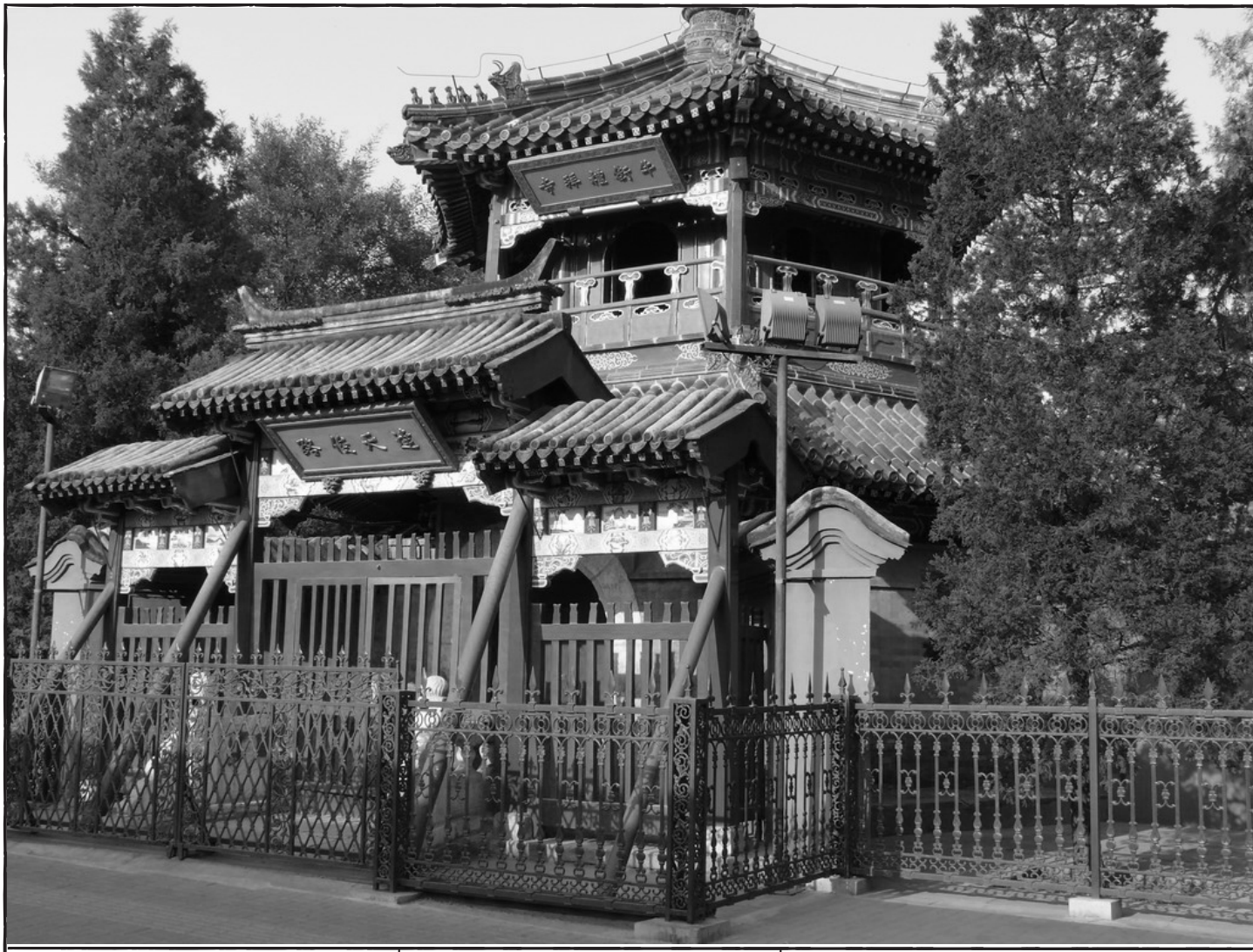

از این رو که اسلام دین یکتاپرستی است، پرستش بت‌ها در اسلام نهی شده است؛ بنابراین هیچ گونه پیکره و تصویری از انسان یا حیوان درون ساختمان مساجد یافت نمی‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که مساجد در چین دو دسته‌اند. دسته‌ی اول مساجد، طرح کاملی از معماری چینی، معماری سی‌خه‌یوئن[1] دروازه‌های ورودی آشنا و سقف‌های شیروانی، تلقی می‌شوند و جان مایه ای از فرهنگ غنی چین دارند. عناصر معماری چینی نخستین بار در دوره‌های مینگ و چینگ (۱۶۴۴ الی ۱۹۱۱) به ساختمان مساجد راه یافتند.

دسته‌ی دیگر مساجد، شبیه مساجد دوره‌ی تیموری، بر اساس هنر اسلامی ساخته شده اند که گنبدی بر تالار اصلی و چهار مناره دارند. علاوه بر عنصر زمان، مکان نیز در شکل و ساختار مساجد تاثیر داشت.

مساجد سبک اسلامی بیشتر در استان‌های غربی به چشم می‌خورند اما هرچه به استان‌های مرکزی و شرقی چین پیش روی می‌کنیم، مساجد سبک و ذوق دسته ی اول را به خود می‌گیرند و مناره به تدریج از ساختمان اصلی حذف می‌گردد.

درون مساجد خط و ویژگی‌های چینی یافت نمی‌گردد بلکه دیوارها با خطوطی از آیات کتاب الهی، قرآن مجید، و به زبان عربی و قبله گاه نیز با کاشی‌های خوش نقش سبک اسلیمی، تزئین یافته است. در مساجد کهن‌تر می‌توان کتیبه‌هایی به زبان شیرین فارسی یافت که در آن، زمان احداث مسجد، بانی آن و دیگر جزئیات حائز اهمیت، ذکر شده است. مساجد نه تنها محلی برای پرستش و انجام امور مذهبی و برگزاری اعیاد بلکه به عنوان بخشی از نظام آموزشی و فرهنگی براساس آموخته‌های دین اسلام، حتی در کوچکترین روستاها، تلقی می‌شدند. نکته‌ی جالب توجه اینکه مهارت در خواندن و نوشتن زبان فارسی شرط لازم برای عهده‌دار شدن مقام آهونگ (آخوند) در چین بود.

هم اکنون، وجود بیش از ۳۹۰۰۰ مسجد، در این کشور تخمین زده می‌شود. از آنجایی که شرح تمامی این مکان‌ها در این مقاله نمی‌گنجد، تنها به معرفی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

مسجد جامع شی اَن

مسجد بزرگ شی اَن[2] در شهر شی اَن، مرکز استان شَن شی[3]، قرار دارد. این مسجد بزرگترین و یکی از مهم‌ترین عبادتگاه‌های مسلمانان در کشور چین، محسوب می‌شود که در سال ۱۹۸۵ میلادی وارد فهرست میراث اسلامی یونسکو گردید.

آغاز ساخت این مسجد، به سال ۷۴۲ میلادی، در زمان حکمرانی سلسله ی تانگ، باز می‌گردد. در دوره‌های بعدی، دوره‌های سونگ، یوئن، مینگ و چینگ، جزئیات بیشتری به ساختمان افزوده گردید.

علت ساخت این مسجد در آن زمان، به پاس معرفی دین اسلام، برای نخستین بار در کشور چین، توسط تجار عرب و مسافران سرزمین پارس و افغانستان بود و پیمان زناشویی که آنان با مردمان نژاد خَن[4]، بستند.

به دلیل اینکه این مسجد، در طی دوره‌های متمادی تکمیل گشته، نه فقط به عنوان یک پرستشگاه بلکه به عنوان تلفیقی از هنر و نبوغ معماری چندین نسل و هر دو فرهنگ اسلامی و چینی حائز اهمیت است.

مسجد نیوجیه

مسجد نیوجیه[5] یکی از قدیمی‌ترین مساجد چین است و از شهرت جهانی برخوردار است. این مسجد در دل شهر پکن، در خیابان نیوجیه، قرار دارد. ساختمان این مسجد، در سال ۹۹۶ میلادی در زمان سلسله ی لیائو (۹۰۷- ۱۱۲۵ م) شروع به ساخت کرد. پس از آن این مکان سه مرتبه مورد بازسازی قرارگرفت و در دوره‌های فرمانروایی یوئن، مینگ و چینگ، توسعه یافت و به تدریج یکپارچه و متقارن گردید.

معماری بیرونی این مسجد بیشتر حال و هوایی چینی دارد، گرچه ساختار درونی برگرفته از هنر اسلامی و چینی است. این مسجد بزرگترین مسجد شهر پکن مساحتی در حدود شش هزار متر مربع را در برگرفته است. که شامل عبادتگاه، مناره، سالن خطابه، یک محوطه ستون دار، یک محوطه سرپوشیده و یک وضوخانه است. گرچه ساختار اصلی ساختمان، از ساختار چوبی-سنتی خانه‌های قدیمی چین، پیروی می‌کند، اما تزئینات آن اسلامی است. مهم‌ترین بخش ساختمان، تالار اصلی است که به غیر از مسلمانان، بازدید از آن برای عموم ممنوع است. شبستان بزرگ مسجد در زیر سقف سه تکه و بر ۱۸ ستون مزین، قرار گرفته است. مدخل قوسی پرستشگاه با آیات کتاب الهی، برخی به خط زیبای کوفی عربی نوشته شده اند. از دیگر تزئینات این مسجد می‌توان نقاشی‌های زیبای گل‌ها و شیشه‌های رنگی را نام برد. علاوه بر قدمت ساختمان به دلیل وجود آثار تاریخی از جمله چینی آلات دوره ی مینگ و وجود قبور مشایخ، این مسجد را از لحاظ تاریخی متمایز کرده است. یکی از ویژگی‌های جالب این مسجد، غرفه ای است که در صحن حیاط دایر است که در آن وسایلی چون تسبیح، عرق چین، صنایع دستی، کتب مذهبی و نیز ظروف زیبای چینی با نمای مسجد نیوجیه، عرضه می‌گردد.

از دیگر مساجد مهم چین می‌توان مسجد کاشغر در استان کاشغر، مسجد چینگ جین در شهر گوانگ جو استان فوجین، مسجد سیمرغ درشهر هانگجو استان جه جیانگ، مسجد شیائوتائویوئن واقع در شهر شانگهای و... را نام برد. این مساجد و بسیاری مساجد دیگر هر روزه میزبان صدها مسلمان و گردشگر هستند و با معماری خیره کننده و تاریخ کهن و پاکی و صفای خود، بازدیدکنندگان را مبهوت می‌سازند. ●

منابع:
کتاب راهنمای توریستی پکن و شانگهای نوشته‌ی اسماعیل محموی، صفحات ۹۲ الی ۹۷
www.chinahighlights.com
www.oxfordbibliographies.com
www.islam.org.hk
www.topchinatravel.com

۱- siheyuan/四合院
۲- xi'an/西安
۳- shanxi/陕西
۴- Han/汉
۵- niujie/牛街

تاریخ، اقتصاد و سیاست

دکتر مظفر بختیار، چین‌شناس برجسته‌ی ایرانی .....

جِنگ هه، دریاسالار بزرگ عصر اکتشاف .....

تاریخ چین .....

نگاهی به جغرافیای اقتصادی کشور چین .....

بزرگترین شریک تجاری .....

دکتر مظفر بختیار چین‌شناس برجسته‌ی ایرانی

نویسنده: آناهیتا پورسفیر

دکتر مظفر بختیار (زاده‌ی ۲۸ آذر ۱۳۲۲ - وفات مرداد ۱۳۹۴) استاد دانشگاه تهران، ایران‌شناس، فرهنگ‌شناس، فارسی‌پژوه، نسخه‌شناس و مترجم بود. وی در سال ۱۳۲۲ در خانواده‌ای فرهنگ‌دوست در چهارمحال و بختیاری زاده شد. او فرزند منوچهر بختیار و میهندخت بختیار است و از سوی پدر، نوه لطفعلی خان امیر مفخم بختیاری و فتحعلی خان سردار معظم بختیاری است و از سوی مادر، نوه دوست‌محمد معیرالممالک و حسن مستوفی (میرزا حسن مستوفی الممالک) می‌باشد. علی‌اکبر دهخدا در زمان جنگ جهانی اول بیش از ۲ سال در عمارت مجلل پدری وی در دزک - واقع در ۳۲ کیلومتری شهرکرد - اقامت داشت. (دهخدا در این دوره با استفاده از کتابخانه امیرمفخم نخستین یادداشت‌های لغت‌نامه‌ی خود را نوشت). همچنین ایشان دارای دو فرزند به نام‌های اورمزد و زروان بختیار است.

وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ادب و سعدی در اصفهان به پایان رسانید. در سال ۱۳۴۲ شمسی در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران پذیرفته شد و دوره کارشناسی را با کسب رتبه‌ی اول به پایان رسانید. وی در سال ۱۳۴۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و این دوره را با کسب رتبه‌ی اول و دانشجوی ممتاز به پایان رساند. در سال ۱۳۵۵ به دریافت درجه‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران نائل گردید. او چندین سال از طرف دانشگاه تهران در دانشگاه پکن مشغول به تدریس و تحقیق بود. در سال ۱۳۷۵ به دلیل انجام فعالیت‌های فراوان و انتشار آثار مهم درباره‌ی چین‌شناسی و مطالعه‌ی فرهنگ شرق دور از طرف دانشگاه پکن به‌عنوان استاد ممتاز دانشگاه پکن برگزیده و موفق به دریافت منشور ویژه‌ی این دانشگاه شد.

بختیار در تدوین اطلس تاریخی ایران به دو زبان فارسی وانگلیسی سهم عمده داشته و کتاب ایران وی به شش زبان دنیا ترجمه شده‌است. همچنین کتاب ایران پل فیروزه از آثار وی، به شش زبان دنیا ترجمه شده است. وی تألیف نی نامه، نفیس‌ترین نسخه هنری فارسی در جهان، که در انتشارات مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده را نیز در کارنامه‌خود دارد.

وی از سال ۱۳۶۹ به عنوان استاد اعزامی دانشگاه تهران در دانشگاه پکن به مدت ۵ سال به تدریس در کرسی زبان و ادبیات فارسی و اداره‌ی مؤسسه‌ی ایران‌شناسی دانشگاه پکن پرداخت و نسلی از پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی را در چین پرورش داد. بختیار همچنین از سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد اعزامی دانشگاه تهران در دانشگاه هانکوک سئول، به مدت دو سال به تدریس در کرسی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. بختیار در مدت تدریس در دانشگاه پکن، تحقیقات میدانی گسترده‌ای که

مهم‌ترین آن درباره‌ی کهن‌ترین آثار راه ابریشم می‌باشد را به انجام رساند. مطالعات وی از اهمیت زیادی در حوزه تمدن چین و ایران و نیز میراث معنوی بشر برخوردار است و مورد توجه جهانی قرار گرفت. دکتر دودودین، مدیر پروژه‌های جهان فرهنگی (بین فرهنگی) سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و چند نفر از باستان شناسان چینی و ژاپنی متخصصان راه ابریشم، با پیمودن بخش‌های باقی‌مانده از راه ابریشم، علاقه‌مندی جامعه جهانی را به مطالعات در این زمینه ابراز کردند که گزارش آن در نشریه تحقیقاتی راه ابریشم چین به چاپ رسیده است.

وی به خاطر آثار و تحقیقات مهم خود در زمینه‌ی چین‌شناسی در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه پکن به دریافت عنوان «استاد ممتاز دانشگاه پکن» و منشور ویژه آن نائل آمد. مظفر بختیار، نخستین استاد خارجی است که این عنوان را در دانشگاه پکن دریافت کرده است.

برخی از آثار تألیفی وی عبارتند از: ایران، شکوه ایران، آداب فتوت، مجموعه آثار رضا عباسی، نی نامه، فرقه‌های صوفیه در چین، فرهنگ چینی به فارسی (به ویراستاری وی)، علف (ترجمه)، حیاة الطغرایی (به عربی). از وی مقالات علمی و پژوهشی زیادی در نشریات داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.

بررسی‌نامه نسخه‌های خطی اسلامی در چین به زبان انگلیسی از دیگر آثار اوست، برای تدوین این بررسی‌نامه حدود ششصد شهر و روستا در سرتاسر کشور چین در چهار سال از نزدیک بررسی شده است.

او درباره‌ی آثاری که به زبان انگلیسی منتشر کرده (مانند کتاب «بررسی نامه نسخه‌های خطی فارسی در چین») می‌گوید: «برخی از این آثار که به انگلیسی منتشر شده‌اند، درصدد بودم که آن‌ها را به خاطر گستره وسیع مخاطبان به انگلیسی بنویسم و منتشر کنم. برخی دیگر از آثار هستند که ناشر تمایل داشته و همکاری کرده و حتی پیشنهاد داده که من پذیرفتم.

از مهمترین مقالات چین شناسی مظفر بختیار مقاله‌ای با عنوان «استیفی» است. کلمه استیفی در متون دوره‌های تانگ و کهن، در اسناد و مدارک چینی آمده است، ولی معنی و مفهوم آن دانسته نبود. بختیار با استناد به متون چینی و فارسی ثابت کرد این کلمه تلفظ فارسی واژه‌ی «استیفا» از اصطلاحات دیوانی و حسابداری قدیم در ایران است.

پروفسور «لو» رئیس انجمن تاریخ چین و پروفسور «چاو هواشنگ» رئیس مرکز تحقیقات راه ابریشم چین در نوشته‌های خود این مقاله را یکی از مهمترین مقاله‌های مربوط به تاریخ ایران و چین و مشکل‌گشای بسیاری از تحقیقات چین، ایران و ژاپن‌شناسی دانسته‌اند.

به مناسبت نوشتن این مقاله از طرف موسسات علمی و پژوهشی چین، تقدیرنامه‌های بسیار برای بختیار ارسال شد. ●

منابع:

فراخوان غیردولتی برای بررسی زندگی علمی و آثار دکتر مظفر بختیار. ایبنا نیوز

درباره مظفر بختیار. روزنامه‌ی ایران، ۲۷ آذر ۱۳۸۵.

نصر، سید حسین، در جستجوی امر قدسی، ترجمه شهرآیینی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸

بختیار، مظفر: فارسی در چین. در: مجله «آینده»، سال هفدهم، آذر تا اسفند ۱۳۷۰، شماره ۹-۱۲. (از صفحه ۸۶۵ تا ۸۶۷)

بختیار، مظفر: برخی از تراجم آثار سانسکریت به فارسی. در: نشریه «معارف اسلامی (سازمان اوقاف)»، فروردین ۱۳۵۰ ، شماره ۱۲

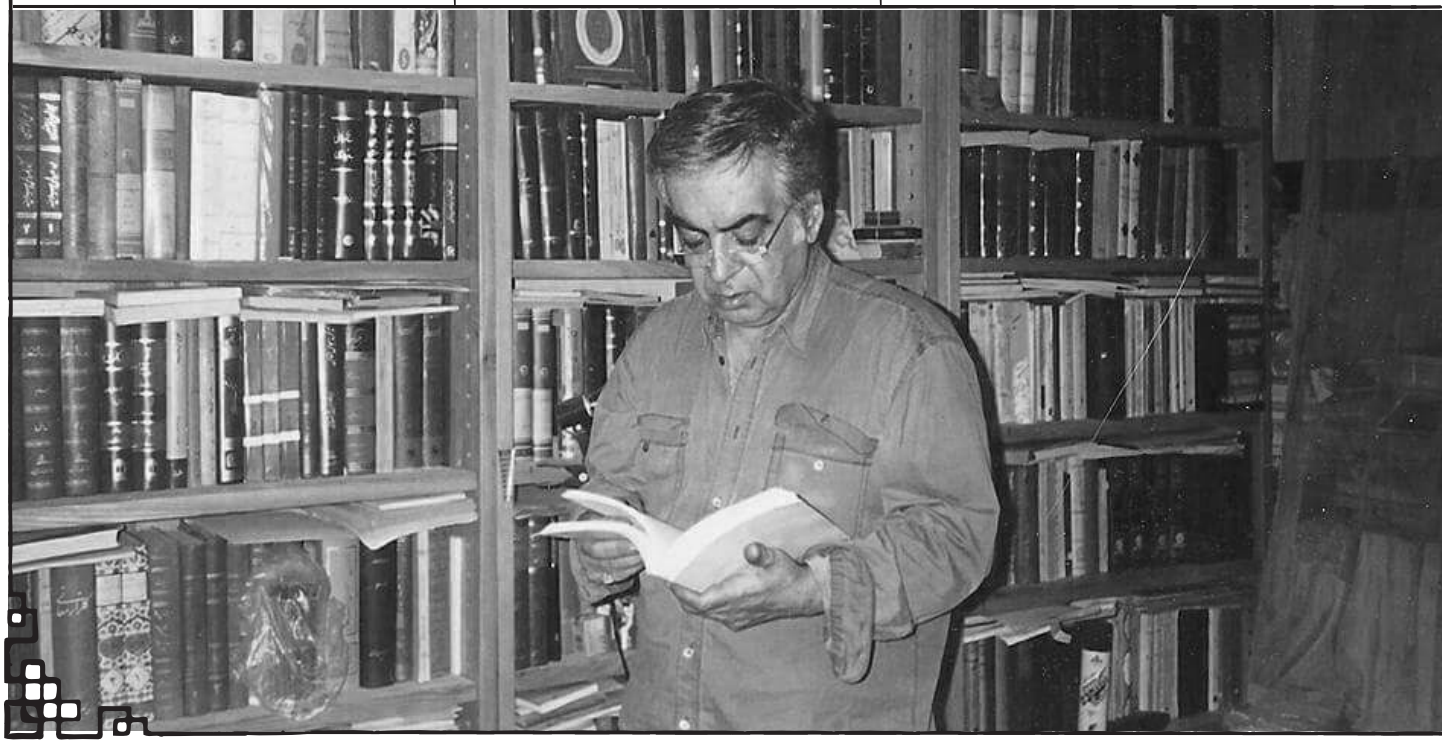

جِنگ هه، دریاسالار بزرگ عصر اکتشاف

صدف فراهانی

ایمان رمضانی

در دوره‌های مختلف تاریخی اشخاصی ظهور می‌کنند که شهرتشان از پادشاهان هم عصرشان نیز فراگیرتر می‌شود و نامشان در تاریخ برای کشورشان همواره نشانی از افتخار و غرور به همراه می‌آورد. جِنگ هه را نیز با اندکی ارفاق می‌توان جزو همین افراد به حساب آورد. سفرهای دریایی وی به علت طول مسیر و اهداف سیاسی آن در تاریخ جهان کم نظیر است.

جنگ هه[1]، در سال ۱۳۷۱ میلادی در استان یون‌نَن[2] چین در دامنه‌ی کوه‌های هیمالیا، به دنیا آمد. نام اصلی او ما هه بود. پدر او به عنوان یک افسر دون‌پایه در امپراتوری مغول کار می‌کرد، اما وی مغول نبود، نیاکان او اصالتاً ایرانی و مسلمان بودند. پدر ما هه و پدربزرگش هر دو فریضه‌ی حج را به جای آورده بودند. ما هه در سنین پایین شروع به یادگیری فرامین اسلام کرد.

مغول‌ها در آن دوره تاریخی مسیرهای جاده‌ی ابریشم را که از مرکز آسیا عبور می‌کرد را تحت کنترل داشتند و تقریبا در همان بازه‌ی زمانی بر چین نیز حکمرانی می‌کردند. اما بعد از آن امپراتوری مغول به بخش‌های خان‌نشین کوچک‌تری که هر یک توسط یک خان حکمرانی می‌شد، متلاشی شد. شورش و جنگ به وجود آمده به دلیل این فروپاشی، بازرگانان را به استفاده از راه‌های دریایی ترغیب کرد.

سه سال قبل از تولد ما هه، چینی‌ها کنترل مجدد امپراتوری خود را از طریق سلسله مینگ[3] به دست آوردند. هنگامی که ما هه ده سال داشت، ارتش سلسله مینگ به یون‌نن حمله کرد تا آن را از کنترل مغول‌ها در بیاورد. در نتیجه‌ی این حمله سربازان سلسله مینگ پدر ماهه را کشتند و او را اسیر و بعد از اینکه او را مقطوع النسل کردند به نَن‌جینگ[4] بردند. وی بعد از آن به پِی‌پینگ (بیجینگ یا همان پکن امروزی) فرستاده شد تا در کاخ شاهزاده «جو دی[5]» خدمت کند.

در دورانی که ما هه در قصر کار می‌کرد درخشش و کاردانی وی شاهزاده جو دی را به اعتمادکردن به وی واداشت. در پی آن زمانی که شاهزاده به دنبال کسب مقام امپراتوری بود ما هه را به عنوان محافظ شخصی خود برگزید. این زمانی بود که فراست

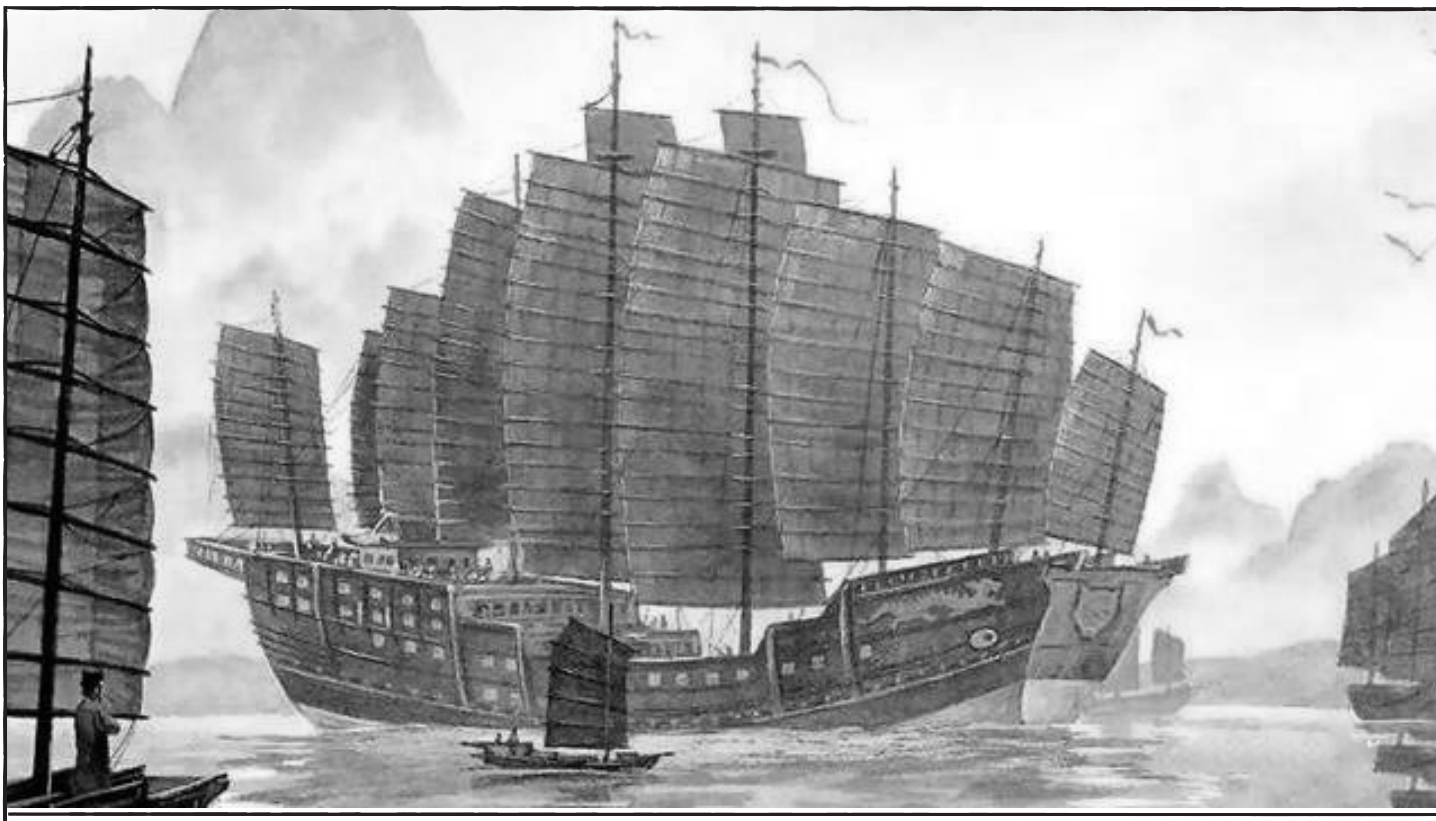

و توانایی رهبری ما هه زبانزد خاص و عام شده بود. ما هه به مدت چهار سال در رکاب شاهزاده جودی جنگید. او شاهزاده جو دی را در کمپ‌ها و جنگ‌های بی شماری یاری کرد. پس از پیروزی‌های متعدد ما هه به عنوان بزرگترین عامل به دست آوردن امپراتوری برای جو دی حساب می‌آمد.
بعد از کشمکش‌های فراوان جودی توانست تاج امپراتوری را بر سر بنهد. سپس خود را یونگ‌له ، به معنی شادمانی ابدی، خواند. پس از این موفقیت بزرگ به بسیاری از افسران و سربازانی که از وی حمایت کرده بودند ترفیع داد. ما هه نیز به مقام خواجه ترفیع یافت. در سال ۱۴۰۴ میلادی جودی لقب جنگ هه را به ما هه داد و از آن پس او به این نام شهرت یافت.
تصویر زندگی جنگ هه، پیش‌زمینه‌ی زندگی وی را خاص کرده است. در زمانی که او به محرم اسرار جودی تبدیل شده بود، صداقت و درستی جنگ هه اطمینان شاهزاده جودی را کاملاً به خود جلب کرده بود. این دو نفر معمولاً راجع به مسائل سیاسی، نظامی و استراتژیک با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کردند و جودی در این مورد اطلاعات سودمندی را به جنگ هه منتقل می‌کرد. بعد از اینکه جودی امپراتور شد، تصمیم گرفت که آب‌های غرب چین را به تصرف خود درآورد. در پی شناختن توانایی‌ها و مورد اعتماد بودن جنگ هه، امپراتور او را به عنوان مشاور خود و فرمانده‌ی ارشد این عملیات به یک سفر دریایی بزرگ در غرب چین فرستاد.
جنگ هه معروف‌ترین دریاسالار چین است. توانایی‌های منحصربه‌فرد و دید باز او نسبت به مسائل، تجلی دستاوردهای بزرگ در زندگی او بود؛ که شامل اکتشافات متعدد دریایی؛ سیاست خارجی و امور نظامی بود. بعد از مدت کوتاهی پس از به تاج و تخت رسیدن امپراتور یونگ‌له، او امور دریایی را به جنگ هه سپرد. در ابتدا جنگ هه تحصیلات تکمیلی خود را در زمینه‌ی تثبیت رده‌بندی‌های دریایی، مسیریابی آسمانی، تقویم غربی و شرقی، علم نجوم و جغرافی، علوم دریایی، ناوبری، کشتی سازی و تعمیر کشتی کامل کرد.
در سال سوم از حکمرانی یونگ‌له[۶] در سال ۱۴۰۵ و سال هشتم از حکمرانی شوئَن‌ده[۷] در سال ۱۴۳۳، جنگ هه هفت سفر دریایی بزرگ را رهبری کرد. وی دریای جنوب چین و اقیانوس هند تا خلیج فارس و دریای سرخ را پیمود.
مدارکی دال بر بازدید بیش از سی کشور آسیایی و آفریقایی و حکومت‌هایشان توسط جنگ هه وجود دارد. این هفت سفر دریایی که از نظر اندازه، تجهیزات، امکانات و تکنولوژی مسیریابی و خیلی جهات دیگر بی سابقه است نه‌تنها نشانگر قدرت سلسله‌ی مینگ بلکه توصیف کننده‌ی غیرعادی بودن توانایی‌های جنگ هه نیز می‌باشد. جنگ هه سرانجام در سال ۱۴۳۳ به دلیل بیماری در یکی از سفرهای دریایی خود و در سن ۶۲ سالگی درگذشت. ●

منبع

Chinaculture.org

۱- Zheng he/郑和
۲- yun nan/云南
۳- ming/明代
۴- Nanjing/南京
۵- zhu di/朱棣
۶- Yongle/永乐
۷- xuande/宣德

تاریخ چین

فاطمه موسی پور

چین کشوری کهن با پیشینه‌ی تاریخی غنی است. قدمت تاریخ چین به ۵۰۰۰ سال می‌رسد و در این زمان طولانی، این سرزمین بستر حوادث و اتفاقات بسیار زیاد و متنوعی همچون جنگ‌ها و صلح‌ها، خاندان‌ها و امپراتوری‌های متعدد، بلایای طبیعی و غیر طبیعی گوناگون بوده است. این کشور با همه این چالش‌ها از فرهنگ و تمدن نیز غافل نبوده و دارای تمدنی غنی و پربار است.

نخستین تمدن‌های چین در حاشیه رود یانگ‌تسه و رود زرد شکل گرفت. اما حفاری‌های باستان‌شناسی حضور انسان در این سرزمین را از دوران ماقبل تاریخ آشکار کرده است. چین کشوری با بالاترین آمار مناطق زندگی انسان‌های اولیه در جهان، نه‌تنها عناصر فراوانی از منشأ انسان‌ها باقی نگذاشته است، بلکه یک روند نسبتا کامل تکاملی بدون وقفه نیز داشته است.

در اوایل دوره‌ی پارینه‌سنگی (حدود ۲۵۰ هزار تا ۲ میلیون سال قبل) اجداد و نیاکان چینی‌های باستان در منطقه‌ی وسیعی پراکنده شدند. چند صد منطقه از اواخر دوره‌ی پارینه‌سنگی که به ۱۰ هزار تا ۴۰ هزار سال قبل برمی‌گردد، در سرتاسر چین شناسایی و پیدا شده است.

روند پیشرفت از «انسان یوئن‌مو[۱]» به «انسان پکن[۲]» و سپس «غارنشین بالا[۳]»، واقعیات و حقایقی را در مورد انسان‌های اولیه در چین به ما می‌دهد. فسیل‌های انسان یوئن‌مو، باقی مانده‌های اولین انسان در قلمرو چین پنداشته می‌شوند.

تحقیقات باستان شناسی نشان می‌دهد که انسان پکن حدود ۷۰۰ هزار سال پیش در «جوکودیان[۴]» شروع به زندگی کرده و حدود ۵۰۰ هزار سال در آنجا می‌زیسته است. بیش از ۱۷ هزار قطعه‌ی سنگی شامل تبر، وسایل مخصوص خراش دادن و نوک پیکان از زیر خاک بیرون آورده شد. لایه‌های خاکستر با ضخامت ۶ متر، سندی است از توانایی انسان پکن در استفاده از آتش برای گرم نگه داشتن خود، پختن غذا، ایجاد روشنایی و فراری دادن حشرات.

بقایای استخوان و ابزارهای مورد استفاده‌ی غارنشین بالا، که حدود ۱۸ هزار سال قبل می‌زیسته است، درغارهای کوه «لونگ‌گو[۵]»، نشان دهنده‌ی مهارت این انسان در سوراخ کردن چوب برای درست کردن آتش است. آتش ساخته دست انسان، به عنوان آغاز تاریخ بشر پنداشته می‌شود.

حدود ۱۰ هزار سال پیش، اجداد و نیاکان چینی‌ها وارد دوره‌ی نوسنگی شدند. بیش از ۷ هزار منطقه درحاشیه رودهای یانگ تسه و زرد، در منطقه‌ی وسیعی پراکنده شدند. منطقه‌ی بنپو[۶] با فرهنگ یانگ شائو[۷] (۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل) و منطقه هِمودو[۸] با فرهنگ همودو (۵۳۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل) نشان دهنده اوایل دوره‌ی نوسنگی بوده است. درحالی که منطقه «لونگ شان[۹]» (۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال قبل)، نمونه‌ای از اواخر دوره‌ی نوسنگی می‌باشد. در این مناطق محل‌های روشن کردن آتش، انبارهای مواد غذایی، ظروف سفالی و چندین گور حاوی اسکلت شناسایی شد. وجود ساختمان عمومی مدوری که خانه‌های مسکونی در اطراف آن قرار داشتند نیز حاکی از آن بود که زندگی گروهی- اجتماعی سازمان یافته‌ای وجود داشته است. در دوره‌ی نوسنگی، مردمان باستان از تبرهای سنگی، انواع بیل‌ها، انواع چاقوها، سنگ آسیاب و دیگر ابزارهای سنگی استفاده‌های گسترده ای می‌کردند. آن‌ها ارزن، برنج، کلم، خردل و دیگر محصولات را کشت و حیواناتی مثل خوک، سگ، گاو، بز، مرغ و دیگر چهارپایان اهلی را پرورش می‌دادند. طغیان‌های عظیم دو رود یانگ تسه و زرد، تمدن‌های باستانی چین را از بین برد.

پس از این دوره، تاریخ چین غالبا به عنوان توالی از سلسله‌ها (دودمان) بیان می‌شود.

دوران باستان

در این دوران، سلسله‌های مختلف امپراتوری در چین ایجاد شدند. بنابر تاریخ‌های اولیه چینی، نخستین دودمان چین، شیا بود. در مورد این سلسله تاکنون هیچ مدرک باستان‌شناسی معتبری به دست نیامده است و قدیمی‌ترین حکومتی که از آن اطلاع کامل داریم، حکومت خاندان شانگ است. در طول صدها سال، چین وقایع مختلف و حکومت‌های فراوانی را به خود دیده است، آیین‌های بودایی و کنفسیوسی در چین رواج یافته و تمدن‌های دیگری نظیر هند و ایران و مصر به آن نفوذ کرده‌اند. دیوار بزرگ چین که از بناهای اعجاب‌انگیز بشر است، در نخستین دوره امپراتوری آن تأسیس گردید. در سال ۱۲۷۹ میلادی، مغول‌ها مقاومت چین جنوبی را درهم شکستند و بدین ترتیب، برای اولین بار، سراسر چین تحت سلطه خارجی درآمد. از قرون پانزده و شانزده میلادی پای اروپایی‌ها به چین باز شد و حتی آن‌ها حکومت‌هایی هم در نقاط مختلف این کشور برپا کردند. سرانجام در سال ۱۹۴۹، چین تحت سلطه کمونیست‌ها استقلال یافت و به کشوری مقتدر تبدیل شد.

نام و سال سلسه‌های چین در جدول صفحه بعد آمده است. در شماره‌های بعد به شرح آنها خواهیم پرداخت. ●

منابع

- China's History (CAO DAWEI)
- چین، محمودرضا برازش
- چین باستان، النورج .هال، نشر ققنوس
-iiketab.com

۱- Yuanmou Man/元谋人
۲- Peking Man/北京猿人
۳- upper cave man/山顶洞人
۴- zhoukoudian /周口店
۵- longgu
۶- Bànpō /半坡
۷- Yangshao culture/仰韶文化
۸- Hemudu/河姆渡文化
۹- Longshan/龙山

نام دودمان	نام چینی	سال‌های حکم فرمایی
سلسله شیا	夏	از قرن ۲۱ تا اوایل قرن ۱۷ پیش از میلاد
سلسله شانگ	商	از اوایل قرن ۱۷ تا قرن ۱۱ پیش از میلاد
سلسله جو	周	از قرن ۱۱ تا سال ۲۵۶ پیش از میلاد
جو غربی	西周	از قرن ۱۱ تا سال ۷۷۱ پیش از میلاد
جو شرقی	东周	از سال ۷۷۰ تا سال ۲۵۶ پیش از میلاد
سلسله چین	秦	از سال ۲۲۱ تا سال ۲۰۶ پیش از میلاد
سلسله خن	汉	از سال ۲۰۶ پیش از میلاد تا ۲۲۰ پس از میلاد
خن غربی	西汉	از سال ۲۰۶ پیش از میلاد تا ۲۵ پس از میلاد
خن شرقی	东汉	از سال ۲۵ تا ۲۲۰ پس از میلاد
سه پادشاهی	三国	از سال ۲۲۰ تا ۲۸۰ پس از میلاد
سلسله جین	晋	از سال ۲۶۵ تا ۴۲۰ پس از میلاد
جین غربی	西晋	از سال ۲۶۵ تا ۳۱۷ پس از میلاد
جین شرقی	东晋	از سال ۳۱۷ تا ۴۲۰ پس از میلاد
سلسله‌های شمالی و جنوبی	南北朝	از سال ۴۲۰ تا ۵۸۹ پس از میلاد
سلسله سویی	隋	از سال ۵۸۱ تا ۶۱۸ پس از میلاد
سلسله تانگ	唐	از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ پس از میلاد
پنج سلسله	五代	از سال ۹۰۷ تا ۹۶۰ پس از میلاد
سلسله سونگ	宋	از سال ۹۰۶ تا ۱۲۷۹ پس از میلاد
سونگ شمالی	北宋	از سال ۹۰۶ تا ۱۱۲۷ پس از میلاد
سونگ جنوبی	南宋	از سال ۱۱۲۷ تا ۱۲۷۹ پس از میلاد
سلسله یوئن	元	از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۶۸ پس از میلاد
سلسله مینگ	明	از سال ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ پس از میلاد
سلسله چینگ	清	از سال ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۱ پس از میلاد
جمهوری چین	中华民国	از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۴۹ پس از میلاد

نگاهی به جغرافیای اقتصادی کشور چین

فاطمه موسی پور

اقتصاد کشور وسیع و پرجمعیت چین طی چند سال گذشته با چنان سرعتی درحال تحول و توسعه بوده که جهانیان را شگفت زده کرده است. چین که کشوری فقیر، پرجمعیت، غیرصنعتی و متکی بر کشاورزی سنتی بود، با سیستم توسعه اقتصادی خاص خود توانست در سه دهه اخیر به طور متوسط رشد اقتصادی ۱۰ درصدی را تجربه نماید.

در بخش کشاورزی تامین غذای حدود یک و نیم میلیارد نفر امری شبیه به معجزه است به خصوص اگر با صادرات هم همراه باشد. بدون شک توسعه صنعت و کشاورزی بدون توسعه بخش خدمات اتفاق نمی‌افتد. بخش خدمات چین نه تنها پشتیبان صنعت و کشاورزی آن است بلکه خود نیز عامل مهمی در توسعه کشور است.

چین در بخش‌های مهم خدماتی توسعه فراوانی داشته است. بانکداری، بیمه، حمل ونقل، گردشگری، تجارت و خرده فروشی در چین به سرعت توسعه یافته و در حال پیشرفت است.

تاریخچه و ویژگی‌های اقتصادی چین

اقتصاد چین تا سال ۱۹۴۹ اقتصادی درهم‌ریخته، ناتوان و عقب‌افتاده بود. خسارات ناشی از جنگ جهانی و بیش از یک قرن تسلط بیگانگان بر کشور، نزدیک به پنجاه سال عدم وجود یک دولت مرکزی مقتدر و فساد حکومتی شدید، عدم نوسازی اقتصاد سنتی و حاکمیت نظام فئودالی از دلایل اصلی رکود اقتصادی چین در این دوران بوده‌است. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در اول اکتبر ۱۹۴۹، رهبران چین کمونیست سعی کردند اقتصاد درهم ریخته و متلاشی کشور را سامان و خرابی‌ها

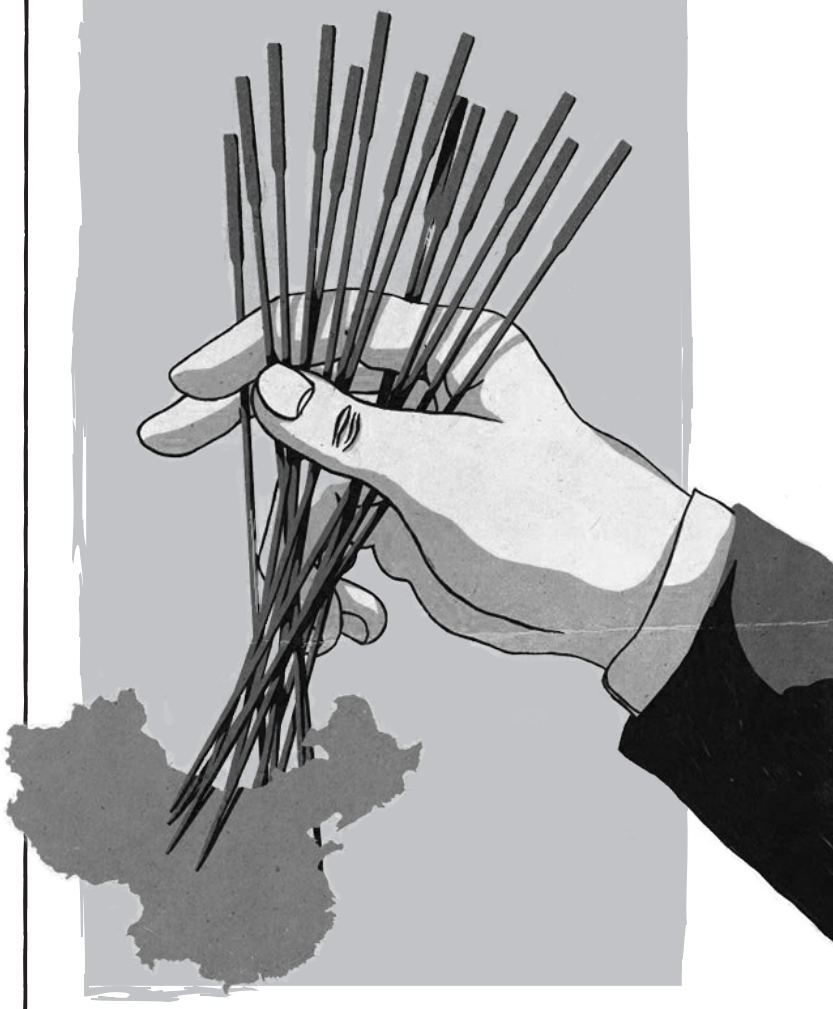

و آثار ناشی از جنگ را کاهش دهند. بعد ازمرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و پایان انقلاب فرهنگی، دنگ شیائوپینگ[۱] و نسل جدید رهبران چین شروع به اصلاحات اقتصادی کردند. این اصلاحات و تغییر سیستم اقتصادی، گشوده شدن درهای این کشور به روی خارج در سال ۱۹۷۸ دستاوردهای قابل توجهی در نظام اقتصادی آن به همراه داشت. چین در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ مناطق ویژه اقتصادی در شن‌تو[۲]، شِن‌جِن[۳] و جوخَی[۴] در استان گوانگ‌دونگ[۵] و شیامن[۶] در استان فوجیان تاسیس نمود و تمام جزیره های نَن‌خَی را منطقه ویژه اقتصادی اعلام کرد. در سال ۱۹۸۴ چهارده شهر دیگر در این کشور به منطقه ویژه سرمایه گذاری تبدیل شدند. درآغاز سال ۱۹۸۵ دولت مرکزی محدوده مناطق ویژه اقتصادی در مناطق ساحلی را افزایش داد و اصلاحات انجام گرفته در زمینه سرمایه گذاری و تجارت، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اوایل دهه ۱۹۹۰ در چین گردید به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۰ منطقه پودونگ[۶] در شانگهای و اکثر شهرهای دره‌ی رودخانه‌ی یانگ‌تسه[۷] را به روی سرمایه‌گذاران خارجی گشود. چین از سال ۲۰۰۲، به عنوان بیشترین جذب کننده سرمایه خارجی در جهان مبدل گردیده است (سرمایه گذاری مستقیم خارجی یک از متغیرهای مهم در زمینه توسعه اقتصادی می‌باشد). به علاوه در سال ۱۹۹۲ در تعداد زیادی از شهرهای مرزی و مراکز استان‌ها و مناطق خودمختار، شورای دولتی تشکیل داد. علاوه براین ۱۵ منطقه آزاد تجاری، ۳۲ منطقه اقتصادی و توسعه تکنولوژی و ۵۳ منطقه توسعه صنعتی در شهرهای بزرگ و متوسط تاسیس شد. در نتیجه برای حضور در بازار و سرمایه گذاری‌های بین‌المللی، برنامه‌ای متنوع در جهت یکپارچه کردن مناطق ساحلی، مرزی، جزیره‌ها و شهرهای بزرگ در چین شکل گرفت. پذیرفته‌شدن عضویت جمهوری خلق چین در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱، راه این کشور را برای عضویت در سازمان‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی هموار کرد. در سال ۱۹۸۰ به صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی و در سال ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی (WTO) پیوست. چین در اغلب سازمان‌های بین المللی و منطقه ای عضوی موثر و فعال است. این کشور در سال ۱۹۹۲ در کنار رشد اقتصادی، بزرگ ترین وام گیرنده از بانک جهانی بود. ورود چین به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول راه این کشور را برای گرفتن وام‌های امتیازدار هموار کرد. این کشور از فرصت‌های موجود برای طلب وام از سازمان‌های بین‌المللی بهره‌برداری کرد و از مبالغ زیادی که به‌عنوان کمک‌های رسمی برای کمک به توسعه کشورها در نظر گرفته شده بودند، برخوردار گردید و با رشد سریع اقتصادی در سال ۲۰۰۵، به‌عنوان یکی از پنج قدرت اقتصادی جهان مطرح شد. مازاد تجاری چین در سالیان اخیر، هرسال روند رو به رشدی را نشان داده و چین اکنون یکی از کشورهایی است که بیشترین ذخائر ارزی و طلای جهان را در اختیار دارد. چین تا سال ۲۰۱۵ به تمامی اهداف توسعه هزاره (MGDs) دست یافت و سهم عمده ای در دستیابی به اهداف توسعه هزاره در سطح جهانی ایجاد کرد. رشد و توسعه چین طی چند دهه گذشته سبب شد که از یک کشور عقب افتاده به قطب بزرگ اقتصادی تبدیل شود به طوری‌که در تولید بسیاری از محصولات، رتبه‌های نخست تولید را ازآن خود کرده و رتبه دوم تولید ناخالص داخلی (GDP) را پس از آمریکا به دست آورده و فاصله خود را با این کشور لحظه به لحظه کمتر کرده و درهمان حال بخش عمده‌ای از مواد غذایی مورد نیاز جمعیت کثیر خود را تامین می‌نماید. تولید ناخالص داخلی چین توسط سه صنعت گسترده ایجاد می گردد: صنعت کشاورزی، صنعت ساخت وساز و تولید و صنعت خدمات. در نمودار زیر روند GDP چین برای دوره ۲۰۱۷-۱۹۶۱ به تصویر کشیده شده است.

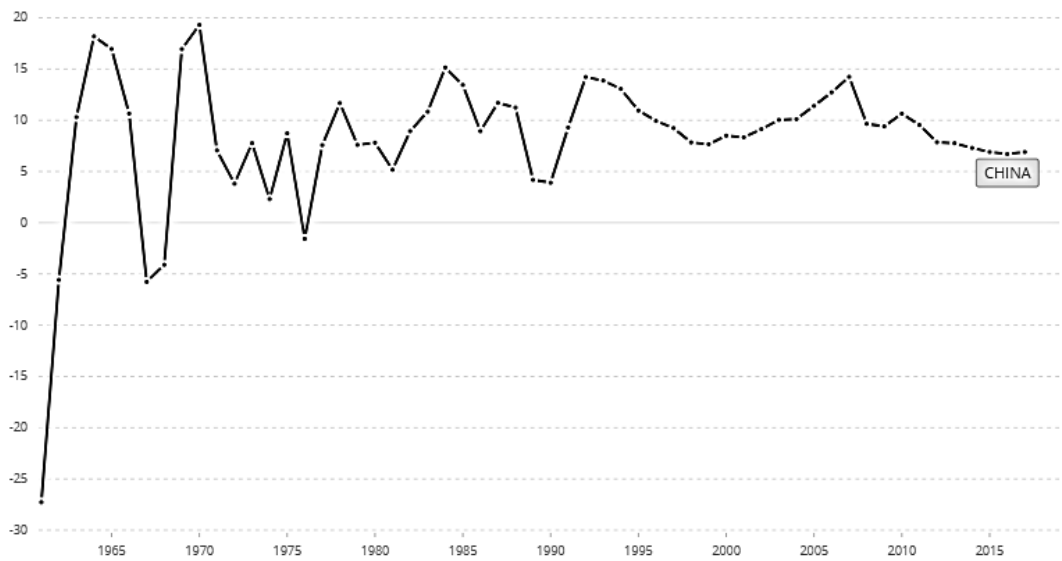

نمودار رشد تولید ناخالص داخلی (٪ سالانه)

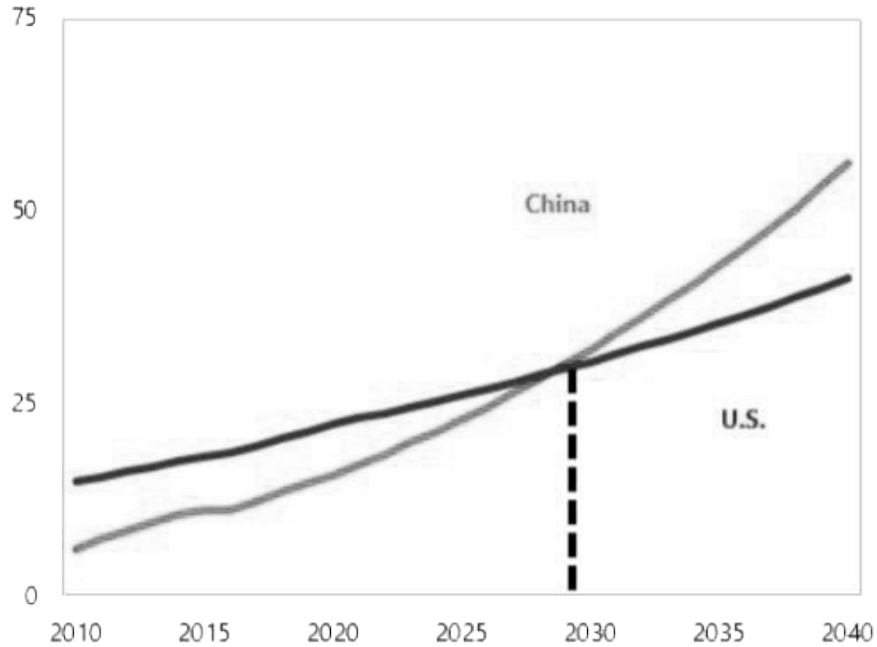

نمودار مقایسه رشد تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا (درصد سالیانه)

چین همچنین بزرگترین اقتصاد تولیدی و صادر کننده کالا، سریع ترین بازار مصرف کننده و دومین وارد کننده بزرگ کالا و بزرگترین کشور تجاری در جهان است و نقش برجسته ای در تجارت بین المللی دارد. صادرات عمده چین عبارت اند از: صنایع الکتریکی، ماشین‌آلات، تجهیزات مخابراتی، منسوجات، آهن و فولاد، تجهیزات پزشکی، موادشیمیایی، سیمان، اسباب‌بازی، پوشاک، کفش و وسایل حمل‌ونقل. و اصلی ترین محصولات وارداتی چین شامل صنایع الکتریکی و ماشین‌آلات، نفت و مواد سوختنی، تجهیزات پزشکی، فلزات، پلاستیک و موادشیمیایی و انواع مواد معدنی می باشد.

رشد اقتصادی این کشور، افزایش درآمد مردم آن را نیز در پی داشته‌است. براساس آمار اعلام شده در مجله فوربس، کشور چین در سال ۲۰۱۲ با دارابودن ۹۵ شهروند میلیاردر، در ردیف سوم دنیا پس از آمریکا (۴۲۵) و روسیه (۹۶) قرار دارد. باید اشاره کرد که هنگ‌کنگ در این فهرست از چین جدا شده و با داشتن ۳۸ میلیاردر در ردیف ششم قرار دارد. این در صورتی است که تا چند دهه قبل با توجه به مقررات حزب کمونیست مالکیت شخصی افراد بسیار محدود بوده است. به این ترتیب مردم چین که سال‌ها از بازار جهانی دور بودند، اکنون یکی از خریداران و مصرف‌کنندگان عمده کالاهای تجملی هستند. هم‌چنین مردم چین که تا چند دهه قبل به ندرت اجازه خروج از کشور را دریافت می‌کردند و یا هزینه سفرهای خارجی برای آنها بسیار گران بود با رفع مشکلات سیاسی و افزایش درآمد بصورت گسترده به گردشگری و سفر می‌پردازند؛ رشد جهش مانند پروازهای بین المللی فرودگاه‌های چین دلیلی بر این ادعا است.

هر چند وضعیت اقتصادی چین مطلوب توصیف شده است اما چالش‌های زیادی را نیز به همراه داشته است. عدم تعادل اقتصادی شدید، افزایش مسائل زیست محیطی، افزایش نابرابری اقتصادی و جمعیت سالخورده از جمله این چالش‌هاست.

بعد از دهه‌های رشد سریع، دولت اکنون بر رشد با کیفیت بالا متمرکز است. حتی با کاهش تدریجی در رشد، چین تا سال ۲۰۳۰ می تواند بزرگترین اقتصاد جهان شود و حتی از آمریکا پیشی بگیرد. ●

منابع:

کتاب چین نوشته محمود رضا برازش انتشارات آفتاب‌هشتم

Worldbank.org
Imf.org
focus-economics.com
eghtesadonline.com

۱- Deng Xiaoping/邓小平
۲- Shantou/汕头市
۳- Shenzhen/深圳市
۴- Zhuhai/珠海市
۵- Guangdong/广东
۶- Xiamen/厦门市
۷- Pudong/浦东新区
۸- Yangtze/ 长江

بزرگترین شریک تجاری

زهره عامری صفی آبادی

جایگاه کنونی چین در اقتصاد بین الملل تقریباً اقتصاد همه‌ی کشورها را متأثر ساخته است. حتی کشورهای پیشرفته نیز از آثار داخلی تجارت با چین مصون نبوده‌اند. طبق آمار اعلام شده توسط سایت worldstopexports در سال ۲۰۱۸، چین در سال ۲۰۱۷، با کسب ۲٫۲۷۲ تریلیون دلار رتبه یک صادرات جهانی را به خود اختصاص داده است. این در حالیست که سهم صادرات هر یک از دو کشور آمریکا و آلمان به عنوان صادرکنندگان دوم و سوم جهانی، نزدیک به ۱٫۵ تریلیون دلار بوده است. چین همچنین با واردات ۱٫۸۴۱ تریلیون دلاری رتبه دوم واردات را بعد از آمریکا به خود اختصاص داده است. رتبه سوم از آن آلمان می‌باشد.

جایگاه ویژه چین در مبادلات جهانی بر مناسبات خارجی کشورمان نیز اثرگذار بوده است. با توجه به رتبه صادرات و واردات بین المللی چین عدم تجارت با این کشور امری غیرممکن می‌نماید. در طول سالیان اخیر چین به عنوان یکی از شرکای مهم تجاری ایران مطرح بوده

است. چنانچه ارزش معاملات را معیار اهمیت شرکای تجاری ایران قرار دهیم؛ از بُعد واردات، چین در سال ۷۵ رتبه بیستم را به خود اختصاص داده است. این جایگاه در سال‌های ۸۵ تا ۸۷ به سومین و طی سال‌های ۸۸ تا ۹۰ به دومین صادرکننده‌ی کالا به ایران ارتقا یافت. از بعد صادرات، چین در سال ۷۵ دوازدهمین کشور پذیرای کالاهای ایرانی بوده است. در سال ۸۱، ششمین منبع ارزآوری برای کشور بوده و در سال‌های ۸۹ و ۹۰ چین بزرگ‌ترین دریافت کننده کالاهای ایرانی به شمار می‌رود.

سیاست تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران در سال‌های اخیر، روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. قطعا تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران بر اقتصاد کشور، سایر کشورهای منطقه و جهان تاثیرات مختلفی خواهد داشت. چین سال‌ها شریک تجاری مهمی برای ایران بوده است و هم اکنون به دلیل تحریم‌های وارده، نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند.

نتایج حاصل از مقاله‌ی بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران، نشان از تاثیر اجرای تحریم‌های اقتصادی قوی بر روابط کل شرکای تجاری ایران دارد. در این مقاله ۲۸ شریک تجاری ایران به دو گروه تقسیم شده‌اند. چندی از کشورهای اروپایی، ایالت متحده آمریکا، ژاپن، استرالیا و کانادا بخش عمده‌ای از کشورهای گروه اول را به خود اختصاص داده‌اند. چین، امارات متحده عربی، کره جنوبی، ترکیه، هند و چندی دیگر از کشورها در گروه دوم جای گرفته‌اند. طی نتایج به دست آمده از این مقاله کشورهای گروه اول، هم در دوره‌ی اجرای تحریم، هم در دوره‌ی بعد از آن، از تجارت خود با ایران کاسته‌اند. این در حالیست که تجارت با کشورهای گروه دوم، فقط در دوره‌ی اجرای تحریم و با شدت کمتری کاهش یافته است.

به گزارش اقتصاد نیوز در ۲۰ ام مرداد ماه ۹۷، سخنگوی وزارت بازرگانی چین با اشاره به تحریم‌های آمریکا علیه ایران گفت: روابط اقتصادی دو کشور بدون توجه به قوانین داخلی کشورهای ثالث، توسعه پیدا می‌کند. چین همانند گذشته در زمینه‌های اقتصادی و تجاری با ایران کار می‌کند و خروج آمریکا از برجام تاثیری در روابط اقتصادی دو کشور ندارد. اعتماد و تداوم در تجارت خارجی امری مهم در برنامه ریزی و اقتصاد هر کشور است. مطالب ذکر شده خود مهر تائید دیگری بر اهمیت تجارت ایران و چین می‌باشد.

با توجه به نتیجه حاصل از مقاله‌ی بررسی اثرات تحریم بین المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، در شرایط تحریم، کاهش واردات بیشتر از کاهش صادرات می‌باشد. با توجه به موضوع ذکر شده، گردآورندگان مقاله پیشنهاد بر سیاست‌های حمایتی از تولیدات صادرات‌گرا، در دوره‌ی تشدید تحریم‌ها را دارند. اگر چه واردات بی رویه از چین باعث افزایش نرخ بیکاری به خصوص در کارهای تولیدی می‌شود و بنگاه‌های اقتصادی آثار منفی واردات بیش از حد را لمس کرده‌اند، ولی صادرات به چین نیز رابطه مستقیم و معناداری با اشتغال زنان و مردان ایرانی دارد. بنگاه‌های اقتصادی کوچک، متوسط و بزرگ با ایده‌های خلاق و نوآوری می‌توانند صادرات ایران به چین را افزایش داده و کمک قابل توجهی به اقتصاد کشور بکنند.

به گزارش خبرگزاری مهر در ۱۹ فروردین سال ۹۷، مجموع صادرات غیرنفتی ایران در مقایسه با سال ۹۵ افزایش داشته و این در حالی است که صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات گازی کاهش داشته‌اند. با افزایش بنگاه‌های تجاری خلاق و آشنا به فرهنگ و نیاز مردم چین می‌توان میزان ارزش و حجم صادرات غیر نفتی را بالا برد. افزایش صادرات هدفمند و کارا، تعداد تولید کنندگان داخلی را افزایش داده و نرخ بیکاری را کاهش خواهد داد. اگر چه کشور نیازمند صادرات هر چه بیشتر به چین و دیگر شرکای تجاریست ولی واردات نیز بخش جدانشدنی اقتصاد هر کشوری است.

متاسفانه به دلیل سودجویی برخی واردکنندگان، اکثر ایرانیان تصویری منفی از تمامی کالاهای چینی داشته و آن‌ها را بی کیفیت می‌دانند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، در ۲۳ اردیبهشت سال ۹۶، فریدون وردی نژاد سفیرسابق ایران در چین بیان کرد: کالاهای چینی به چهار ردیف A،B،C،D تقسیم می‌شوند. کالاهای دو ردیف نخست به کشورهای توسعه‌یافته مثل آمریکا و کشورهایی مثل ایتالیا، کانادا و ژاپن صادر می‌شوند. همچنین کالاهای دو ردیف آخر نیز به ترتیب به کشورهای در حال توسعه و ردیف آخر با قیمت نازل‌تری برای مصارف داخلی تولید می‌شوند. وی افزود: برخی از تجار کشور به علت قیمت نازل کالاهای ردیف D اقدام به ورود این نوع کالاها کرده‌اند و از آنجایی که در فرهنگ چینی واژه نه وجود ندارد لذا این امر سبب می‌شود تا شاهد افزایش کالاهای چینی نامناسب در سطح کشور شویم. سفیر سابق ایران در چین با اشاره به راهکار مناسب جهت جلوگیری از گسترش این مسئله تصریح کرد: نظارت در مرزها می‌بایستی به طور جدی‌تری هنگام ورود کالاهای چینی انجام شود و از ورود کالاها از مرز امارات جلوگیری به عمل آید، همچنین سنجش استاندارد کالاها نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

بر اساس پیش بینی بسیاری از افراد

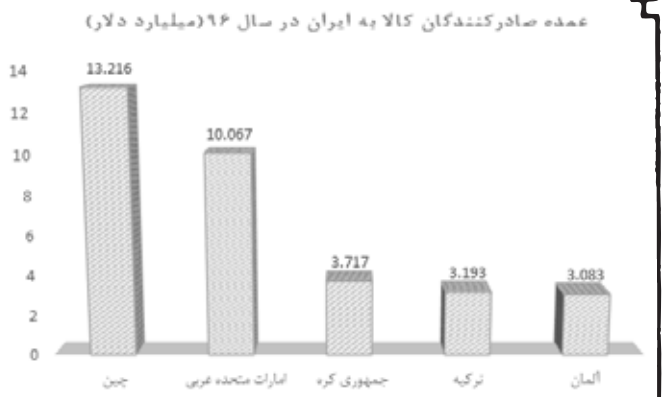

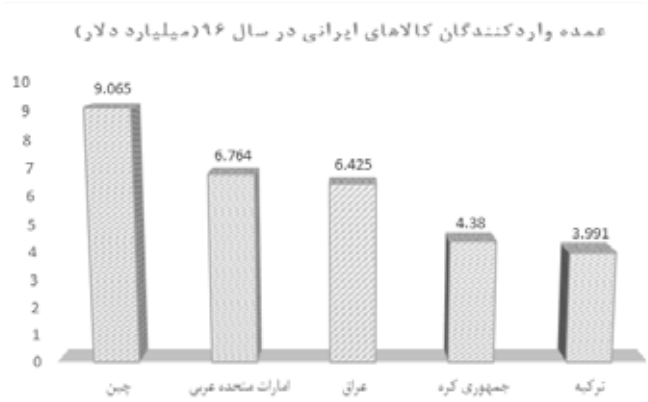

و سازمان‌ها، چین از لحاظ اقتصادی طی سال‌های آتی از آمریکا پیشی خواهد گرفت و رتبه‌ی یک اقتصاد جهانی خواهد شد. تجارت چین و ایران برای دو کشور امری ضروری است. به منظور واردات بهینه، نظارت بر ورود کالاهای چینی در گمرک و مرزها، باید به طور جدی تری انجام شده و از ورود کالاهای بی کیفیت توسط سود جویان ممانعت به عمل آید. از حیث صادرات نیز باید در نظر داشت، چین به میزان وسعت خود می‌تواند پذیرای کالاهای ایرانی باشد. طبق اطلاعات انتشار یافته از سایت worldstopexports واردات چین در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال قبل حدود ۱۵ درصد افزایش یافته است. با توجه به افزایش روز افزون واردات چین و همچنین وسعت خاک و جمعیت این کشور، تجار و تولید کنندگان ایرانی با شناخت نیازها و علایق مردم چین می‌توانند حجم و ارزش صادرات را به میزان قابل توجهی بالا ببرند. محصولات کشاورزی کم آبخواه همچون زعفران، گیاهان دارویی و پسته و صنایع دستی ایران همانند فرش و گلیم می‌توانند جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهند. در این میان از صنعت توریسم نیز نباید غافل گشت. زمان، روابط خوب و پایدار میان ایران و چین را ثابت کرده است. تجار و تولیدکنندگان ایرانی با افزایش نوآوری و تنوع کالا و خدمات خود می‌توانند با صادرات و واردات درست و بهینه، اقتصاد بهتری را برای خود و کشور رقم بزنند. چین قطعا می‌تواند شریک تجاری بسیار خوبی برای ایران باشد. امید این است که ایران در آینده‌ی نزدیک، به یکی از قدرتمندترین شرکای تجاری چین تبدیل گردد. ●

منابع:

- باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، کد خبر:۶۰۸۴۲۷۶
- اقتصاد نیوز، ۲۰ مرداد ۱۳۹۷، کد خبر:۲۳۱۶۸۷

www.eghtesadnews.com

- خبرگزاری مهر، ۱۹ فروردین ۱۳۹۷، کد خبر: ۴۲۶۶۱۷۴

www.mehrnews.com/news/4266174/

- سعید عیسی زاده، سعیده السادات حسینی. مطالعه آثار تجارت با چین بر اشتغال بخش صنعت ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی زمستان ۱۳۹۳؛ سال چهاردهم، شماره ۵۵، صفحات ۱۰۵-۱۳۶
- سید علیرضا کازرونی، حسین اصغرپور، اوین خضری. بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۹۲. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی تابستان ۹۵؛ شماره ۷۹، صفحات ۱-۳۳.
- علیرضا گرشاسبی، مجتبی یوسفی دیندارلو. بررسی اثرات تحریم بین المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران. فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی پاییز۹۵؛ شماره ۲۵.
- Daniel Workman. World's Top Export Countries. [2018 June 20].
Available from:www.worldstopexports.com/worlds-top-export-countries/
- Daniel Workman. World's Top Imports: Products and Countries. [2018 June 13].
Available from: www.worldstopexports.com/worlds-top-imports-products-countries/

ضمیمه ختای‌نامه:
تاریخ‌نگار

مروری بر فعالیت‌های گروه زبان چینی دانشگاه علامه طباطبایی

تهیه و تدوین گزارش: زهره عامری صفی آبادی

جلسه نمایشنامه خوانی

برف در چله تابستان

جلسه نمایشنامه خوانی در ۹ ام اسفند ماه سال ۹۶ توسط انجمن علمی زبان چینی برگزار گشت. شرکت کنندگان در این جلسه به قرائت نمایشنامه «برف در چله تابستان» از کتاب دو نمایشنامه از چین قدیم به ترجمه «لیلی گلستان» پرداختند.

عکس یادبود مراسم جشن بهاره ۹۷

عکس یادبود مراسم جشن بهاره ۹۷

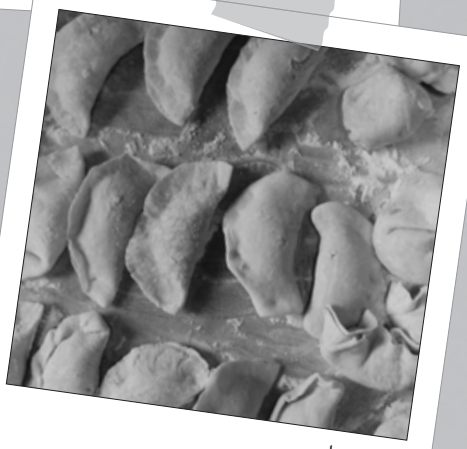
پخت جیاوزه

گروه زبان چینی دانشگاه علامه طباطبایی نوروز ۹۷ را بارنگ وبویی چینی آغاز کرد.

انجمن علمی زبان چینی به مناسبت عید بهاره چین و فرا رسیدن نوروز ۹۷ در ۱۶ ام اسفند ماه سال ۹۶ در سالن اجتماعات دانشکده ادبیات و زبان های خارجی این دانشگاه، مراسم جشن سال نو چینی را برگزار کرد. پیش از شروع جشن، علاقه‌مندان به همراه اساتید گروه زبان چینی به یادگیری و پخت جیاوزه پرداختند. این مراسم با خوشامدگویی دکتر میرزانیا، مدیر گروه زبان چینی آغاز و با سخنرانی استاد لیو لی‌جون ادامه پیدا کرد. در ادامه فاطمه علیزاده، دانشجوی مترجم به قرائت ترجمه دو شعر آهنگ آب اثر سوشی و همچون رویا اثر لی چینگ‌جائو پرداخت. سپس اجرای موسیقی و آواز زنده‌ی چندی از دانشجویان زبان چینی، آغاز گشته و با استقبال بسیار گسترده‌ای همراه بود. مجریان این مراسم با اجرای مسابقات زبان پیچان و استفاده از چاپستیک لحظات شاد و مفرحی را فراهم کرده و به برندگان جایزه اهدا گشت. این مراسم با پخش فیلمی با موضوع جشن بهاره چینی پایان یافت. همچنین در پایان این جشن با جیاوزه از مهمانان پذیرایی به عمل آمده و به شرکت کنندگان هدایایی به رسم یادبود اهدا گشت. لازم به ذکر است خبرنگار شبکه ی فنیکس تی وی نیز در این مراسم حضور داشت.

مراسم دیدار با اصحاب نشرچین

مراسم دیدار با اصحاب نشرچین

دیدار با اصحاب نشرچین

گروه زبان چینی دانشگاه علامه با همکاری اعضای انجمن علمی زبان چینی در ۲۳ام اردیبهشت ماه ۹۷، با اصحاب نشر چین دیدار کردند. طی این جلسه اصحاب نشرچین با دانشجویان مترجم دانشگاه علامه طباطبایی آشنا شده و با دیگر دانشجویان گروه زبان چینی سخن گفتند. در ادامه اعضای این هیئت مشکلات مختلف بر سر راه صنعت چاپ را عنوان کردند. این گروه آمادگی خود را در حمایت از دانشجویان زبان چینی دانشگاه علامه طباطبایی برای تامین کتب چینی و چاپ آثار ادبی و ترجمه دانشجویان اعلام داشت. در پایان این دیدار اعضای نشرچین به گروه زبان چینی چندین جلد کتاب و هدایای ارزشمند دیگری را اهدا کرده و دانشگاه علامه طباطبایی نیز به رسم یادبود به مهمانان چینی خود هدایایی را تقدیم کرد.

کارگاه اصول فنون مذاکرات تجاری با چین

کارگاه اصول فنون مذاکرات تجاری با چین، توسط گروه مهارت افزایی دانشگاه علامه طباطبایی در اردیبهشت ماه سال ۹۷ طی سه جلسه برگزار گشت. این دوره با حضور خانم دکتر تریفه آقا مجیدی، استاد گروه زبان چینی دانشگاه علامه طباطبایی در پردیس خودگردان دانشگاه واقع در توانیر صورت گرفت. لازم به ذکر است در پایان دوره به شرکت کنندگان مدرک معتبر اعطا گشت.

دانشگاه علامه طباطبائی